

ویژه نامه جام جهانی ۲۰۰۶



دفتر وکالت الینس

میترا عادشی و دیگر وکلای با تجربه در خدمت جامعه

MITRA ADESHI (LLB HONS.)

متخصص در امور:

پناهندگی و مهاجرت

خرید، فروش و اجاره املاک و

مستغلات

خانواده، ازدواج و طلاق

حضور در مصاحبه های اداره مهاجرت، تنظیم و ارائه
درخواست پناهندگی، اقدامات و حضور در دادگاه
های مربوطه، اخذ ویزای دانشجویی، ازدواج، پیوستن

Immigration & Asylum

Conveyancing

Family & Matrimonial

Tel: 020 8451 9996

Fax: 020 8451 4999

267 High Road, Willesden, London NW10 2RX

Dollis Hill نزدیکترین ایستگاه آندرگراند:



Alliance
solicitors

چای خانوم خانوما



Khanum Khanuma Tea

چای خانوم خانوما را در سراسر اروپا از فروشگاههای ایرانی خریداری نمایید

کاسپین فود گالری (خزر)



انواع و اقسام مواد غذایی ایرانی، خشکبار، شیرینی های خشك و تر، سبزیجات و آجیل ،کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب ، کتاب، نشریات، صنایع دستی، سازهای سنتی، انواع قلیان



بازارچه کاملی که فقط باید از نزدیک دید و قضاوت کرد

هر آنچه نیاز يك خانواده ایرانی است از پیرو جوان و هر نوع سلیقه در زیر يك سقف برایتان تهیه شده

30 Vivian Ave. Hendon Central NW4 3XR

Tel 020 - 8202 8022

شما می توانید با کلیه
کارت های اعتباری
از سوپر خزر خرید نمایید.

Confident Dental Practice

دکتر علیرضا هاشمی جراح دندانپزشک با ده سال سابقه در کاشتن دندان و زیبایی
عضو انجمن ایمپلانت بریتانیا (ADI) و انجمن بین المللی ایمپلانت (ICOI)
در کلینیک دندانپزشکی کانفیدنت در خدمت هموطنان عزیز می باشد

بعد

قبل



۱- کاشتن دندان (Implant)

۲- سفید کردن دندان با لیزر (Teeth)

۵- لامینیت چینی (Porcelain Laminate)

خدمات

این کلینیک

تخصصی

دندانپزشکی

عبارت است

از :

NHS & PRIVATE

خواهشمندیم جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

Tel: 020 - 7388 8556

www.confident66.com

66Hampsted Road, London NW1 2NT

نزدیکترین آندرگراوند: Warrent St. & Euston Square

راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا



IRANIAN BUSINESS DIRECTORY IN EUROPE



راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا

IRANIAN BUSINESS DIRECTORY IN EUROPE

راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا پل ارتباطی صدها
هزار ایرانی در اروپاست.

بیاد شادروان احمدی که نخستین گام را در سال ۱۹۸۸ برداشت و به پاس تلاش و کوشش های او و یارانش اینک راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا در سطحی بسیار گسترده و با کادری حرفه ای و کارآزموده نیاز مهم اطلاعاتی جامعه پراکنده ایرانیان را سر و سامان می بخشند در این کتاب سعی بسیار شده است که صاحبان تجاری و کالا و صنفی شناخته شده و مورد اعتماد ایرانیان در آن درج گردد تا اثری ماندگار بجای بماند و بعنوان کتابی مرجع و صاحب اعتبار در میان ایرانیان شناخته گردد راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا شامل اطلاعات و آمار اقتصادی و تجاری ایرانیان در ۲۵ کشور اروپایی خواهد بود که مسلماً دست به چنین حرکتی عظیم و گسترده نیاز به کمک و حمایت و پشتیبانی همه کسانی دارد که می خواهند جامعه تجاری ایرانیان در اروپا شناسنامه و هویتی شناخته شده داشته باشد و کمک به چنین حرکتی یک وظیفه ملی و میهنی محسوب می گردد.

لیست قیمت در کتاب راهنمای مشاغل ایرانیان در اروپا

یک صفحه کامل با طراحی	در سراسر اروپا	500 یورو معادل
400 پوند		
1/2 صفحه کامل با طراحی	در سراسر اروپا	300 یورو معادل
250 پوند		

جهت کسب اطلاعات بیشتر و درج تبلیغات تجاری خود با دفتر مرکزی لندن تماس حاصل نمائید

00442087311992 از اروپا

02087311992 از انگلستان

Email: pypages@hotmail.co.uk

goldenphone

Digital Communication



Line Rental from £9.99 **

۳۰۰۰ دقیقه رایگان



T · Mobile

برای آگاهی از جدید ترین و
بهترین تعرفه ها و مدل های
گوشی موبایل با کارشناسان
فارسی زبان ما تماس بگیرید



اگر مشترک قدیمی T.Mobile
هستید ما می توانیم با حفظ
شماره تلفن قدیم شما آخرین
مدل گوشی ها و بهترین تعرفه
ها را به شما بدهیم

020 8434 0561

020 8434 0562 دفتر

020 8434 0563 فکس

07958 181 878 مسعود

07950 111 222 اردوان



**Address: 1, Olympic Way ,
Wembley , Middlesex , HA9 0NP**

* Terms & conditions apply, Call us for details
. Offer available for a limited period only



محمود سرابی

دلخور نمی شین راستش را بگم

جامعه شناسی ما ایرانیان با در نظر گرفتن عواملی چون تاریخ، جغرافیا، قومیت، گویش، مذهب، آداب و سنن گوناگون مجموعه ای را نشان می دهد که جملگی زیر سقفی به نام سرزمین ایران قرار گرفته ایم. نگاهی اجمالی به رویدادها و حوادث تاریخی هزاره های مختلف تا دوران کنونی نشان از آشفتگی و پریشان حالی های متمادی تاریخی می دهد که بیگانگان و متجاوز گران خارجی با همیاری و همکاری بخشی از ایرانیان به کشور ما تسلط یافتند و حکومت کردند و عوامل خود فروش وطنی باعث تحکیم و تداوم حکومت بیگانگان شدند نمونه های فراوانی در تاریخ است که به درازای ۲۵۰۰ سال که به آن افتخار می کنیم؟ که صدها سال آن دوران افتخار آمیز سالهایی بوده است که بیگانگان متجاوز گر مانند عربها، ترکها، مغولها، افغانها، پرتغالی ها و بر جان و مال و ناموس ایرانیان تعرض کرده اند و اثرات هولناک و مخربی بر جای نهاده اند و بسیاری از ما نیز به خاطر قدر دانی و سپاس از این متجاوزین خونخوار تاریخی حتی پس از صدها سال که از تجاوز آنان می گذرد نامهای آنان را بر فرزندان خویش می نهیم مانند چنگیز، هلاکو، عثمان و

باشد؟ شرایط ظاهرا بد نیست در بهترین کشورهای جهان زندگی کردن درآمدهای پنهان و نهان داشتن دو پاسپورت با مهر ایمنی در جیب نهادن و هر ساله مسافرت یا سفرهایی از سر خود نمایی و فخر فروختن به مظلومانی در بند حالی می دهد که نپرس!!
دلخور نشین راستش همینکه که من میگم! وگرنه پنج، شش میلیون ایرانی داغدار وطن اگر حتی یک بار هم صدای اعتراض شان را علیه این جانور آخوندی از ته دل بلند می کردند دنیا تکلیفش را با ایران و ایرانیان مشخص می کرد. ولی چه باید کرد؟ که ایران سرزمینی بدون صاحب و مدعی است مگر آنهایی که منافعی دارند و در چهار راه حوادث عافیت و منفعت طلبی خویش هواری سود جویانه می زنند. ما ملتی تاریخ دان، مذهب شناس و همه فن حریف هستیم هر چند هرگز وقتی برای مطالعه، پژوهش و کنکاش و جستجو نداشته ایم و نخوانده ملا شده ایم و همیشه نشسته ایم تا دیگران برایمان بخوانند، بگویند، بپزند و در سینی طلایی طلبکار بودن مقابلمان بگذارند. هرچند نباید فراموش کرد اگر ایرانی هنوز هست بخاطر وجود انسان هایی برتر و بالاتر از معیارهای بشری است که همه گاه طول تاریخ بوده اند ایستاده اند جان باخته اند، ایثار و گذشت و فداکاری کرده اند و توانی سنگین داده اند تا هنوز عشق واقعی وطنپرستی و ایران دوستی نفس بکشد. امید اینکه خواننده محترم نیز از جرگه سرو قامتان عاشق وطن باشد

و شرایط فعلی و روزگاران سیاه و تلخ امروز نیز حکایتی از یک خط دنباله دار تاریخی است. قومی عرب تژاد و متجاوز گر با ترغیب و ریا بر کشور ما غالب شده اند و این تجاوز آشکار را گروهی از ایرانیان سابقه دار تاریخی در ایران مهیا کرده اند و قاضی شارع های قرنهای گذشته امروز جمعی قلم به دست میکروفن و دوربین دار، خواننده و رقصنده؛ کوبنده آلات طرب شده اند که دیواری دفاعی و محکم دور رژیم متجاوز آدمخوار قرون وسطایی ملایان کشیده اند تا به خاطر زر و سیمی و لقمه نانی آب بیار آسیاب دشمن باشند و صد البته در ژستها و قیافه های بظاهر مخالف و رزمنده و مبارزه از جنس شارلاتانیسم خاص که ارثیه تاریخی است. در این میان اندک ایرانی دلسوخته و عاشق وطن نیز در فضایی مسموم و آشفته «له» می شوند و فریادشان در میان حنجره دریده های وقیح گم میشود و روی دیگر سکه هم میلیونها ایرانی هستند که در ابتدا به خاطر ظلم ها و ستم ها و مشکلات با این رژیم ترک وطن کرده اند و به گوشه و کنار جهان فرار نمودند ولی امروز اکثریت این هموطنان فرار کرده با چمدانهای ملو از توبه نامه، عذر خواهی و تعهد به انسانی آرام و حرف گوش کن راهی ایران می شوند با عذرهایی بدتر از گناه که مادر، پدر پیرمان، عمه و خاله چشم براهمان بقال و شغال سر کوچه مان چشم انتظار آخرین دیدار بود؟

تسلیت

آقای مهندس دلیلی

درگذشت پدر بزرگوارتان را به شما و خانواده محترم دلیلی تسلیت می گویم
محمود سرابی لندن

تسلیت

دوست عزیز آقای داریوش مهدوی

در غم از دست دادن پدر بزرگوارتان مرا هم شریک غم خود بدان و خدمت خانواده محترم مهدوی این فقدان بزرگ را تسلیت می گویم
محمود

P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS

Tel: 020 8731 9333

Fax: 020 8731 1992

Email: rangarang_London@hotmail.com

(زیر نظر شورای نویسندگان)

رنگارنگ هر ماه منتشر می

شود



-نان جهان بدست زنان

مثلث دوستی ،

عشق ،

ایمنی و

صلح جهانی



موج تازه ای که روز به روز فرا گیر تر می شود

پاریس: ناصر امینی

دیپلمات پیشین



ملکه الیزابت در سن ۸۰ سالگی طی نیم قرن سلطنت بر انگلستان نشان داده است که مظهر صلح و آرامش است او بر تمام بحران های داخلی در بار و بودن آن فائق آمده است و رقیبی در مقابل و جانشینی بهتر از خود ندارد

خانم هیلاری کلینتون مظهر عشق و صفاست . رها از حسادت ها . بخشاینده و طرفدار بیمه های وسیع اجتماعی برای مردم آمریکا

خانم آنجلا مرکز در طول مدت کوتاهی که به صدر اعظمی آلمان برگزیده شد نشان داد که انبوهی از راه حل های خوب را در ذهن دارد او طرفدار امنیت کامل است بنابر این به دنبال جر و بحث نیست به دنبال راه حل است

خانم سه گلن رویال در فرانسه بعنوان مظهر روابط انسانی شناخته شده است او نامزد پست ریاست جمهوری فرانسه است که اگر موفق شود با توجه به روابط نزدیکی که با رئیس جمهوری آرژانتین دارد هم چنین با توجه به بانوان دیگری که در افریقا انتخاب شده اند می توان قبول کرد که موج تازه ای به دست زنان عمده جهان. دنیا را تحت تاثیر قرار خواهد داد

مثلث اخلاقی صلح جهان

بعد از قرن جنگ و ناامنی جهانی اینک ما به دوره ای از بحران جهانی ناشی از تروریسم اسلامی رسیده ایم جنگ اول و دوم پشت سر ماست جنگ سرد تمام شد توسعه بنیادگران اسلامی بهانه ای شده است تا ابر قدرت ها جنگ های ناحیه ای را دامن بزنند ریشه این مسائل در جغرافیای اقتصادی و جغرافیای استراتژیک است

بحران ناشی از نا امنی های اجتماعی و اقتصادی نه فقط در شرق بزرگ بلکه در اروپا و آمریکا نیز ظهور کرده است جهان امروز نیاز به صلح و آرامش دارد تا اقتصاد جهانی را تعدیل کند و اوضاع اقتصادی جهانی را دنبال کند برای قبول معادلات اجتماعی و اقتصادی این اقتصاد بازار آزاد که پایه جهانی شدن هاست ما احتیاج به امنیت و صلح جهانی داریم

بشریت احتیاج به دموکراسی و آزادی ، آرامش و عقل اجتماعی دارد تا بتواند در طرح های جهانی شدن مسائل اقتصادی و اجتماعی شرکت کند تا بتواند مرزهای اقتصادی را از میان بردارد و عبور و مرور آزاد دانش و کار را تضمین کند تا به کمک مدیریت منصفانه و مسئول از لحاظ اجتماعی و اقتصادی در هر کشور برسد و مجموعه این ها میشود (جهانی شدن مسائل) از این دیدگاه ما به رهبرانی انسانی ، هوشمند و مثبت در قبال جهان امروز احتیاج داریم تا بر بحران های موجود موفق شویم

با توجه به این طرح کشورهای در حال توسعه و کشورهای متمدن نیاز به یک دموکراسی ارشادی دارند وقتی ما بتوانیم ازدیاد مصرف را در کشورهای در حال توسعه تامین کنیم و آن را هم آهنگ با اقتصاد کشورهای غربی به نمائیم به هدف می رسیم در چنین اوضاع و احوالی یقین داریم بانوان بزرگ جهان مانند ملکه انگلستان ، هیلاری کلینتون ، سکولن رویال و آنجلا مرکز می توانند جهان را نجات دهند پس مثلث

SAB & CO

SOLICITORS

365 Walworth Road

London SE17 2AL

Tel: 020 7701 8026/8792

Fax: 020 72526370

رضا سبزواری

وکیل شناخته شده در خدمت جامعه ایرانیان

عضو کانون وکلای متخصص در امور

خانواده با بیش از ۱۷ سال سابقه

و همچنین امور قانونی خرید و فروش

املاک و مستغلات

از پذیرش هر گونه تقاضای Legal Aid پوزش می طلبیم

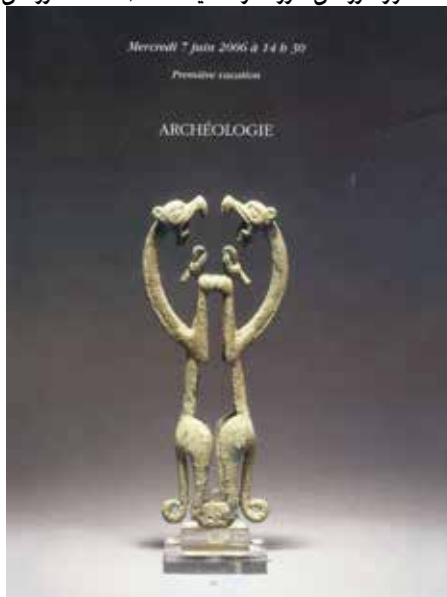
گنجینه ای از آثار باستانی ایران و مینیاتور ها کم نظیر تحت عنوان هنرهای اسلامی در پاریس حراج می شود

پاریس فروخته شد به این ترتیب با اضافه کردن یک (الف لام) فردوسی طوسی و الطوسی و بیرونی البیرونی و مولانا جلال الدین رومی الرومی و از بیخ عرب شده اند روزی حکیم انوری در بازار بلخ می گذشت هنگامه ای دید پیش رفت مردی دید که ایستاده تصامه (انوری) او را به نام خود می خواند و مردم او را حسین می کردند انوری پیش رفت و گفت ای مرد این اشعار کیست که می خوانی؟ گفت اشعار انوری. گفت تو انوری را می شناسی؟ گفت چه می گویی انوری منم. انوری خندید و گفت: شعر دزد شنیده بودم اما شاعر دزد نشنیده بودم.

تابلوی محمد شاه قاجار

در حراج سی و یکم ماه که توسط بزرگترین موسسه حراج پاریس (تاجان) برگزار میشود در صفحه ۳۵ کاتالوگ تصویری از محمد رضا شاه قاجار دیده میشود که دویست و پنجاه هزار اورو برای آن قیمت تعیین شده است این تابلو بنا به گفته یک کارشناس متخصص توسط یکی از نقاشان معاصر حاضر کشیده شده است که به کوشش متخصصان فن با کشیدن سنگ پا و سمباده و قرار دادن در آفتاب کهنه نما و مندرس شده است این تابلو که حداکثر پنج هزار اورو قیمت دارد به بهای ۲۵۰ هزار اورو یعنی ۲۸۰ هزار میلیون تومان در معرض فروش گذاشته شده است تا هر ناشناس متمولی که به افسوس دلان کهنه کار گول خورده است این اثر نو ولی مندرس و پاره و پوره را بهای گزاف بخرد و با ارائه رفرانسی باز هم غیر واقعی خود را از بینندگان خاقان مغفور معرفی کند ولی ناگفته نماند که در سالن های حراج پاریس که یکی از مراکز خرید و فروش و مبادله آثار قدیمی و باستانی جهان است آثار بی نظیری دیده میشود که هر یک در نوع خود بی همتاست انشاء الله نسل های بعد از انقلاب مجددا با قیمت های بیشتری این آثار کم نظیر تاریخی

های خطی قدیمی حتی کتاب های خطی سعدی و فردوسی نیز (اسلامی) قلمداد شده است کارشناسان و دلالانی که این کتاب های کم نظیر قدیمی را خریداری می کنند آنها را به کشورهای عربی بخصوص امارات متحده عربی و بحرین می فروشند در سال ۱۹۷۳ که افتخار خدمت در سفارت ایران را به عنوان کنسول در پاریس داشتم به همت والای سناتور فروغی فرزند زنده یاد ذکاء الملک فروغی



و موافقت دولت مخصوص حمایت بی دریغ شهبانوی ایران کوشش کردیم آثار باستانی و عتیقه جات ایرانی را که در دوران قاجاریه روانه بازارهای اروپا شده آن چه در حراجی های پاریس عرضه میشود برای ضبط و نگهداری در موزه های کشور خریداری کنیم و به ایران بفرستیم که این کار ظرف چهار سال با موفقیت انجام شد و موزه های ایران رونق گرفت ولی بعد از انقلاب آنچه رشته بودم پنبه شد اغلب آنچه را که ما با نظر خاتم صادق و سایر کارشناسان خریداری کرده بودیم باز از حراجی های پاریس سر در آورد تمام کاشی های آبی رنگ حمام های قدیمی و دروازه های تهران در حراجی های

دو موسسه حراج در پاریس روز سی و یکم ماه و روزهای هفتم، هشتم و نهم ژوئن یک هزار و یک صد و پنجاه و نه قطعه از نفیس ترین آثار هنری ایران را در معرض حراج قرار می دهند

این آثار عبارتند از برنزه های لرستان ۸ قرن پیش از میلاد مسیح ابرق های املش، مجسمه های برنز از آذربایجان، کاسه و کوزه های زیر خاکی مربوط به قرن دوازدهم که از شوش و گرگان و املش به دست آمده است قران های خطی دوران صفوی مینیاتورهای قرن شانزدهم و هفدهم، اشیاء برنجی و مسی مربوط به دوران سلجوقی و ساسانی، جام های نقره فام، زینت آلات طلای ساسانی، چراغ های پیه سوزی سلجوقی، کاشی های ایلخانی تیموری و صفوی، بازو بندها و سینه بندهای جنگی فولادی، کتب خطی مصور صفوی، قلمدان ها و جلد های لاکی قاجار، فرش های قدیمی ممتاز ملایر، زیر خاکی ها طی حفريات غیر مجاز از گورستان ها به کمک وسائل جدید معروف به (گنج یاب) به دست آمده که توسط دلالان بین المللی به پاریس رسیده است عملا مقامات صالحه قضائی از انجام وظایف قانونی که مانعت از فروش آثار جدید الورود است باز مانده اند به ویژه آن که خریداران اصلی این آثار غالباً موزه ها یا مجموعه داران با سابقه غربی هستند که بهترین و قدیمی ترین آثار اصیل ایرانی را در مجموعه های خود نگاه داری می کنند در حالیکه ایرانی ها غالباً طالب آثاری هستند که به جای قدمت تاریخی زرق و برق و جلد و فریبندگی ظاهری داشته باشد یا تصویر شاه و شاهزاده ای باشد که به نشانه افتخارات نصب به دیوار منازل و اماکن خصوصی شود.

شاهنامه فردوسی اسلامی است؟

در دو کاتالوگ موجود که هزاران نسخه ان در سراسر جهان توزیع شده با کمال تاسف مشاهده میشود که تمام مینیاتورها و آن کتاب

مجله رنگارنگ همیشه زبانزد همگان است

پیام تبلیغاتی خود را در معرض دید اکثریت ایرانیان قرار دهید

02087319333

رستوران ونیزیا در قلب گلاسکو



Venezia



با لذیذترین و متنوع‌ترین غذاهای ایرانی و فرنگی
مکانی زیبا و استثنایی جهت مهمانیهای شما

Venezia 363 Argyle Steet, Glasgow G2

8LT

Tel: 0141 572 1572 Fax: 0141 572



علی پاکپور

صراف مجاز از سال ۱۳۳۲

برای مشاهده جدول برابری روزانه ارزهای خارجی با ریال ایران
همه روزه می توانید به وب سایت ما مراجعه کنید

Ali Pakpour

FOREIGN EXCHANGE ESTABLISHED IN 1953

Tel: 02088 688 788 / 0207 584 23 23

Mobile : 07979 73 73 73 / 07979 61 61 61

Fax: 0208 866 73 73 / 0207 584 35 39

Email: info@alipakpour.com www.alipakpour.com

یک انگلستان ، یک لندن ، یک قنادی را

نامی که می شناسید و در عرض ۲۵ سال به آن اطمینان دارید

کلیه مایحتاج خود را مانند همیشه با بهترین کیفیت و قیمت از



سوپر قنادی رضاتهییه فرمایید

همه روزه انواع شیرینیجات خشک و تر

در قنادی رضا طبخ و به مشتریان عرضه می شود

High Street Kensington London W9 345

Tel: 020 - 7603 0924



خدمات ارزی
پرشیا

با ۲۵ سال سابقه خدمات ارزی و بازرگانی در انگلستان و ۵۰ سال در صنعت جواهر

Tel: 020 7483 0012

Mobile: 07974 784 790

Fax: 020 7722 5673

Dubai: 0097 150 658 7062

در جواهری

Haideh's Happy Gems, 8a Northways Parade (Argos روبروی)
Finchley Road, Swiss Cottage, London NW3 5EN



با مدیریت

محمد توکلی

Licence

No:

1
2
1
3
7
1
3
8
0
0
0
0
0

تخت جمشید

سریع ، ارزان و قابل اطمینان

شماره جدید و ارزان قیمت از انگلستان به سراسر ایران
دیگر مجبور به پیدا کردن کارت ارزان قیمت تلفن و چندین شماره برای تلفن
به تهران و شهرستانهای ایران یا موبایل ایران نیست
تنها یک شماره نیاز دارید

08714250002 فقط ۵/۸ پنس در دقیقه

حتی از تلفن موبایل خود هم با همین قیمت می توانید به سراسر ایران
و (موبایل) با همین قیمت تلفن کنید (لطفاً با شرکت موبایل خود قیمت فوق را چک کنید)

08447792525 (5p)	08714252525 (10p)	09115172525 (15p)	09114352525 (20p)	0911528 2525 (25p)
Argentina	Armenia	Algeria - Mobile	Germany - Mobile	Afghanistan
Austria	Bangladesh	Bahrain	Labanon - Mobile	Austria - Mobile
Canada	Brazil	Egypt - Mobile	Netherland - Mobile	Belgium - Mobile
China	Colombia	Finland - Mobile	Nigeria - Mobile	Germany - Premium
Denmark	Cyprus - Mobile	Greece - Mobile	Norway - Mobile	Hjamaica - Mobile
France	France - Mobile	India	Oman	Hungary - Mobile
Hong Kong	Malaysia	Jordan	Palestine - Mobile	Italy - Mobile
Irland	Nigeria	Latvia - Mobile	Portugal - Mobile	Kenya - Mobile
Italy	Pakistan	Lebanon	Saudi Arabia - Mobile	Libya - Mobile
Netherland	Russia - Mobile	Mali	Spain - Mobile	Qatar
Poland	Saudi Arabia	Palestine	Sweden - Mobile	Romania - Mobile
Russia	Turkey	Sweden - Mobile		Spain - Mobile
Singapore		Turkey - Mobile		Switzerland - Mobile
Spain				UAE - Mobile
Sweden				
USA				

از شماره های بالا می توانید بدون نیاز به اسم نویسی و دادن شماره کارت اعتباری و آدرس خود استفاده نمائید.

استفاده از شماره های تخت جمشید در صورت حساب شماره تلفن شما با ثانیه منظور خواهد شد

برای اطلاعات بیشتر با ما از طریق شماره 08700921090 تماس بگیرید و یا به سایت www.msglobe.net مراجعه نمائید



فریب فرشتگان خواهد داشت .

مجید با آلبوم جدید جهشی به سوی موفقیت

مجید خواننده خوب ساکن پاریس این روزها مراحل آماده سازی دومین آلبوم خود را می گذراند

این آلبوم مجموعه ای از ترانه هایی است که هر سلیقه ای را راضی می کند و مجید با ارائه چند نوع سبک متفاوت سعی کرده است تنوع و تحولی در کارهایش به وجود بیاورد کسانی که نمونه های ویدیویی آلبوم جدید او را تماشا کرده اند اعتقاد دارند که برای نخستین بار در اروپا کار تازه ای تولید شده که بهتر از ویدیو های لس آنجلسی می باشد

در رابطه با آلبوم جدید مجید به زودی گفتگوی مفصلی با او در پاریس خبرنگار مجله رنگارنگ

می کنند نقطه مشترک اکثریت این گروه در عملکرد عمومی این است که جامعه را به سوی بی تفاوتی و بی هویتی سوق دهند که این حرکت خود سیاسی ترین شکل خدمت به رژیم ملایان است بسیاری از این کلانتر های قلابی بدون ستاره و تفنگ در جامعه ایرانی به دنبال هیچ جرمی نمی گردند زیرا خود مجرمانی بزرگ هستند که علیه منافع ملت مظلوم و دربند ایرانیان با رژیم جنایتکار آخوندی همکاری می کنند هر چند نباید از نقش بعضی از سیاسی کاران هم غافل شد که حرفها و رفتار سیاسی می کنند ولی در دستهایشان آبی است که در آسیاب رژیم می ریزند این گروه سیاسی با تقویت و حمایت جناحی دیگر از رژیم و دنباله های رژیم تصویری دروغین می سازند که رژیم ملایان ۲ کله خوب و بد دارد و باید ایرانیان پشت . پناه کله خوب باشند کله ای که روزی بر بدن رفسنجانی می نشیند ۸ سال بعد این کله بر هیکل خاکی سوار میشود و اوقاتی هم بر بدنهای اکبر گنجی طبرزدی حجاریان و سایر گرگ بچه های رژیم می نشیند خلاصه در شهر فرشتگان گرگ های درنده با نقابهایی به رنگ وقاحت حضور دارند که معرفی این افراد به شکلی نفر به نفر یا گروه به گروه به جامعه ایرانیان با ارائه پرونده و کارنامه عملکردشان می تواند ذهن های بسیاری را روشن کند که مجله رنگارنگ که از این پس در لس آنجلس هم توزیع خواهد و پخش خواهد شد حکایت ها از این شهر پر



لس آنجلس شهر فرشتگان با نقاب های

.....

لس آنجلس پایتخت ایرانیان در خارج از کشور است آماری تقریبی نشان از صدها هزار ایرانی در این شهر ملقب به فرشتگان باعث گشته است این نقطه از جهان مورد توجه میلیونها ایرانی باشد در این دهکده ایرانی در آمریکا تعدادی خود را کدخدا می دانند و نقش گاو وفا داری بخود گرفته اند بعضی از اینان مجله روزنامه و تلویزیون دارند تعدادی کار قاجاق کنه های اقتصادی و تجاری هستند و با ایجاد و تاسیس انجمن ها و کانونها و سازمانهای گوناگون بنوعی نقش لابی بودن رژیم را بازی

سوپر مارکت آلما

در قلب فینچلی سنترال

هر آنچه یک خانواده ایرانی احتیاج دارد در سوپر



غرفه مخصوص تلفن همراه

فروش ، تعمیر و بازکردن قفل

تازه ترین
گوشت و مرغ

ساعت کار: ۸:۳۰ صبح تا ۱۰:۳۰ شب

TEL: 020 8349 3414

ALMA SUPER MARKET
151-153 BALLARDS LANE
FINCHLEY CENTRAL
LONDON N3 1LJ



شایستگی های خود نرسید صدای گرم و قوی آریس در مقایسه با بسیاری از کسانی که ادعای خوانندگی می کنند بالاتر. قوی تر و به اصطلاح صداتر است آریس در لندن هم که بود بیشتر تلاش کرد و امکانات و مقدمات حضور دیگران را در صحنه مهیا کند ایرانیان لندن هرگز خاطره خوش کنسرتهاى خوب آریس را فراموش نمی کنند بزودی گفتگوی مفصلی با آریس خواهیم داشت.

اندی مثل همیشه پر کار و فعال

اندی که رکورد دار آلبوم در میان خوانندگان پاپ است بیشتر از همیشه نیز در تلاش و کوشش است که هر بار آلبومی جدید و تنوعی تازه در کارهایش به صحنه بیايد



این روزها که تب جام جهانی فوتبال هم آغاز شده است مسلماً اندی هم به دلیل عشق و علاقه خاصش به فوتبال در این هیجان جهانی شرکتی خاص خواهد داشت

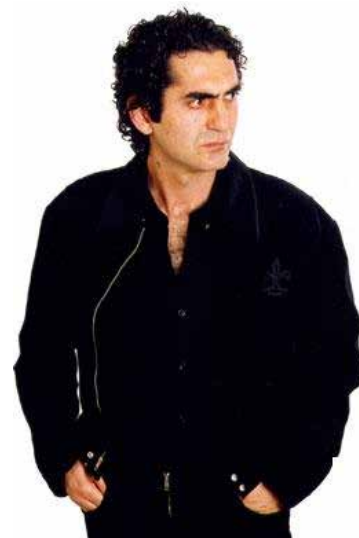
بگیر جمهوری اسلامی در دنیای موزیک لس آنجلس نه تنها از اعتبار و ارزش هاتف کم نکرد بلکه تفاوتهاى قابل احترام یک هنرمند متعهد را با مطربان دوره گرد نشان داد هاتف در کنسرت اخیرش با استقبالی که روبرو شد ثابت کرد مردم هم واقعتها را می دانند و ارزش می نهند

این چنینم آرزوست



آریس انسانی هنرمند

آریس از جمله چهره هایی است که در هر صنف و گروهی فعالیت می کرد مورد علاقه و احترام قرار می گرفت زیرا او انسانی پایبند به قول و قرارها، دوستیها و اخلاق است آریس یا نخواسست یا جدی نگرفت یا وارد باندهای مافیایی موزیک نشد آریس هرگز به



هاتف هنرمندی که دوباره

باید شناخت

هاتف سالهاست می خواند ولی آنچه جنس صدایش را ارزش بخشیده است تعهد و مسئولیتی است که نسبت به کشور و مردمش دارد او هم می توانست مانند بسیاری از نان به نرخ روز خوران فقط بشکن و بالا انداز بخواند و در کنسرتهاى دبی و اروپا شلنگ تخته بیندازد و بی خیال واقعتهاى تلخ مردم سرزمینش باشد ولی هاتف با خواندن ترانه هایی با مضامین ملی و مردمی خاری در چشم مطرب گردانان لس آنجلس است و تابلوی بیشترمانه ما سیاسی نیستیم را هاتف بر سینه نیاویخت. بایکوت کردن هاتف از سوی مافیای حقوق

مژده به ایرانیان ساکن شهر ردینگ



سوپر کیان

سوپر کیان مفتخر به ارائه بهترین محصولات ایرانی می باشد شما می توانید شیرینی جات، بستنی و فای لوده ایرانی، خشکبار، ترشیجات و دیگر محصولات ایرانی را از ما تهیه فرمائید.

Tel: 011 8957 5362

48, Station Hill, Reading RG1 (روبروی ایستگاه قطار ردینگ با پارکینگ مجانی)

عملکرد وزارت اطلاعات در میان اپوزیسیون خارج از کشور

محمود سربابی

قابل توجه ایرانیانی که دلشان عشق آزادی وطن دارد :

خطوطی را که میخوانید بزبان ساده و عامیانه از طرح های شوم وزارت اطلاعات و رخنه در زندگی خارج از کشور ما میگوید در يك بازی يك طرفه و ناجوانمردانه که رژیم با سرمایه و لشکر پادوهایش ایستاده وظیفه ملی و حرفه ای ماست که هموطنان خود را آگاه سازیم که حداقل بدانند چرا این همه تلویزیون و مجله و روزنامه تلاش دارند که به مردم تفهیم کنند که ما سیاسی نیستیم و گروهی که خود را سیاسی می دانند چرا در زیر علم بخشی از رژیم سینه می زنند بخوانید تا بدانید.....



و شناخت از زندگیشان نیازهایشان مشکلاتشان و تمایلاتشان این کار انجام میشود افراد ، رسانهها و تشکیلات متعلق به وزارت اطلاعات وظیفه دارند که در زمانهای معمول به کار خود بپردازند و نقش رسانه های یا بی طرف یا مخالف نظام را ایفا کنند. البته مخالف آن بخش از نظام که تعیین و تعریف شده است در این مواقع عادی هدف فقط پیش بردن اهداف کلی نظام است یعنی دور کردن افکار از نوع مبارزه رادیکال از يك سو و مانع از شکل گیری يك خط متحد ساز شدن از طرف دیگر آنها به این دو وظیفه کلی ادامه می دهند تا در مواقع خاص ماموریتهای مشخص داده شود در آن زمان این نیروها باید به آن ماموریت بپردازند و از امکانات خود برای احراز آن استفاده کنند در باره ماموریتها باید توضیح دهم مثلا آنکه بر علیه فلان جریان اپوزیسیون یا يك تشکیلات و یا يك شخص وارد عمل شوند و اجازه ندهند که این جریان یا شخص مطرح شود و پا بگیرد معمولا جریان این طور نیست که خط اصلی توسط تهران تعیین میشود و یکی از رسانه های در شبکه وزارت اطلاعات ان را مطرح می سازد بلافاصله وسایل ارتباطی دیگر شبکه و یا افراد درون آن کار خود را آغاز کرده و این خط را به پیش می برند همه ابزارها به کار گرفته میشود مطبوعات ، اینترنت ، رادیو ها ، تلویزیونها ، تلفن و ارتباط فردی تشکیل جلسه و سخنرانی گرد هم آیی و سمینار و امثالهم و غیره . همه رهها توسط موضوعات مورد نظر وزارت است

از دانشجویان بورسیه حداکثر استفاده میشود آنها در هر سفر به ایران جلسات ویژه دارند و تخلیه اطلاعاتی شده و توجیه می شوند علاوه بر این گزارش ماهیانه باید بدهند و یا گزارش ویژه اگر لازم باشد

از همسران دانشجویان بورسیه برای نفوذ در خانواده های ایرانیان مقیم هر کشور استفاده می شود ماموریتهایی مانند تلفن زدن به رسانه ها نیز با آنهاست بعضی حتی دوره آموزشی قبل از اعزام طی کرده اند در زمان حضور در هر کشور نیز گزارشهای ویژه

در معاونت های ده گانه وزارت اطلاعات واحد هایی وجود دارد که ماموریتشان ایجاد هسته های تحت کنترل در درون اپوزیسیون خارج از کشور است وزارت اطلاعات مطالبی را که برای ایجاد توازن میان جناحهای نظام لازم دارد به له یا علیه یکی از شخصیتهای بلند پایه نظام یا جناحهای آن از طریق این هسته ها در خارج از کشور مطرح می نماید در بین این واحدها معاونت اپوزیسیون از واحد خامنه ای رفسنجانی خاتمی و نام برد در تعریف وظایف این هسته های تبلیغاتی در خارج از کشور می توان گفت (اینها افراد گروهها و رسانه هایی هستند که از طرف وزارت اطلاعات مورد پشتیبانی محتوایی مالی و تدارکاتی قرار می گیرند تا بر علیه یکی از جناحها یا شخصیتهای نظام تبلیغ کند افراد باید از طریق انتشار سخنرانی مصاحبه حضور در مجالس تلفن بر روی کانالهایی رادیویی و تلویزیونی و غیره عمل کنند رسانه ها باید خط دیکته شده و توافق شده را پیش ببرند و در انتخاب موضوعات اخبار و مطالب افراد برنامه سازان به مسیر تعیین شده توجه کنند سازمانها و گروهها نیز باید در اطلاعیه ها و انتشارات خود سایتهای اینترنتی جلسات و سخنرانی خطوط دیکته شده را پیش ببرند ما افرادی را در خارج از کشور داریم که کارشان عبارتست از تماس با چهره های سرشناس اپوزیسیون و خود را پیرو و یا هوادار آنها نشان دادن . آنها باید این نزدیک شدن را به طور فعال انجام دهند و با تعریف و تمجید از آن شخصیت تماسهای فردی با وی برقرار کنند و بیاوراند که با نیت خوب و جهت مبارزه با جمهوری اسلامی عمل می کنند سپس بتدریج ضمن کشف افکار عقاید روانشناسی فردی روابط و شبکه های همکاری این شخصیت اطلاعات را به وزارت بفرستند و در مقابل دستورات وزارت را در رابطه با این شخصیت بکار گیرند ما از طریق برخی افراد که با همکاری دارند جمع کثیری از ایرانیان خارج از کشور را تحت اختیار داریم بدین ترتیب که مامور با افرادی چند در تماس است آنها کسب اطلاع می کند و به آنها خط می دهد آنها را بر علیه یا له کسی یا جریانی تحریک میکند و یا برای توزیع يك شایعه از آنها استفاده می کند ما آنچه را که بعنوان موضوع عمده برای رسانه های خارجی باید مطرح شود تعیین میکنیم در هر زمان از طریق امکانات رسانه های در اختیار خود يك موضوع را مطرح کرده و سپس از شبکه خود به این جریان دامن م یزنیم با تلفن های مختلف به رادیو و تلویزیونها این موضوع را بصورت پرسش یا طرفداری و یا انتقاد مطرح کرده و آن رسانه یا آن برنامه ساز را وادار مند که به واکنش بپردازد. کار جذب ایرانیان از طریق واحد های مربوط به سفارتخانه ها در هر کشور انجام میشود و فقط در امریکا این کار بر عهده افراد مشخصی است پس از آنکه فرد شناسایی شد بسته به اینکه به ایران رفت و آمد داشته باشد یا خیر کارها تنظیم میشود معمولا کار جذب آنها

است که رد کمتری از جانب دولت ایران در این بده بستانها به جای گذاشته شود. مواردی از حمل بسته های تریاک در کیفهای دیپلماتیک بوده که در خارج از طریق رابطها به عنوان پاداش به همکاران شبکه داده میشود. در داخل وزارت مخابرات واحد کنترل تلفنها روزانه هزاران مکالمه را که از طریق کارتهای مخصوص و شماره های مخصوص انجام میشود مورد شنود قرار می دهد این واحد در واقع متشکل از ماموران سپاه وزارت اطلاعات هستند که به کنترل شماره هایی می پردازد که از کارتهای شرکتها ساخته شده وزارت اطلاعات در خارج استفاده می کنند چند شرکت که توسط آقازاده ها مورد سرمایه گذاری قرار گرفته به ترمینالهای این واحد کنترل در ایران وصل هستند و تمامی استفاده کنندگان از کارتهای آنها مورد شناسایی و شنود قرار می گیرند شناسایی مخالفان فعال در خارج از کشور و تهیه پرونده از آنها جزو وظایف اولیه شبکه است و آنها چندین کارشناس کامپیوتر برای این

دارای ارزش حتی پاداش دریافت می کنند هر چند زوج دانشجوی بورسیه تحت نظر يك مسئول اداره میشود که معمولاً با سفارت و یا مستقیم با تهران در ارتباط است

پر کردن صحنه تبلیغاتی و رسانه های خارج از کشور يك کار هماهنگ میان وزارت اطلاعات و خارجه نیز و چند سازمان دولتی دیگر مانند سازمان تبلیغات اسلامی است بودجه آن از طریق چندین منبع از جمله دفتر ولی فقیه و نیز بودجه ویژه ای که ظاهراً برادر رفسنجانی اداره میکند اداره میشود چندین رابط در لندن کار توزیع این بودجه را در اروپا بعهده دارند و يك رابط در امارات نیز برخی دیگر از این افراد و رسانه ها را مورد حمایت مالی قرا می دهند در دبی در پوشش يك شرکت تجاری این کارها صورت می پذیرد

چندین مورد بوده که پورسانت‌های حق واسطه گری برای معاملات انجام شده توسط فلان شرکت خارجی در ایران به حساب رابط ها در خارج از کشور ریخته شده است هدف آن

دعوت به همکاری با درآمد قابل توجه

شرکت تبلیغاتی کتاب راهنمای تجاری ایرانیان در اروپا جهت فعالیتهای تبلیغاتی و بازار یابی تعدادی خانم و آقا را به همکاری دعوت می نماید متقاضیان با گذراندن یک دوره کوتاه آموزشی جهت بازار یابی می توانند صاحب درآمدی قابل توجه باشند

دفتر مرکزی لندن ۱۹۹۲ ۰۲۰۸۷۳۱۱

سفره ایرانی

لذیذ ترین و متنوع ترین غذاهای ایرانی با دستپخت دبش ایرونی برای مراسم ازدواج تولد و میهمانیهای شما

با مناسب ترین قیمت

نگران سلیقه ها و ذائقه های مختلف مهمان خود نباشید

02083860903



دکتر عباس مهاجرانی

چهره آشنا و محبوب ایرانیان جهت پیوند دلها و شادکامی های ماندگار مراسم رسمی ازدواج خود را با قوانین اسلامی و فلسفه روحانی زندگی مشترک پیوند دهید

07956205457



نگران مشکلات فنی ماشین خود نباشید

M.S.MOTORS

با کادری ورزیده و با تجربه بهترین خدمات فنی را در رفع نواقص اتومبیلهای شما در اختیارتان قرار خواهد داد

02082080807

07973722775

جاسوسی در تمام زوایای زندگی ایرانیان

شماره ۸۶۱۲/۱۴۶۸۲	طبقه بندی
تاریخ ۸۴/۵/۱۸	ارجحیت
پیوست	نحوه ارسال
 جمهوری اسلامی ایران وزارت اطلاعات	

مدیر عامل محترم شرکت مخابرات ایران
 جناب آقای مهندس کرم پور
 سلام علیکم

احتراماً، خواهشمند است بر روی کلیه خطوط ارتباطی کل کشور مربوط به سرویس دهندگان اینترنت (ICP, ISP) نمایشگر تلفن (CALLER ID) راه اندازی شود و دستور فرمائید شرکت های مذکور موظف به نگهداری لاگ ارتباط شامل IP, CALLER ID, MAC address و زمان رسمی کشور به مدت ۹۰ روز می باشند.

با تشکر
 وزارت اطلاعات
 معاون وزیر
 (س)
 محمد...
 ۱۳۸۴/۵/۱۸

درج شده است
 در دفتر...
 ۱۳۸۴/۵/۱۸

مدرک فوق که به دست ما رسیده است از نمونه عملکرد حکومتی دیکتاتور در تمامی

و ترفندهای مختلف زمینه ساز دسترسی رژیم به کانالهای مختلف ایرانیان باشند.



چشمی با هزار نگاه

قبل از هر گونه مبحث لازم می دانیم که توضیح مختصری در مورد چگونگی ایجاد یک ارتباط اینترنتی یا مخابراتی بیان کنیم هنگامی که کامپیوتر منزل یا محل کارتان توسط خط تلفن به شرکت سرویس دهنده اینترنتی مخابراتی متصل می گردد در کامپیوتر اصلی یا مادر شرکت مربوطه نه تنها شماره تلفن شما ثبت می گردد بلکه کلیه جستجوها و حتی شماره هایی را که گرفته اید ثبت می گردد و جالب این است که آنها به راحتی قادرند که هر گونه کنترل و نظارتی بر ارتباط شما داشته باشند نامه ذیل دستورالعمل وزارت اطلاعات رژیم به شرکت مخابرات شرکت های تابعه مبنی بر کنترل خطوط و نگهداری شماره هایی ثبت گردیده فوق الذکر تا مدت ۳ ماه (۹۰ روز) است و این گواهی بر سایه وحشت رژیم و دخالت و کنترل خصوصی ترین مسائل شخصی افراد است به راستی که در جامعه ای این چنین چگونه می توان به ارزش ها و تفکرات انسانی توجه کرد!!! هر چند باید توجه هم وطنان عزیز در خارج از کشور را هم به واسطه ها و دلالان این گونه جلب کرد که در مقام پل ارتباطی رژیم با تبلیغات

جوایز شغلی شیرین عبادی



گذشته و هم چنین گزارش راجع به باز داشت شدگان شرکت واحد ارائه شود.

جلسه ترکیب جدید شورای عالی نظارت قانون مدافعان حقوق بشر انتخاب شد و به موجب این انتخاب شیرین عبادی رییس شورای عالی نظارت عبدالفتاح سلطانی نایب رییس شورای عالی نظارت و نرگس محمدی به عنوان سخن گوی قانون مدافعان حقوق بشر انتخاب شدند. پیش از این شیرین عبادی ریاست شورای عالی نظارت قانون مدافعان حقوق بشر محمد سیف زاده نایب رییس و محمد شریف سخنگویی قانون را بر عهده داشتند. در جلسه اخیر شورای عالی نظارت قانون تصمیم گرفته شد که گزارش قانون در باره وضعیت حقوق بشر در زمستان

مدافع حقوق بشر در ایران هر روز برای خودش اضافه حقوق جایزه می گیرد . زنی که ادعا دارد اسلام واقعی را دنیا نمی شناسد و جمهوری اسلامی پیاده کننده قوانین مترقی اسلامی نوین است باید هم هر روز میز ریاستش پهن تر شود شاید بد نباشد شعری از هادی خرسندی را در معرفی طنز گونه این نیمچه مدافع اسلام نوین بخوانیم:

جلسه شورای عالی نظارت قانون مدافعان حقوق بشر با ریاست شیرین عبادی و با حضور نرگس محمدی، محمد علی دادخواه، عبدالفتاح سلطانی، محمد سیف زاده مدنی و محمد شریف تشکیل شد در این

تلویزیون رنگارنگ لندن از پانزدهم ژوئن از شبکه های جهانی پارس و کانال یک در سراسر جهان به منازل میلیونها فارسی زبان می رود



و ستار لقای روزنامه نگار و قصه نویس سرشناس.

زمزمه های یک شب سی ساله با حضور ایرج جنتی عطایی از بنیان گذاران ترانه سرایی نوین در ایران ، ورزش ایران و جهان با حضور حسین خوانساری چهره سرشناس مطبوعات ورزشی ایران ،

شهر فرنگ از همه رنگ با اجرای فریبا موسوی ، صحنه های خاطره انگیز و بیاد ماندنی سینمای ایران با اجرای محسن روحانی

تک پرده نمایش با شرکت پیام و فرید سریال جذاب و دیدنی آینه شکسته

تلویزیون رنگارنگ لندن با سابقه ۱۶ ساله با پشتوانه ای غنی به دعوت تلویزیون جهانی پارس محمود سرابی به امریکا می رود

مجله رنگارنگ به امریکا می رود تا به مناسبت جام جهانی فوتبال بعنوان کارشناس در طول مسابقات به همراه چهره های محبوب و بزرگ تاریخ فوتبال ایران برنامه هایی دیدنی و بیاد ماندنی را برای علاقه مندان به فوتبال تدارک دیده است. مجموعه برنامه های تلویزیون رنگارنگ در فصل تازه: شهر آفتاب با حضور فخری نیکزاد چهره محبوب و ماندگار تلویزیون ایران

تلویزیون رنگارنگ در آغاز شانزدهمین سال فعالیتهای خود از پانزدهم ژوئن با مجموعه ای از برنامه های جدید از شبکه های جهانی پارس و کانال یک به منازل میلیونها فارسی زبان می رود و با توجه به پشتوانه و آرشیو غنی رنگارنگ بینندگان در سراسر جهان با تنوع جذابی همراه خواهند شد به دعوت تلویزیون جهانی پارس محمود سرابی مدیر تلویزیون رنگارنگ و

اطلاعیه تلویزیون رنگارنگ لندن

تلویزیون رنگارنگ لندن با سابقه ۱۶ ساله فعالیت تصویری که چندین سالی است از شبکه های جهانی نیز پخش می گردد جهت تولید برنامه های اروپایی خود در زمینه های زیر

بازیگر

مجری

گزارشگر

بازاریاب جهت معرفی چهره های موفق در زمینه تجاری علمی پزشکی هنری و آگهی های تجاری
تلویزیون رنگارنگ لندن تنها کانال تصویری ایرانی در جهان است که از کانالهای کیبل و سته لایت در سراسر دنیا به منازل میلیونها ایرانی می رود

۰۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳



جاذبه می آفریند و عشق را به دنبال می کشاند تاکنون هیچ یک از نویسندگان را ندیدم که تجزیه و خلیلی عمیق بر این اتفاق تاریخی کرده باشند.

عشقی که یکی از عجایب هفت گانه جهان را آفرید

در داستانهای شرقی قصه همایون شاه را می دانیم که برای معشوق ایرانی خودش تاج محل را در آگرای هند ساخت. تاج محل به دست معماران ایرانی ساخته شد که یکی از شاهکارهای جهان است

چندین هزار کارگر هفت سال تمام شب و روز مرمهرای درخشان سفید را تراشیدند و زمانی که این آرامگاه که شبها همچون صدفی می درخشد آماده شد نماینده کارگران به همایون شاه گفت: ما این بنا را با اشک جشممان بنا کردیم تا کنون نصفی از کارگران که همه بزرگسال و میانسال بوده اند مرده اند ما حاضریم باز هم تا آخر عمرمان سنگها را صیقل دهیم تا غم جان گذار دل پادشاه

به نام خانم سمپ تون ازدواج نماید ادوارد هشتم عاشق بود و هیچ پنهان نمی کرد پارلمان و دربار انگلستان سنتی بودند و با پیش کشیدن مقررات و سنن این عشق را می خواستند پامال کنند کار که با اینجا کشید ادوارد خود را برابر دو انتخاب (شاه بودن یا عاشق بودن) قرار داد این حالت روانی آسان نیست بنابر این تصمیم گرفت سروری عشق خود را بر قدرتی که داشت ثابت کند این کار را کرد با معشوقه خود روانه پاریس شد در خانه های نزدیک جنگل بولونی زندگی کرد از آنجا که این جنگل در خود پاریس است ساکنان محله پانزدهم و شانزدهم پارس اغلب این دو دل داده را می دیدند که دست در دست پیاده روی می کنند. او زندگی ساده و بدون دردسر و راحتی را انتخاب کرد تا سروری عشق خود را بر مقامی که میراث دار او بود ثابت کند آیا این جاذبه ذاتی است یا اکتسابی؟ چگونه ممکن است مردی که آن همه قدرت پادشاهی را فدای عشق زنی کند و از برای آن درسی دهد که این (عشق) است که پیروز می شود و سلطنت می کند و نه سلطنت است که

شوک سلطنت در مقابل عشق اگر شاه ایران عشق را بر سلطنت

سور شود ولی دولت و دستگاه خوفیه انگلستان نه به او تابعیت داد و نه به روایتی فرصت ازدواج پسرش را با دایانا داد. عشق چارلز به کاملیا هنوز افسانه ای نوشته نشده است آنچه می دانیم این است که بر می گردد به ایام بلوغ و جوانی. چارلز یک ولیعهد ساده نیست مردیست عاقل و با کفایت برخوردار از یک دانش وسیع در امور نظامی و اکولوژی حلیم و صبور با یک قدرت معاشرتی بسیار خیره کننده او با دایانای زیبا نمی توانست ادامه دهد زیرا از آغاز با این ازدواج مخالف بود ولی مادرش الیزابت ملکه انگلستان تمام مقدمات را فراهم کرد تا قدرت دربار انگلستان از طریق پسری که او به دنیا خواهد آورد همراه با زیبایی های دایانا خیره کننده بماند ولی دل بی قرار چارلز نزد کورینا بود هیچ کس و هیچ تمهیدی نتوانست چارلز را از کاملیا که همان کورینا است منصرف کند و اراده ملکه انگلستان را بر این ولیعهد مسلط سازد چارلز به قمار بزرگی دست زد ولیعهدی خود را به خطر انداخت تا پای استعفا ایستاد سرانجام از دایانا جدا شد و با عشق دیرین خود ازدواج و ولیعهدی عاشق و پیروز گردید. دایانا زیبا بود اما معصوم نبود روحیه ای داشت بیشتر سینمایی عکاسان بزرگ تعریف کردند برای گرفتن عکس ها از او در ژست ها و لباس های مختلف چه ثروت هنگفتی را خرج کرده است اما همه کس در تاریخ درباره های جهان مثل چارلز عمل نکرده اند که بایستند و مقام خود را به خطر اندازند و عشق و مقام هر دو را نجات دهند.

عشق افلاطونی

به یاد آورید سرگذشت ادوارد هشتم پادشاه بریتانیا و ایرلند شمالی پسر بزرگ ژرژ پنجم که در سال ۱۹۳۶ از مقام سلطنت امپراطوری انگلستان استعفا داد تا با یک بانوی مطلقه امریکایی

ادوارد هشتم پادشاه بریتانیا از سلطنت استعفا داد تا با یک بانوی مطلقه امریکایی ازدواج نماید

ادوارد عاشق بودن را بر سلطنت ترجیح داد

پرنس چارلز مقام خود را به خطر انداخت تا به عشق خود دست یافت

رسانه های جهان بخصوص مجلات و روزنامه های انگلستان با عطش فراوان پیوسته از داستان عاطفی پرنس چارلز ولیعهد انگلیس و کاملیا همسر فعلی او صحبت می کنند و در نتیجه ازدواج ناموفق چارلز و دایانا را به یاد می آوردند دایانا که از شهرت غیر عادی برخوردار شد به اوج شهرت رسید جهانی شد و میلیونها پیر و جوان زیبایی خیره کننده او را می ستودند و هرگز فکر نمی کردند به سرنوشتی چنین شوم دچار گردد عشق آخرین دایانا بعد از جدایی از چارلز جوانی مصری نه چندان زیبایی بود که پدرش صاحب بزرگترین و مشهورترین فروشگاه لندن (هاروتس) است پدر این مرد سالها کوشید تبعیت انگلستان را بگیرد و آن چه در کار به قدرت داشت به کار برد مگر روزی پسرش ساکن قصر ویند





قاجار معروفند شاه سلطان حسین در شهر دلگشا اصفهان که دارالسلطنه و پایتخت اعلا بود در سرای بهشت مانند حجره دلگشایی داشت که آن را لذتخانه می نامیدند. قریب هزار دختر جمیله از هر طایفه و قم و قبیله از عرب و عجم ترک و تاجیک عشوه ها غمره ها و نازها می نمودند تا توجه آن ذات اقدس شهنشاه والا جاه کثیر الاشتهار را جلب نمایند (نقل از صفحه ۸۵ کتاب رستم التواریخ) به این ترتیب وقتی مردی دسترسی به دهها زن در حرامسرا دارد و به تفنن هر شب ماهرویی را انتخاب می کند عشق را در نمی یابد ما این عادت بد را احتمالا از اعراب گرفته ایم هر چند جای پای تعدد زوجات پادشاهان ساسانی در کتابها هم هست گاهی تکیه می شود بر سوگلی ها ولی سوگلی که عشق نیست سوگلی زنی است که به سبب قدرتی ناشی از زیبایی یا در تدبیر در آن محیط پر از رقابت و حسادت حرامسرا خود را مقرب شاه می کند و نفوذ او ممکن است به ثروتمند شدن یا

التیام یابد. تاج محل را همایون شاه برای مرگ معشوق خود ساخت قدرتی را فدا نکرد شاه جهان زیبا روی حامله بود و در حین وضع حمل فوت کرد آن زن می خواست فرزندی به عاشق خویش دهد که نتوانست و آن مرد خواست مرگ جانگداز معشوق خویش را ابدی سازد به این ترتیب آفرینشی در مرگ کرد. در سال ۱۹۵۶ (پنجاه سال قبل) در مسافرت رسمی شاه و ملکه ثریا به هند من به خاطر شغلی که داشتم (خبرنگار رادیو تهران) جزء ملتزمین رکاب شاهانه بودم بازدید از تاج محل در شب انجام شد در شبهای مهتابی درخشندگی مرمرهای تاج محل به حدیست که نیازی به نور چراغ برق نیست و تاج محل در شبهای مهتابی مانند صدفی می درخشد. شبی که همراه شاه و ملکه در فاصله دویست متری تاج محل از اتومبیل پیاده شدیم تا از راهروی مشرف به بارگاه که در وسط آن جوی آبی روان بود گذشته قدم زنان به تاج محل برسیم ملکه ثریا از راه رفتن در کنار شاه خودداری کرد و آن قدر قدم های خود را یواش : یواش بر می داشت که از جلوی صف به اواسط آن رسید و اعلیحضرت که در حال قدم زدن به توضیحات فرماندار آگرا گوش می داد چند لحظه ای متوجه نشد که ملکه در کنارش نیست یکی از همراهان گفت : از ملکه پرسیدم آیا پایتان درد می کند ملکه در جواب گفت (قورباغه) او گفت تازه متوجه شدم که منظور ملکه ثریا قورباغه هایی هستند که از جوی آب بالا آمده و در هوای مهتابی روی حاشیه جوی مشغول آواز خواندن هستند در میان نوشته هایی که سران کشورها و شخصیت های برجسته جهان که از تاج محل بازدید کرده اند و در کتاب طلایی یاد بود آرامگاه نوشته اند نوشته ناگور شاعر هندی را از همه جالب تر دیدم او با خط خوش نوشته بود: تاج محل قطره اشکیست که بر چهره روزگار باقی مانده است .



دخالت های سیاسی او منجر شود.

ازدواج شاه با فوزیه

در دوره پهلوی ازدواج های بنیانگذار آن رضا شاه پهلوی تقریبا همه سیاسی بوده اند از مقربان آنان شنیدم که رضا شاه با عدالت و مهر بسیار با همسران خود رفتار می کرد اینجاست که هیچکدام از همسران وی و حتی فرزندان آنها در شخصیت پدر تردید نکرده اند ولی فرزند او محمد رضا شاه فقید سرنوشتی عجیب و باز هم نانوشته در زمینه عاطفی

شاه عاشق ثریا بود ولی ایران ولیعهد و

سلطنت پایگاه تداوم خود را می خواست

می دید تا روزیکه صاعقه عشق ثریا آتش به خرمن جوانی او زد مادر محمد رضا شاه فقید بارها نقل کرده است :

ثریا سرد و پر افاده بود ولی پسرم او را خیلی دوست داشت و تنها با ثریا خوشبختی خود را پیدا کرد زندگی شاه و ثریا در مقایسه با دربارهای کشورهای مسلمان دیگر از امتیازات بسیاری برخوردار بود. نخست اینکه چند همسری در دربار ایران وجود نداشت . دوم اینکه شاه و ثریا از ظرافت ذوق بسیار در معاشرت و پوشش عالی در محافل سران دولتها برخوردار بودند شاه و ثریا طبعاً راغب تمدن غرب بودند و این طبع همه ایرانیان است و سران دول بزرگ که به ایران می آمدند یا این زوج افسانه ای را به کشور خود دعوت می کردند از ظرافت عمل و رفتار هر دو به وجد می آمدند بنابر این: این دو زوجی بودند که هیچ سرنوشتی بر آنها نمی توانست رقم زده شود جوانی و قدرت و

دارد. همه می دانند و بخصوص مادر ایشان تاج الملوک که از حرمت بسیار نزد پسر و شوهر خو برخوردار بود می گفت محمد رضا پسرم در زندگی عاطفی اقبال بزرگی نداشت . ازدواج اول او تدبیری سیاسی بود تا دو دربار مصر و ایران به هم نزدیک شوند اگر این ازدواج دوام پیدا می کرد مسلماً یکی از شاهکارهای سیاسی رضا شاه به شمار می رفت ولی فوزیه که از تربیت بس والا و والا و بلند برخوردار بود نتوانست تازه به دوران رسیدگی های بعضی درباریان ایران را تحمل کند پس به رخ و افسردگی افتاد و شاه جوان نتوانست او را در آن هنگامه سیاسی جنگ دوم جهانی راضی نگه دارد.

ازدواج با ثریا

وقتی فوزیه از شاه جدا شد شاه که در طوفانهای سیاسی بعد از جنگ دوم جهانی به سر می برد ازدواج را مسئله آنی و فوری خود

بنایم به این اشتها

پادشاهان ایران قبل از دوره پهلوی حرامسرا داشتند حرمسرای

دنبال کرد هر چه در این مسئله غور کنیم به جواب نمی رسیم که چه چیز باعث می شود که پادشاهی عاشق در کشوری اولویت را به مقام دهد و از معشوق جدا شود چنان که شرح آن را دادم در کشور دیگر وارونه این اتفاق رخ داد آیا شاه به سرنوشت مملکت فکر می کرد؟ آیا ایران بی ولیعهد می ماند؟ آیا رجال ما در حل این مسئله از تمام ظرفیت فکری خود برای حل آن استفاده کردند؟ آن حقیرها که بر ثریا رفت جزء فرهنگ مناسبات زن و شوهری ایرانیان است هیچ مادر شوهری نمی تواند عروس نازا را تحسین کند مادر شاه نیز ثریا را تحسین نکرد آیا می شود در عشق شاه شک کرد؟ اگر شاه عاشق ثریا نبود چرا در هر فرصت او را ملاقات می کرد و حتی بعد از سالیهای جدایی؟ ارثیه ثریا که من در مقالات متعدد به شرح آن پرداختم و مایملک او در حدود یک صد میلیون یورو در پاریس حراج شد همه هدایای شاه بودند علاوه بر این ثریا خوب می دانست که دل او با دل شاه گره خورده است در پایان این سوال را دوست دارم مطرح کنم :

اگر شاه عشق را بر سلطنت ترجیح داده بود چه به سر ایران می آمد؟
از آن پس چه شد؟

ایران ولیعهد خود را پیدا کرد و دیدیم که خداوند ارحم الراحمین است سلطنت پایگاه تداوم خود را پیدا کرد انقلاب ۵۷ عشق و سلطنت را درو کرد شاه فرزندان متعددی پیدا کرد شهبانو آنچه از ترقی خواهی می دانست هدیه محیط خویش کرد و مملکت در امر سازندگی ترقی شایانی کرد ولی همه دور اندیشی ها و همه تمهیداتی که برای تداوم



سلطنت اندیشیده شد و به بار نشست هیچکدام نتوانست در مقابل سرنوشت و سیلاب ویرانگر دوام آورد!!!!

ازدواج با فرح دیبا

ازدواج شاه و فرح دیبا آغازی دلپذیر و پایانی غم انگیز داشت این ازدواج آکنده بود از مصالح مملکتی و تداوم پادشاهی دو هزار و پانصد ساله همه اینها به توفیق رسید جز اینکه تقدیر نقش دیگری بازی کرد اینکه عوامل عاطفی در این ازدواج تا چه حد نقش داشته است موضوعی است که پس از انجام گفتگو

را حقیر شده می یافت ترک ایران کرد و شاه را در اختیار خویش آزاد گذاشت . شاه عاشق بود ولی دست از مقام نکشید در انگلستان شاه خودش تصمیم می گیرد ولی در برابر ایران شاه در احاطه اطرافیانش بود و او این استقلال و آزادی را نداشت که خودش برای عشق و سرنوشتش تصمیم بگیرد انبوهی از فامیل مادر خواهر صفی از ریش سفیدان و مصلحت اندیشان و کوهی از سنن و رسوم همچون عنکبوتی وجود او را در خود گرفتار کرده بود ادوارد هشتم آزاد بود کما اینکه چارلز آزاد بود ولی محمد رضا شاه فقید زندانی بود زندانی اطرافیان و سنن و فامیل . راستی می شد همانطور که مجلس شورای ملی رای به ایرانی



الاصل شدن فوزیه مصری داد اولین فرزند دختر شاه (شاهدخت شهناز پهلوی) را به ولیعهدی برگزیدند؟ چیزی که در ایران باستان سابقه داشت و چندین بار ما فرمانروایانی زن مثل توران دخت داشتیم حیطة و چنبره فامیل و درباریان که او را در ترک عشق و طلاق ثریا و تداوم سلطنت با بهره گیری از همسری که برای ولیعهدی به دنیا آورد سرانجام او را با روحیه ای متزلزل به ترک عشق واداشت شاه دیگر هرگز عاشق نشد ولی آرزوی داشتن ولیعهد را



عشق هر سه در آنها بود عاطفه و دلسوزی به ملت و ترقی خواهی شعار آن دو بود این وضع ادامه داشت تا روزی که ملت دلباخته این زوج زیبا و خوشبخت انتظارات باطنی خود را به طریق مختلف به گوش دولت و درباریان رسانید این انتظار چه بود؟ همان انتظاری که شما امروز از هر زوج خوشبختی دارید صولت عشق ازدواج را آسان می دارد ولی آوردن یک فرزند به آن عشق بستری می دهد که کانون خانواده نام دارد. درباریان و رجال مملکت به زودی پچ پچه های خود را شروع کردند هیچ کس به عشق ثریا و شاه فکر نمی کرد همه می گفتند ما ولیعهدی می خواهیم تا سلطنت دوام یابد این سنت ایران بود ولی می شد عشق را به محاکمه نکشانند؟ شاه مدتها در مقابل این زمزمه مقاومت کرد ثریا از هر کوششی در زمینه طبعی خود داری نکرد ولی از شاه دست نمی کشید زیرا وجود برادری تنی مانند شاهپور علیرضا دوام سلطنت را تضمین می کرد و این فکر در شاه بود و حتی اشاراتی به آن شده بود مردم شاهپور علیرضا را دوست داشتند زیرا شنیده بودند ساجایای رضا شاهی در اوست شاهپور علیرضا در مازندران کشاورزی می کرد و روابط صمیمانه ای با دهقانان داشت و به مناسبت رفت و آمد هایی که به تهران می کرد در یکی از سفرها هواپیمای او در البرز مرکزی در طوفانهایی که خاص آن منطقه است سقوط کرد و قصه دردناک مرگ برادر مسئله دردناک تری را به نام ولیعهد ایران که خواهد بود؟ مطرح ساخت شاه در برابر حفظ قدرت و پاسداری عشق خویش قرار گرفت ثریا که خود

دفتر مشاوره خدمات حقوقی ایران

با کادری مجرب و حرفه ای شامل وکلای شناخته شده

در امور مهاجرت و پناهندگی

آیا مایل هستید کشور محل سکونت خود را تغییر دهید و به کشور

دیگری با امکانات رفاهی بیشتر منتقل شوید

تلفن: 0777 912 10 13

خدمات ما رایگان

جام جهانی نوجوانان برای نخستین بار در لندن برگزار می گردد



ایران طی دو سال گذشته والدین شرکت کنندگان حضوری فعال و چشمگیر داشته اند و دلسوزانه همه گاه با علاقه و مسئولیت به امور اجرایی مدرسه کمک فراوان کرده اند که جای دارد سپاسی داشته باشیم از خانواده محترم فرجی ، دلیلی ، پور ابریشم باباخانلو، معینی نوری ، اردوبادی، باغبانی ، فروزان، مارتین ، نامدار، خاکسار و الله وردی

تیم های منتخب مدرسه آموزشی فوتبال ایران به لهستان و آلمان دعوت شده است کلاس های تابستانی مدرسه آموزش فوتبال ایران یکشنبه ها و چهارشنبه ها با حضور مربیان صاحب نام فوتبال ایران برگزار می گردد

به دعوت باشگاه های اسپارتنای ورشو در کشور لهستان و باشگاه ایرانیان در دوسلدورف در کشور آلمان تیمهای منتخب نوجوانان مدرسه آموزشی فوتبال ایران در تابستان سفرهایی به این کشورها خواهد داشت سال گذشته نیز تیم منتخب مدرسه آموزش فوتبال ایران به کشور هلند سفر کرد

برنامه تابستانی مدرسه آموزش فوتبال ایران افزایش تمرینات از یک جلسه به ۲ جلسه خواهد و همچنین برگزاری اولین جام جهانی فوتبال نوجوانان در لندن که با حضور چند تیم از کشورهای مختلف انجام می گردد

حسین خوانساری چهره صاحب نام و با دانش دنیای مطبوعات و حرفه مربیگری که در کشور هلند سالها با آکادمی فوتبال این کشور همکاری داشته است در جمع مربیان مدرسه فوتبال ایران غنیمتی است برای نوجوانان و جوانان که بتوانند از تجربیات و دانش این مربی خوب بهره مند شوند در مدرسه آموزشی فوتبال

هر چهارشنبه شنونده برنامه ورزشی در رادیو اسرائیل باشید

"ایران در جهان ورزش" برنامه ای است تخصصی و حرفه ای که چهارشنبه ها از رادیو اسرائیل در سراسر جهان پخش می شود این برنامه شامل تازه ترین خبرها، ناشنیده های پشت پرده ورزش، تفسیر، مصاحبه و گزارش می باشد. تهیه کننده این برنامه محمود سرابی می باشد.

مدرسه آموزش فوتبال ایران

مدرسه آموزش فوتبال ایران با حضور چهره های صاحب نام و شناخته شده فوتبال کشورمان

خانواده های علاقه مند به شرکت فرزندانشان در
مدرسه فوتبال ایران می توانند با آقای محسن فرجی
مسئول اجرایی مجموعه تماس بگیرند

07930322064

جهت کسب اطلاعات بیشتر و نامنویسی خواهشمندیم

با شماره تلفن 02087319333 تماس بگیرید



تیم فوتبال بزرگسالان پارس عضو می پذیرد

تیم فوتبال بزرگسالان پارس قدیمی ترین تیم فوتبال ایرانیان با ۲۷ سال سابقه فعالیت جهت تمرینات و مسابقات خود عضو می پذیرد (سنین ۱۵ تا ۲۰ اولویت دارند)

این تیم زیر نظر محمود سرابی و نادر محمدخانی اداره می شود.

0208 731 9333

این فیلم که توسط کمپانی برادران وارنر تولید می شود در مورد دو خواهر است که در ازدواج خود با موانعی مواجه می شوند.

در این فیلم کمدی کشیش کلیسایی که قرار است مراسم ازدواج در آن جا صورت بگیرد آن ها را مجبور می کند برای انجام شدن مراسم



در کلاس های ازدواج شرکت کنند و علاوه بر آن تن به کارهای طاقت فرسای دیگری بدهند. کن کوپیش کارگردانی این اثر را به عهده دارد.

تام کروز حرف دهنش را نمی فهمد

عضوی جدید به خانواده من باعث شد که نتوانم به همکارانم در تهیه این فیلم پیوندم. "من به این اثر افتخار من و برای همه کسانی



که در ساخت آن نقش داشتند آرزوی موفقیت می کنم."

کریستین تیلور با مندی مور خواهر می شود

کریستین تیلور قرار است در فیلم "مجوز عروسی" نقش خواهر بزرگتر مندی مور را ایفا کند.



براد پیت کن را از دست داد

براد پیت از دست اندر کاران جشنواره کن به خاطر عدم حضور خود برای نمایش فیلم بابل عذر خواهی کرد و علت غیبت خود را انتظار برای تولد فرزندش خواند.

هنرپیشه "کلوپ جنگ" و آجلیا جولی نامزدش حدود ۶ هفته است که در مکان حفاظت شده ای در آفریقا به سر می برند و قصد دارند فرزند خود را در این کشور به دنیا بیاورند.

الزاندو کارگردان فیلم بابل و کیت بلانکت هنرپیشه نقش مقابل پیت در این فیلم برای اکران این اثر در جشنواره کن حضور داشتند. در نامه الکترونیکی که پیت به مسئولین این جشنواره نوشته آمده بود: "حضور ناگهانی

قابل توجه ایرانیان ساکن شمال لندن

سوپر ساوالان

سوپر ساوالان بازارچه ای را زیر یک سقف برای شما تدارک دیده است

مدیریت سوپر ساوالان فضای جدیدی را برای عرضه بهترین و تازه ترین گوشت و مرغ با قیمت های مناسب اختصاص داده است

سوپر ساوالان همه مایحتاج شما را از شیرینی آجیل و میوه های تازه: ماهی سفید و دودی و سبزیجات مختلف را تدارک دیده است.

سوپر ساوالان کماکان بهترین های ویدئو کاست و سی دی را
5&6, Queens Parade, Green Lane
London N8 0RD
 ساعات کار ۸ صبح تا ۱۲ شب
Tel: 020 8347 8822





های فراوانی به هم دارند.

این زوج قرار است ازدواج خود را در ۲۵ ژوئن در سیدنی، استرالیا جشن بگیرند.

هیلتون "ریتچی حسود است!"

پاریس هیلتون، نیکول ریتچی بهترین دوست خود را حسود خواند و با تنظیم ترانه ای در مورد پایان گرفتن دوستیش با او این خبر را به گوش همگان رساند.

هنرپیشه های "زندگی ساده" سال گذشته به طور ناگهانی با هم قهر کردند و دلیل ناراحتیشان را از یکدیگر به زبان نیاوردند.

هیلتون در مصاحبه ای گفت که ریتچی مسبب خراب این دوستی بوده و او در آلبوم جدید خود خیلی مسائل را به طور غیر مستقیم بیان خواهد کرد.

او گفت: "من باعث شدم ریتچی در فیلم "زندگی ساده" نقشی را به عهده بگیرد اما او ناگهان تغییر شخصیت داد و به انسان



استرالیایی کیدمن از میدلر خواش کرده در عروسی وی این ترانه را اجرا کند زیرا او همواره با شنیدن این ترانه آرامش می گرفته است. یک منبع به روزنامه انگلیسی "سان" گفت: "این ترانه اثر محبوب نیکول و کیت می باشد. بت و نیکول دوستان نزدیکی هستند. آن ها هر دو در هاوایی متولد شده و شباهت

مایک والس مجری کارکشته تلوزیون گفت ادعاهای تام کروز صد در صد بی اساس است و تنها راه فائق آمدن بر افسردگی استفاده از داروهایی است که پزشکان تجویز میکنند.

مجری برنامه "۶۰ دقیقه" که مدت زیادی به بیماری افسردگی دچار بود گفت کروز هیچ گاه نمی تواند در مورد بیماری نظر دهد که هیچ گاه به آن مبتلا نشده است.

والس گفت: "تام کروز اصلاً نمی داند در مورد چه چیزی حرف می زند. علوم کاذبه اصلاً ربطی به درمان افسردگی ندارد. من فکر میکنم خود کروز نیاز به درمان دارد. امیدوارم خدا او را شفا دهد."

این مجری تلوزیون به تازگی اقرار کرد که ۲۰ سال پیش دست به خودکشی ناموفقی زده بوده که به کمک مشاوره و از استفاده از داروهای زده افسردگی شفا پیدا کرده است. او حرف های کروز را بی اساس میداند و قصد دارد با استفاده از تجربیات خود و بیان کردن آن ها، به مردم کمک کند.

بت میدلر قرار است در عروسی نیکول کیدمن و کیت اربان که در ماه آینده برگزار می شود ترانه "باد در زیر پره های من است" را اجرا کند.

خواننده عروسی نیکول

کیدمن چه کسی است؟

با توجه به گزارشات درج شده در جراید

خدمات ارزی و بازرگانی

راوندی

RAVANDI TRADE&FINANCE CO. Ltd

نامی مطمئن و آشنا

دفتر مرکزی لندن:

Tel: 020 - 7499 5455

Fax: 020 - 7629 2974

Oxford Street, 24 North Audley St

London W1K 6WD

Under New Licence No. 12113380

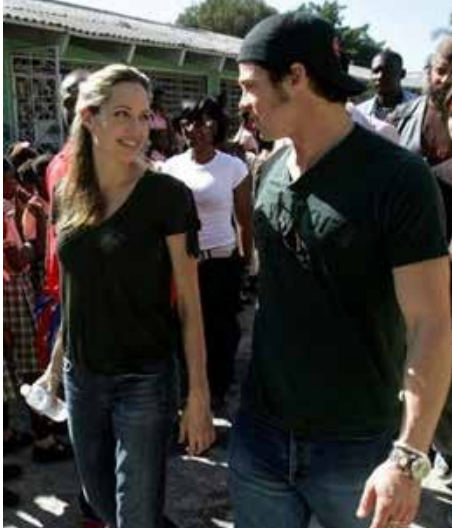
e-mail: jravandi@btconnect.com

دوبی:

Tel: (9714) - 22 72 765

Fax: (9714) - 22 77 920

email: ravandi@emirates.net.ae



جنوب آفریقا، نقل مکان کردند. پیشتر سفیر نامیبیا در واشنگتن گفته بود که "باعث افتخار نامیبیاست که محل تولد فرزند جولی باشد".

او همچنین گفته بود که تعدادی از شبکه های تلویزیونی آمریکا به دلیل درخواست بینندگانشان بدنبال فیلم های توریستی نامیبیا هستند.

جولی، سی ساله، دو فرزند خوانده دارد که یکی از کشور اتیوپی و دیگری از کامبوج است. او و براد پیت در حین ساختن فیلم "آقا و خانم اسمیت" در سال ۲۰۰۵ رابطه ای عاشقانه را شروع کردند.

پیت، ۴۲ ساله، در ماه اکتبر سال ۲۰۰۵ از "جنیفر انیستون"، بازیگر سینما و تلویزیون آمریکا، جدا شد. جولی دو بار ازدواج کرده است. دو همسر سابق او بازیگران سینما بیلی باب تورنتون و جانی لی میلر بوده اند.

سال گذشته براد پیت اعلام کرد که در صدد است نقش پدر خوانده دو فرزند دیگر جولی را بر عهده بگیرد.

اقامت پیت و جولی در نامیبیا خالی از جنجال نبوده است.

محافظان و پلیس از سوی گروه های مدافع حقوق بشر متهم شده اند که برای دور کردن عکاسان "روش های خشونت باری" را بکار گرفته اند.

اما پلیس گفته است نه ساکنان و نه خبرنگاران مورد آزار و اذیت قرار نگرفته اند.



او با حضور در برنامه ارفا وینفري گفت که از بودن با آنیستون خوشحال است و قصد دارد خیلی از شایعات را روشن کند.

او گفت: "جنیفر زن فوق العاده ای است. او بسیار خوش اخلاق و خوش مشرب است. و طرف مقابلش را در هر تصمیمی لحاظ میکند. او شاهکار آفرینش است."

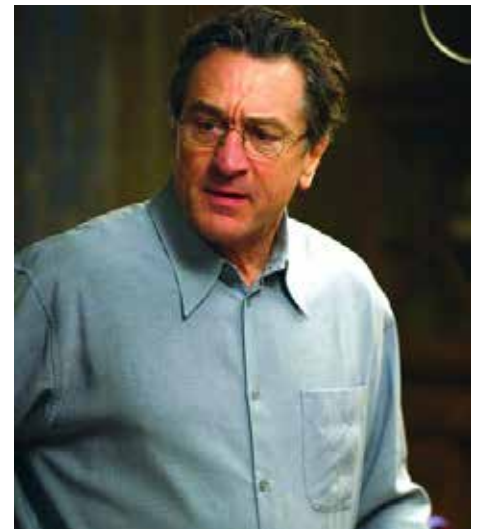
"من فکر میکنم رابطه ما با داشتن چند فرزند بسیار زیبا شود. اما در آینده نزدیک قصد نداریم پدر و مادر شویم. هنوز برای به وجود آوردن فرزند زود است." ما قبل از به دنیا آوردن فرزند باید ۸ میلیون دلار برای برگزاری مراسم ازدواجمان مهیا کنیم!"

فرزند آجلینا جولی و براد پیت در نامیبیا متولد شد

فرزند آجلینا جولی و براد پیت، ستارگان سینمای آمریکا، در کشور آفریقایی نامیبیا به دنیا آمده است.

مدیر روابط عمومی آجلینا جولی گفت این زوج هالیوودی برای دختر خود نام "شیلو نوول جولی - پیت" (Shiloh Nouvel Jolie-Pitt) را انتخاب کرده اند.

پیت و جولی به خاطر بالا گرفتن کنجکاوی رسانه ها در مورد زمان و مکان زایمان آجلینا جولی، در ماه آوریل امسال به نامیبیا، واقع در



دی نیرو به دنیای مطبوعات قدم گذاشت

رابرت دی نیرو به تازگی قصد دارد با خرید روزنامه "شاهد نیویورک" تجارت خود را رونق بخشد.

دی نیرو به همراه جین رازنتال فیلم ساز معروف و همسرش چندی پیش برای مذاکره در مورد خرید این روزنامه با آرتور کارتر ملاقات کردند.

این روزنامه یکی از مطرح ترین روزنامه های نیویورک است و با درج مقالات کوبنده و رسوا کردن بسیاری از افراد سرشناس باعث ورشکستگی آن ها شده است.

دی نیرو در صورتیکه این روزنامه را خریداری کند به کمک رابطه خویش با کمپانی های بزرگ و گرفتن تبلیغ از آن ها می تواند خول عظیمی را در آن ایجاد کند.

جنیفر آنیستون مادر می شود

وینس ونس اشتیاق زیادی به پدر شدن دارد و این مطلب را با جنیفر آنیستون نامزدش در میان گذاشته تا در مورد آینده و زندگی مشترکشان تصمیم بگیرند.

آنیستون هنرپیشه فیلم "جدایی" چندی پیش در مورد رابطه عاشقانه خود با ون سخن گفته بود اما ون روز گذشته در گفتگویی گفت که هنوز هیچ عجله ای برای گرفتن تصمیم نهایی در مورد زندگیش ندارد.

با کمترین هزینه، مدرک دانشگاهی انگلستان را دریافت کنید

دانشجویان عزیز
آیا نگران شهریه زیاد تحصیل در دانشگاه های انگلستان هستید؟
با مراجعه به ما آسان می توانید مدرک تحصیلی از دانشگاه های انگلستان را با حداقل هزینه دریافت کنید.
دوره های دانشگاهی ۳ ساله ما در رشته های بازرگانی، کامپیوتر، هتلداری و صنعت جهانگردی با هزینه ای حدود ۴۲۰۰ پوند در سال برگزار می گردد. (ورود از سال اول، دوم یا سوم مقدور است)
جهت اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

MBA, BBA, BSc, BA -all with flexible entry

WEST LONDON COLLEGE **WLC**

Drop in for a chat. (We're opposite Selfridges).
Or phone for our Prospectus.

Parliament House, 35 North Row, London W1K 6DB
Tel: 020 7491 1841 www.westlondoncollege.com



شروع ترم
جدید از ماه
جون و جولای



ماهان

نامی قابل اعتماد در تهیه و تولید مواد غذایی در خارج از کشور

شرکت ماهان با عرضه بهترین اجناس ایرانی اعم از سبزیجات خشک، ترشیجات، شیرینی های ایرانی، انواع آجیل و خشکبار، زعفران، مرباجات و خرمای رطب، برنج باسماتی مهیار و پلوپز شهرزاد، بستنی و فالوده اصیل ایرانی و همچنین ارایه محصولات شرکت های یک یک ، مهیار در خدمت هموطنان عزیز است.

بالاخره انتظارها به سر رسید :

سسویس و کالباس باب طبع ایرانیان



بستنی ، فالوده و دوغ گازدار سنتی

در تمامی اروپا شهره عام و خاص است

سفره خود را با محصولات ماهان رنگین کنید



Tel: 020 8963 0012

Fax: 020 8963 0090

MAHAN FOOD Ltd
21A, DRAGOR ROAD
LONDON NW10 6JN



جام جهانی و تیم ملی ایران از دو زاویه

به گروه پائین سقوط کرد وحید هاشمیان در بوخوم با آمار ضعیف گل زنی و درخشش همراه بود علی کریمی در اولین سال حضورش در بایر مونیخ به اندازه کافی به میدان نرفت و مهدی مهدوی کیا نیز نیمی از فصل را روی نیمکت گذراند بازیکنان ایرانی در امارات هرگز مورد توجه قرار نگرفتند.

ایمان محب علی، فرهاد مجیدی، اولادی، سامره، بازیکنان شایسته و شاخصی بودند که برانکو حتی آنان را در لیست های مختلف خود هرگز دعوت هم نکرد

تیم ایران در مقایسه با سایر تیم ها، تیم های هم گروهش کارنامه ای بسیار ضعیف و انتقاد آمیز دارد پرتغال و مکزیک در بهترین سالهای چند دهه اخیر خود هستند مکزیک در مقام چهارم جهان قرار دارد پرتغال پس از دوران پر درخشش سالهای ۶۷-۶۶ دوباره به اوج بازگشته و عنوان نایب قهرمان اروپا را یدک می کشد آنگولا هم با شایستگی از قاره پهناور آفریقا به جام جهانی رسیده است آنچه باید به عنوان امید و امیدواری به این تیم ملی داشت جرق ه های غیر قابل پیش بینی بازیکنان شایسته فوتبال ایران است که شاید از غیر ممکن ها نتایج باور نکردنی به دست

فضای مطمئن و آرام با حاشیه حمایت همه جانبه از سوی مطبوعات و مردم که هر ۵ فاکتور با لا نشانی از ضریب اطمینان و کارنامه ای پر بار و آمار و ارقامی امیدوار کننده را نشان می دهد ایران تنها تیم حاضر در جام جهانی است که در یک سال گذشته بازیهای تدارکاتی کافی و از قبل برنامه ریزی شده نداشته است و تمامی تصمیمات در لحظاتی غیر قابل پیش بینی اعلام شده است دو اردوی انگلستان و سوئیس بدون حضور لژیونرهای ایران و بدون شناخت کامل و هماهنگی نهایی برگزار شد تا جایی که اردوی تابستانی گذشته انگلستان با شکست مفتضحانه ایران در برابر باشگاه کوئینز پارک رنجرز نیمه تمام رها شد و تیم ملی به ایران بازگشت

مسابقات لیگ فوتبال ایران بارها و بارها به دلایل مختلف قطع شد و پس از وقفه های پیش بینی نشده دوباره راه افتاد که همین عدم برنامه ریزی صحیح باعث افت و خیز تیم ها و بازیکنان باشگاهی شد لژیونرهای ایرانی در خارج از کشور حضورشان همراه با موفقیتی قابل توجه نبود رحمان رضایی در مسنا ایتالیا و فریدون زندی در باشگاه هر دو تیم هایشان

کارنامه یک ساله گذشته، جرقه های استعداد فردی تیم ملی فوتبال ایران از قاره آسیا به عنوان تیم دوم گروهی به جام جهانی رسید که ژاپن تیم نخست این گروه شد

حضور ۴۵ تیم به طور مستقیم و یک تیم از بازیهای پلی آف از آسیا نشان از شانس فراوان ایران برای صعود می داد کارنامه ایران در این دوره بازیها بخصوص طول یک سال گذشته نشانی از موفقیت و پیشرفت امیدوار کننده را نشان نمی دهد که در یک بخش بندی ساده می توان به دین شکل به آن نگاه کرد

مسابقات تدارکاتی کافی اردوهای هماهنگی با حضور کلیه بازیکنان برگزاری مسابقات منظم و برنامه ریزی شده لیگ در ایران وضعیت ملی پوشان لژیونر ایرانی

جام جهانی در شبکه جهانی پارس

با حضور چهره های ماندگار و محبوب فوتبال ایران

گزارش و تفسیرها و نقطه نظرات بزرگان فوتبال ایران در برنامه های ورزشی شبکه جهانی پارس

۴ روزنامه نگار حرفه ای و شناخته شده در مطبوعات ورزشی ایران

۶ قهرمان نام آور تیم های ملی فوتبال ایران

۵ مربی بزرگ و تاثیر گذار در فوتبال ایران

۲ داور جهانی فوتبال ایران

جدول دور نخست بازیهای جام جهانی آلمان ۲۰۰۶

گروه B		
فرانکفورت	۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	انگلستان
پاراگوئه		
دورتموند	۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	ترينيداد و توباگو
نورنبرگ	۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	انگلستان
برلین	۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	سوئد
کایزرسلاترن	۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	پاراگوئه
کلن	۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	سوئد
انگلستان		

گروه D		
نورنبرگ	۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	ایران
کلن	۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	پرتغال
هانوفر	۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	آنگولا
فرانکفورت	۱۷ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	پرتغال
گلزنکیرشن	۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	مکزیک
لاپزیگ	۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	آنگولا
ایران		

گروه F		
کایزرسلاترن	۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	ژاپن
برلین	۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	کرواسی
نورنبرگ	۱۸ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	ژاپن
مونخ	۱۸ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	استرالیا
دورتموند	۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	برزیل
اشتوتگارت	۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	استرالیا
کرواسی		

گروه H		
لاپزیگ	۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	اوکراین
مونخ	۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	عربستان سعودی
هامبورگ	۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	اوکراین
اشتوتگارت	۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	تونس
برلین	۲۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	تونس
کایزرسلاترن	۲۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	عربستان سعودی
اسپانیا		

گروه A		
مونخ	۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	کاستاریکا
گلزنکیرشن	۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	اکوادور
دورتموند	۱۴ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	لهستان
هامبورگ	۱۵ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	کاستاریکا
برلین	۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	آلمان
هانوفر	۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	لهستان
کاستاریکا		

گروه C		
هامبورگ	۱۰ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	ساحل عاج
لاپزیگ	۱۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	هلند
کایزرسلاترن	۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	صربستان و مونته نگرو
اشتوتگارت	۱۶ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	ساحل عاج
فرانکفورت	۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	آرژانتین
مونخ	۲۱ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	صربستان و مونته نگرو
ساحل عاج		

گروه E		
گلزنکیرشن	۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	جمهوری چک
هانوفر	۱۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	غنا
کایزرسلاترن	۱۷ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	آمریکا
کلن	۱۷ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	غنا
هامبورگ	۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	ایتالیا
نورنبرگ	۲۲ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۴:۰۰ گرينويچ	آمریکا
جمهوری چک		

گروه G		
فرانکفورت	۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	توگو
اشتوتگارت	۱۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۶:۰۰ گرينويچ	سوئیس
لاپزیگ	۱۸ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	کره جنوبی
دورتموند	۱۹ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۳:۰۰ گرينويچ	سوئیس
هانوفر	۲۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	کره جنوبی
کلن	۲۳ ژوئن ۲۰۰۶ - ۱۹:۰۰ گرينويچ	فرانسه
توگو		

لرزان ترین دروازه

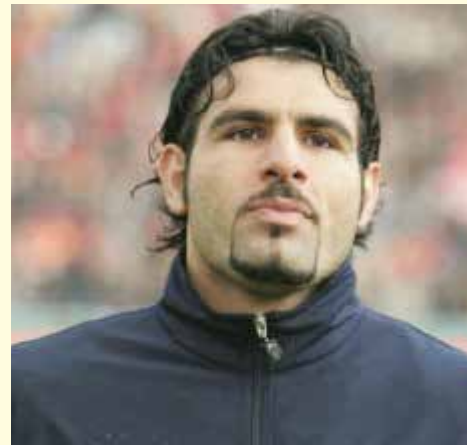
حسین خوانساری



شماره یک به اندازه ای گل بر در طول ماه ها و سالهای اخیر خورده است که نام ابراهیم میرزا پور را با کمترین اعتماد و اطمینان همراه ساخته است نداشتن روحیه و اعتماد به نفس لازم از یک سو و عدم تیز بینی و واکنش های به هنگام از سوی دیگر کار میرزا پور را به جایی رسانده که با وجود چند سال تجربه ملی پوشی او در حال حاضر از کمترین اطمینان در طول دوران حضورش در تیم می برخوردار است لرزان ترین دروازه در حالی گریبان ملی پوشان فوتبال ایران را پیش از شرکت در بازی های جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان گرفته است که وحید طالب لو و حسن رودباریان دو دروازه بان ذخیره نیز به دلیل نبود مدیریت و برنامه حساب گرانه در راه آماده سازی تیم ملی نتوانسته اند به اعتباری در قواره یک ملی پوش دست پیدا کنند و توانمندی های آنان در پرده ای پر حجم از ابهام و تردید قرار دارد. به هر حال به قول خرافاتی ها و اهالی نذر و نیاز استفاده کنندگان از پارچه های به اصطلاح متبرک باید دعا کنیم که خدا عاقبت کار را به خیر کند!



ارزشمند و روشن هیچ جای شک و تردیدی باقی نمی گذاشتند پیرامون اهمیت و حساسیت نقش یک دروازه بان در یک تیم فوتبال باید اشاره کنیم که بعضی از کارشناسان دروازه بان را نیمی از تیم می دانند و یک تیم محروم از دروازه بانی درجه یک و قابل قبول بازنده ای از پیش به حساب می آورند. در تیم یازده نفره فوتبال هر بازیکنی به جز دروازه بان می تواند مرتکب اشتباه شود و اشتباه هر بازیکنی شاید قابل جبران باشد و اما هر اشتباه دروازه بان یعنی هدیه یک گل به حریف! اینگونه است که بزرگترین نگرانی تیم ملی فوتبال کشورمان در جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان بیش از هر مکان و هر پستی متوجه دروازه و دروازه بان است و بر خلاف دو دوره قبل این بار دروازه بان



یکی از ارزش ها و دلخوشی های تیم ملی فوتبال ایران در دو جام جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین و ۹۸ فرانسه بهره مندی از بزرگترین و بهترین دروازه بان های تاریخ فوتبال ما یعنی ناصر حجازی و احمد رضا عابد زاده بود دو دروازه بان خوش قد و قامت و هوشیار و با روحیه و اعتماد به نفسی چشمگیر که اطمینان بخش یاران و به ویژه خط دفاعی تیم ملی بودند و با سابقه ای

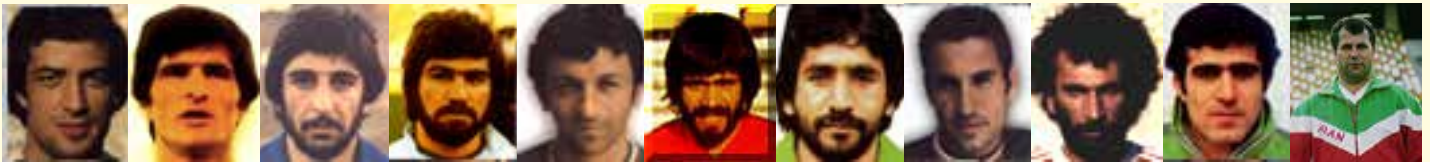


فقط یکی آن هم ناموفق

در چند ماه گذشته با حال و روزی مثل میرزا پور دست به یقه بوده و کارش به جایی رسیده که شایستگی های پیشین را با پرسش رو به رو ساخته است در جمع مدافعان امروز محمد نصر تی هم بیش از آن که تکیه به بازی تفکر آمیز داشته باشد اشتباهی فراوانی به بازی فیزیکی و در گیرانه دارد که گهگاه دچار اشتباهی می شود تا تمام رشته ها تبدیل به پنبه شود از دیگر کمبودهای خط دفاع عدم بهره مندی از یک مدافع چپ پا است که در سمت راست هم با وجود حسین کعبی ریز اندام و گریزان از درگیری های جانانه اوضاع مطلوبی در کار نیست هیچ حریفی نیست که نداند بهترین و راحت ترین راه برای حمله به دروازه تیم ما گریز از دو سمت و ارسال سانترهای تند و تیز به قلب دفاع است که اگر یکی دو بار به شکل پی در پی انجام شود احتمال آن که سومی با پای ما وارد دروازه گردد بسیار است! در یک کلام دفاع تیم ملی هم در بارگیری توانمند نیست و هم در جا گیری با هوش و با چشمان باز عمل نمی کند و هنوز که هنوز است تعارف های پشت سر هم در محوطه جریمه رایج

در خط دفاع تیم ملی فوتبال کشورمان نیز از استواری و استحکام شایسته و بایسته چندان خبری نیست و شمار گل های تکراری و اشتباه آمیز حکایت از آن دارد که مدافعان ما در برابر یورش های سریع و سانترهای از دو جناح بسیار ضربه پذیر هستند و خیلی زود آشفته و سر در گم می شوند نگاهی به دو دوره جام جهانی ۷۸ آرژانتین و ۹۸ فرانسه یادآور مدافعان خوش نقش و با صلابت همچون نصرالله عبد الهی، آندرانیک اسکندری، حسین گاز رانی، حسن نظری، نادر محمد خانی، جواد زرینچه، محمد خاکپور و است که هر کدام به واقع ستونی قابل تکیه و مطمئن نشان می دادند و اما حالا فقط یکی و آن هم رحمان رضایی است که در حد و اندازه مدافعان گذشته به چشم می آید تازه او نیز در فصل تازه پایان یافته لیگ ایتالیا همراه با باشگاهش یعنی مسینا ناموفق بوده و حکم سقوط به دسته دوم را به عنوان محصول فعلی ۲۰۰۶-۲۰۰۵ در کف دیده اند یحیی گل محمدی

آرژانتین ۱۹۷۸



فرانسه ۱۹۹۸



آلمان ۲۰۰۶



جمع بهترین ها در اینجا

مهره های ایران برای جام جهانی آلمان همانا چند مهاجمی است که در بوندس لیگا توپ می زنند و مهدی مهدوی کیا: علی کریمی و وحید هاشمیان را می توان در فهرست بهترین های هر سه دوره تیم ملی در جام جهانی ثبت کرد این سه بازیکن پر ارزش هیچ کم و کسری نسبت به بزرگان چون حسن روشن، غفور جهانی، خدا داد عزیزی و ندارند و خلاقیت و نبوغ فردی اینان می تواند یادگارهای تاریخی برای فوتبال ایران در آلمان ترسیم سازد حرکت های انفجاری تفنگداران ایران نتراشد تا مثل همیشه اشکال در ضعف های تاکتیکی ما، راه را برای برتری

در میانه میدان هم اگر چه با شرایطی بهتر نسبت به دفاع و دروازه همراه هستیم اما حرکات کند به ویژه به هنگام تغییر آهنگ بازی از دفاع به حمله و پرهیز از جنگ های رخ به رخ در نزد هافبک یعنی جواد نکو نام، فریدون زندی، مهرزاد معدنچی و را پایین تر از مردان میانی گذشته مثل محمد صادقی، علی پروین، ایرج دانایی فرد، حسن نایب آقا، کریم باقری، حمید استیلی و به تماشا می گذارد و اما بزرگترین

دو گل زن طلایی تاریخ فوتبال ایران



حمید استیلی در جام
جهانی ۱۹۹۸ فرانسه
مقابل امریکا که ۲ بر
۱ به سود ایران پایان

ایرج دانایی فرد در جام
جهانی ۱۹۷۸ آرژانتین
مقابل اسکاتلند که
۱ بر ۱ مساوی شد



اسامی بازیکنان ۳۲ تیم راه یافته به جام جهانی آلمان که انتظارها و امیدهای فراوان ملت خود را بر دوش حمل می کنند،

گروه B

انگلیس



دروازه بانان: پل رابینسون، دیوید جیمز و روبرت گرین
مدافعان: گری نویل، ریو فریدیناند، جان تری، اشلی کول، سول کمپل، جیمی کاراگر و وین بریج
بازیکنان میانی: دیوید بکام، مایکل کاریک، فرانک لمپارد، استیون جرارد، اوون هارگریوز، جرمن جناس، استوارت داوینگ، جو کول و آرون لنون
مهاجمان: وین رونی، مایکل اوون، پیتر کراوچ، تنو ولکوت

پاراگوئه



دروازه بانان: جاستو ویلار، درلیس گمز، آلدو بوادیلا
مدافعان: دنیز کالیزا، کارلوس کامارا، خولیو سزار، دلیو تولدو، جورج نونز، جولیو مانزور
بازیکنان میانی: ادگار بارتو، روبرتو آکونیا، کارلوس پاردس، خولیو دوس سانتوز، کارلوس بونت، کریستین ریوروس، دیگو گاوایلان و خوزه مونتیان
مهاجمان: نلسون والدس، روکه سانتاکروز، نلسون، گوئیواز سالوادور، کاوناس و خوزه کاردوسو

ترینیداد و توباگو

کیوین جک، شاکا هیسلاو، کلابتون هینسه، دنیز لاورانسه، گید گرای، ماروین اندروس، برنت سانچو، لان کوکس، هاتیبا چارز، اوری جان

گومز، ویکتور نونز و آوارو سابوریو

لهستان



دروازه بانان: آرتور بوروس، توماس کوژاک و لوکاس فابیانسکی
مدافعان: ژاک باک، ماریوس جوپ، مایکل زولاکف، مارتین باژینسکی، سورین گانکارژی، ماریوس لوا دونفسکی و داریوژ دودکا
بازیکنان میانی: ژاک کرژی نووک، رادوسلاو سوبولوسکی، زیکوویاک، رادوسلاو و سوبولوسکی، اوزبیو اسمولارک، کمیل کوسووسکی، آرکادیوس رادوسکی، سباستین میلا، دامیان گوراوسکی و پیوتر گیزا
مهاجمان: ماکیز ژاوسکی، گرزگورز، راسیاک، پاول بروزک و ایرنیوس ژلن

اکوادور



دروازه بانان: ادوین ویافوئرت، کریستین مورا، دامین لونس
مدافعان: ایوان هورتادو، جیووانی، اسپینوسا، اولیس دلاکروس، پل امبروس، نایسرر آسکو، خورخه گواگو خوزه لویس پرلاسا
هافبک ها: مارلون آیووی، ادوین تنوریو، ادیسون مندس، پاتریسیو ارویتا، کریستین لارا، سگوندو کاستیو، لویس آنتونیو والنسیا، لویس فرناندو ساریتامت
مهاجمان: کریستین بتیتس، فیلیکس بورخا، کارلوس تنوریو، آگوستین دلگادو، ایوان کاویدس

گروه A

آلمان

دروازه بانان: ینس لمان، اولیور کان، تیمو هیلد



براند
مدافعان: آرنه فریدریش، روبرت هوت، مارسل یانسن، پرمته زاکر، کریستوف متزدر، فیلیپ لام و ینس نووتنی
بازیکنان میانی: میشائیل بالاک، تیم بوروسکی، باستین شواین اشتایگر، تورستن فرینگس، سباستین کل، برند اشتایدر، توماس هیتسلسپرگر و دیوید اودونکور
مهاجمان: میروسلاو کلوزه، لوکاس پودولسکی، مایک هانکه، اولیور نویل و جرال د آساموا

کاستاریکا



دروازه بانان: ژوزه فرانسیسکو پوراس، آوارو می سن و فردی آلفارو
مدافعان: لوییس مارین، گیلبرتو مارتینز، ژوریس دروموند، لئوناردو گونزالس، مایکل رود ریگوئز، هارولد والاسه، مایکل اومانا گابریل بادایلا و داگلاس سکیوریا
بازیکنان میانی: دنی مونسکا، راندال آروفیفا، مائوریسیو سولیس، والتر سنتنو، کریستین بولانوس و کارلوس هرناندز
مهاجمان: پائولو ونچاپ، کورت برنارد، رونالد



ماتيسن، جوواني فان برنكهورست و تيم دي
كلر
بازيكنان ميانى: مارك فان بومل، فيليپ
كوکو، دنى لاندزات، هديوگز مادورو، و سلى
اشناديدر و رافائل فن درفارت
مهاجمان: درك كويت، رودفان نيسستلروى، ژان

گروه D

ونگور هسلينگ، آرين روبن، روبن فان پرسى و



رايان بابل

مکزیک

دروازه بانان: اسكولا سانچز، گوئيلر اوچوا،
خسوس كرونا،
مدافعان: خوزه آنتونیو كاسترو، رافائل ماركز،
ماريومندز، ريكاردو اوسوريو، فرانسيسكو
رودريگز، كارلوس سالسيدو، كلوديو سوارز،
آندرس گوادردو و گونزا لوپيندا،
بازيكنان ميانى: لويپز پيرز، پاول پارو، آنتونیو
نيلسون، رافائل گارسيا، جرارد تورادو، رامون
مورالس،
مهاجمان: خارد بورگتى، گيلرمو فرانكو،
فرانسيسكو فونسه كا، اوم، براوو، خسوس
آريلا نو



ایران

حسن رودباريان، وحيد طالب لو، ابراهيم
ميرزاپور، يحيى گل محمدى، حسين كعبى،
سهراب بختياري زاده، محمد نصرتى، مهرزاد
معدنچى، ستار زارع، آندرانيك تيموريان، جواد

اسكالونى، ماسچرانو، كيلي گونزالس، پابلو
آمار، خوان ريكلمه و رودريگز
مهاجمان: خاوير ساويولا، هرنان كرسپو،
كارلوس توز، ليونل مسى، پارلاسيو و كروز



ساحل عاج

دروازه بانان: جان جك كوئيس تيزى، اويبا
سربارى و جرارد گانوان
مدافعان: سيريل دو موراد، بلايس كواسى،
عبدالله مايتيه، اتين آرخواو بوكا، حبيب
كولتوره، امانوئل ابويه و مارك زورو
بازيكنان ميانى: ديديه زوكورا، امرسه فائيه،
كانگو آلاله، روماريچ اندرى كوفى، نگرى يابا،
گيلس پاپاپو و گوى رولند دمل
مهاجمان: باكارى كونه، ديديه دروگبا، آروانه
كونه، بوناونتور كالوى، عبدالقادر كايته و آرونا
ديددانه



صربستان و مونته نگرو

دروازه بانان: دراگو سلاويوريج، اوليور كواچويچ
و ولادمير استويكويچ
مدافعان: نمانيا ويديج، ملادن كرستاييج، گوران
گاورانكيچ، ميلان دوديچ، ايويكادراگوتينويچ،
دوسان باستا و نناديوريچويچ
بازيكنان ميانى: ايجوردوليبي، آلبرت خ، ايوان
ارگيج، دژان استانكويچ، پردراگ جورجويچ،
زوانير ووكيچ، اونين كورمان، دانييل ليوبويا،
ساسا ايليچ
مهاجمان: ساوو ميلوشويچ، ماتيو كژمان،
نيكولا زيچيچ و ميركو ووکينيچ

هلمند

دروازه بانان: ادوين فان درسار، مارتن استكلبورگ
و هنك تيمر
مدافعان: كويا لينس، ژان كرومكپ، آندره
اوير، جان هيتينگا، خالد بولا-هرون، يوريس،



سيلويو اسپان، كريس بيرچال، آرتيس ويتلى،
آنتونى ولف، دنسپيل تيوبالد، كارلوس ادوآرتز،
دوايت يورك، روسل لاتاپى، استرن، جانسون
اسكاتلند و كورنل گلين

سوئد



شابان

مدافعان: اريك ادمان، پيتر هانسون، تدى
لوچيچ، اولاف ملبرگ، كارل اسونسن، مايكل
لينسون، فردريك استن مان
بازيكنان ميانى: دانييل آندرسون، نيكولاس
آلكساندرسون، كييم كالستروم، تاييس
ليندروت، كريستين ويلمسون، آندرس
اسونسن و فردريك ليونگبرگ
مهاجمان: ماركوس آلباك، جان الماندر، زلاتان
ابراهيموويچ، ماتياس جانسن، هنريك لارسن و
ماركوس لوزنبرگ

آرژانتين

گروه C



دروازه بانان: روبرتو آبوندا نيزرى، فرانكو و اوستارى
مدافعان: فابريسو كولوپچينى، روبرتو آيالا،
گابريل هائنتزه، پابلو سورين، گابريل ميليتو،
استفان بورديسو و كوفره
بازيكنان ميانى: استبان كامبياسو، ليونل

دروازه بانان: پتر چك. يارومير بلاژك و آنتونين



كينسكى.

مدافعان: زندك گريگرا. مارك يانكولوفسكى. مارتين ژيرانگ. پاول مارس. رادوسلاو كواج.

ديويد روزنال و توماس اويفالوژه

بازيكنان ميانى: توماس گالاسك. ديويد ياروليم. پاول ندود. كارل پوبورسكى. يان پولاك. ياروسلاو پلاسيل. توماس روسيچكى و ولاديمير اسميچر

مهاجمان: ميلان باروش. مارك هاينتز. يان كولر. وراتيسلاو لوكونچ و بيري اشتاينر

برزيل

گروه F

دروازه بانان: ديدا. خوليو سزار و روجريو چنى



مدافعان: كافو. سيسسينيو. لوسيو. خوان. روبرتو كارلوس. گيلبرتو. لوييزائو و گريس

بازيكنان ميانى: ادميلسون. امرسون. جونييو. زى روبرتو. گيلبرتو سيلوا. كاكا و ريكاردينييو

مهاجمان: رونالدو. روبينييو. رونالدينيو. آدرينانو و فرد.

كرواسى

دروازبانان: توميسلاو بوتينا. استيب پليكا.سا.



ژوبيدوليكا.

مدافعان: روبرت كوواج. استيفان توماس. داريو

سيميج. ماريو توكيج. يوسيت سيموويچ.



پروتا و سيمونه بارونه

مهاجمان: فرانچسكو توتي. آلبرتو جيلاردينو.

لوكا توني. آلساندرو دل پيرو. فيليپو اينزاگي

و وينچنزو ياكينتا

غنا



دروازه بانان: سامى آدجى. ريجارد كينگستون

و جرج اوو

مدافعان: اريك آدو. عيسى احمد. شيلا

ايلياسو. ساموئل اوسى كوفور. جان مشاه.

حبيب محمد. جام پايتستيل. امانوئل پاڤو.

دانييل كوايه. هاتس سارىي

بازيكنان ميانى: اوتوآدو. استيفان آڤيا. درك

بواننگ. هامينو درامانى. مايكل اسين. سولى

على مونتارى

مهاجمان: ماتيو آمده. آسامو اگوان. رازاك

پيمپونگ. آلڪس تاڤي

امريكا

دروازه بانان: كيسى كلر. تيم هاوارد وماركوس



ماهنمان

مدافعان: كارلوس بوكاناگرا. استيو چرندولو.

جيمي كونراد. كورى گيبس. فرانك هايدوك.

ادى لويس. اوگاچى اونييو و ادى پوپ

بازيكنان ميانى: لاندون دونوان. كلينت دمپساي.

كلوديو رينا. جان اوبراين. بن اولسن. داماركوس

بياسلى. پابلو ماشرونى و بابى كانورى

مهاجمان: برايان مك برايد. ادى جانسون. جوش

وولف و برايان كينگ

چك

نكونام. جواد كاظميان. مسعود شجاعى. على داڤي. رضا عنايتى. آرش برهانى. فريدون زندى. مهدى مهدوى كيا. رسول خطيبى. امير حسين صادقى. وحيد هاشميان. على كرمى و رحمان رضاى.



آنگولا

دروازه بانان: جوانديكارڊو. لاما و ماريو.

مدافعان: دلگادو. جامبا كالى. لوبلو و لوكو.

ماركو آبريو. ماركو آبروسا و روى ماركونز

بازيكنان ميانى: آندرى. ادسون. فيگونردو.

مندوكا. ميلوى و زى كالانكا

مهاجمان: آكوا. اندره تيتى. يونگو. فلاويو. لاو.

منتوراس و ماتئوس



پرتغال

دروازه بانان: ريكاردو. كوايم سيلوا و برونو واله

مدافعان: پائولو فريرا. ميگوئل مونترو. ريكاردو

كارواليو. فرناندو ميرا. ماركو كارينا. ريكاردو

كاستا و نونو والنته

بازيكنان ميانى: آرماندو پتى. كاشتينيا.

تياگومندز. مانيجه ريبيرو. هوگو ويانا. لوييس

فيگو. دكو. سيمائو سابروسا و كريستيانو

رونالدو

مهاجمان: لوييس بواورته. هلدن پوستيگا.

گروه E

نونوگومز و پدرو پائولتا

ايتاليا

دروازه بانان: جان لوييجى بوفون. آجلو پروتزى

و ماركو آمليا

مدافعان: جانلوكا زامبروتا. ماركو ماتراتزى.

كريستين زاكاردو. آلساندرو نستا. فابيو

كاناوارو. فابيو گروسو. ماسيمو اودو و آندريا

بارزالى

بازيكنان ميانى: آندرا پيرلو. گنارو گاتوزو.

دانيله ده روسى. مائورو كامورانزى. سيمونه

ايل، لي هو، يانگ جی هوون، لی ایل یونگ، و کیم دوهیون
مهاجمان: آن یونگ هوان، سنئول کی هیون، چوبی جین، چونگ کیونگ هو، لی چون سو و پارک چو یونگ

توگو

دروازه بانان: کوسی آگاسا، نی می نی چاگنیرو



و کودجودی دودجی اوبی لاله
مدافعان: جین پائول آبالویائووی، داره نی بومبه، لودیک آسه مائوسا، کریم گوئده، توره آسیمبو، اریک آکوتو، آخوایراسا و ماسامسو چانگای
بازیکنان میانی: کاکا آدیا وونو، شریف مامان توره، توماس دوسوی، آلكسیس رومائو، آدکائی الوفاده، یائو جونپور سنایا، کوامی آگبو و ریچموند فورسون
مهاجمان: امانوئل ششی آدبایور، روبرت مالم، عبدالقادر توره کوبادجا و مصطفى سالیفو

گروه H

اسپانیا

دروازه بانان: ایبرکاسیاس، پپ رینا و سانتیاگو



کانیزارس

مدافعان: آنتونیو لوپز، پابلو ایبانز، کارلوس پوپول، خوانیتو، آسیر دل هورنو، میشل سالگادو و سرخو راموس
بازیکنان میانی: سسک فابرگاس، خوزه آنتونیوریس، آندرس اینیستا، ژاوی، یوآخیم، لوپز گارسیا، ژابی آلونسو، دیوید آبلدا و مارکوس سنا
مهاجمان: فرناندو تورس، رائول گونزالس و دیویدویا

اوکراین



بازیکنان میانی: ویکاش دوراسو، آلودیارا، کلود ماکه له له، فلورین مالودا، پاتریک ویرا و زین الدین زیدان
مهاجمان: جبریل سیسه، تیری آنری، فرانک ربرری، لویس ساها، دیوید ترزگه و سیلویین ویلتورد

سوییس

دروازه بانان: پاسکال زوبریهولر، فابیو کولتوروتی، دیگو بنگلوی



مدافعان: یوهان دیورو، لودوویچ مگنین، فیلیپ سندرروس، استفان گرجتینگ، کریستوف اسپیچر، والون برامی، پاتریک مولر، فیلیپ دگن
بازیکنان میانی: ژاویه مارگایراز، یوهان ووجل، ریکاردو کاناباس، رافائل ویک، دانیل گیگاکس، دیوید گن، بلرم در مایلی ترانکو بارتنا
مهاجمان: الکساندر فرای، مارکو اشتترلر، مائورولوستریلی، یوهان وونلانتن

کره جنوبی

دروازه بانان: لی وون جائه، کیم پونگ کوان و کیم یونگ دائه



مدافعان: لی یونگ پیو، کیم سانگ شیک، چوون هی، کیم یونگ چول، چوی جیم چنول، کیم جین کیو، کیم دونگ چین، سونگ چون گوگ
بازیکنان میانی: پارک جی سونگ، کیم نام

ایگور تودور، ماریان بولیات
بازیکنان میانی: یرکو لوکو، نیکو کرانیکار، نیکو کواچ، مارکو بادیچ، داریو سرنایا، ایوان لکو، لوکا موتریچ، پورکا وارانسی، آنتونی سیریچ
مهاجمان: دادو پرشو، ایوان کلاسینیچ، بوسکو بالابان، ایویکا اولیچ و ایوان بوسنیاک

استرالیا



بیوجمپ، مارک ویدوکا، جاش کندی، هری کیول، مارک شوارتز، جان آلویسی، مایکل بیکمپ، مارکو برنشیانو، تیم چیل، اسکات چپرفیلد، آنت کوویچ، وینس گرلا، زیکو کالاج، استن لازاریس، مارک میلیگان، گرک مور، لوکاس نیل، تونی پوپو، ویچ، آرچی تامپسون، مارک ویدوکا، لوچه ویلک سایر

ژاپن



دروازه بانان: یوشیکاتسو کاواگوچی، سیکو نارازاکی، یوئچی دوئی
مدافعان: آکیرا کاجی، یوئچی ناکازاوا، تسونیا سو میاموتو، کیوسکه تسوبی، ماکوتو تاناکا، آلساندرو سانتوس، کوچی ناکاتا
بازیکنان میانی: تاکاشی فوکونیشی، جونچی ایناموتو، هیده توشی ناکاتا، شینجی اونو، میتسو اوگاساوارا، یاسوهیتو اندو، شونسوکه ناکامورا
مهاجمان: ناوهیرو تاکاهارا، ماساشی اوگورو، آتسوشی یاناگیساوا، کیجی تامادا، سیچرو ماکی

گروه G

فرانسه

دروازه بانان: فابین بارتز، گریگوری کوپه و لاندرو مدافعان: اریک آبیادل، ژان آلن بومسانگ، پاسکال چیمبوند، ویلیام گالاس، گائل ژیه، ویلی سانول، میشل سیلواستره و لیلیان تورام

دروازه بانان: محمد الدعایه، مبروک زاید و

دروازه بانان: علی بومنیجل، همدی کسرائو.

دروازه بانان: الکساندر شوفکوفسکی، بوگدان



محمد الخوجه

مدافعان: احمد الدوخی، رضا تکر، محمد المنتشری، محمد سعد، حسین عبدالغنی، احمد البصری، نایف القافنی و عبدالعزيز الخنران
بازیکنان میانی: سعود الکریری، محمد امین، محمد الغامدی، محمد الشلهوب، محمد نور، عمر الغامدی، خالد عزیز و نواف التمیاط
مهاجمان: سامی جابر، یاسر القطانی، محمد العنبد، سعد الجارثی و مالک معاد

عادل نفسی

مدافعان: کریم هاگائی، رهدی جایدی، حاتم ترابلسی، دیوید جامالی، علائدین یاهیا، کریم سعیدی، انیس آیاری، مهدی مریه
بازیکنان میانی: رایید بوغیززی، عادل چدلی، کیس قودبان، سافینه ملیتی، جاهر ناری، حامد ناموچی و مهدی نفتی
مهاجمان: سیلو داس سانتوز، زاید جزیری، کریم سدیری، یاسین چیکائویی، عیسی جمعه

شوست و اندری پیاتوف

مدافعان: آندری نسماچنی، سرگی فدوروف، ولادمیر یرزیک، آندری راسول، دمیترو چپگرینسکی، ولادیل واشچوک، وچسلاواسویدرسکی
بازیکنان میانی: آناولی تیموسچوک، الگا شلایف، الگا گویسو، سرگی ربروف، آندری گاسین، سرگی نازارنکو، ماکسیم کالینیچنکو و راسلان روتانی
مهاجمان: آندری شوچنکو، آندری ورونین، آندری وروبی، آکس بلیک و آرم میلوسکی
تونس

عربستان

مردان افسانه ای جام جهانی

واقعی خود را پیدا کرد. در همان دوران او در باشگاه بوکا جونیورز آرژانتین و همین طور در تیم ناپل ایتالیا درخشید و هفت سال برای ناپل بازی کرد. سابقه فوتبال او با مشکل مواد مخدر آلوده شد و او از سال ۱۹۹۴ بعد از آنکه نتیجه آزمایشش در جام جهانی آمریکا مثبت از آب درآمد. از بازی در جام جهانی محروم شد. مارادونا سرانجام فوتبال حرفه ای را در سال ۲۰۰۱ کنار گذاشت.

۲ - پله

سلطان پله. در دنیای فوتبال این دو کلمه برای اینکه بدانیم از چه کسی حرف می زنیم کافی است: ادسون آرانس دو ناسیمنتو معروف به پله.

پله که در سال ۱۹۴۰ به دنیا آمده. از زمان بازی درخشانش در جام جهانی ۱۹۵۸ در سوئد - در سن هفده سالگی - تا بازنشستگی اش در سال ۱۹۷۷ همیشه به عنوان نابغه زمین فوتبال مطرح بوده است.

رکورد او که ۱۲۸۱ گل در ۱۳۶۳ بازی و ۹۲ بار بازی در تیم ملی برزیل است هنوز پابرجاست.

انتخابش به عنوان بازیکن برزیلی بهترین تیم همه زمانها در سال ۱۹۷۰ نقطه اوج دوران فعالیتش بود. در آن زمان او ۳۰ ساله بود.

اولین بازی اش را پانزده سال پیش از آن در سپتامبر ۱۹۵۶ در تیم سانتوس و در برابر تیم کورینتیاس کرد. عملکردش در تمام سالهای پس از آن باعث شد تا همراه تیم ملی در سال ۱۹۵۸ به سوئد برود و برای نخستین بار جام جهانی را به خانه ببرد.

با این حال او باید سیزده سال دیگر هم صبر می کرد تا به افتخارات بیشتری در مسابقات جام دست پیدا کند. هم در شیلی ۱۹۶۲ و هم در

جام جهانی از چند بازیکن رده اول ابرستاره ساخته است. در مسابقات جام جهانی است که فوتبالیستهای بزرگ می خواهند مهارتهای خود را به تماشا بگذارند.

در باره ۶ فوتبالیستی که تاریخ فوتبال را رقم زده اند و بازی درخشان شان شهرت آنها را از آفاق فراتر برده بیشتر بدانید

۱ - دیه گو مارادونا

ظاهر یک بازیکن نمونه را ندارد. کوتاه و خپله است. اما وقتی بازی می کرد سر و شکلش طوری بود که گویی او تنها بازیکن واقعی میدان است.

گاهی واقعا هم همین طور بود. خیلی

ها با اصرار می گویند که او در سال

۱۹۸۶ جام جهانی را یک تنه برد. ده بازیکن

دیگر مثل گروه همسرایانی بودند که

آواز او را همراهی می کردند.

او در سال ۱۹۶۰ در حومه بوئنوس آیرس

به دنیا آمد و فوتبال را از ۹ سالگی با تیم

آرجنتینوس جونیورز شروع کرد و از ۱۶

سالگی به فوتبال حرفه ای روی آورد و در تیم

ملی جوانان آرژانتین جای گرفت.

چهار ماه بعد او به تیم بزرگسالان دعوت

شد. با این حال سزار لونیس منتوتی او را

در تیم آرژانتین برای جام جهانی ۱۹۷۸ جای

در آن سال آرژانتین که میزبان مسابقات بود برای نخستین بار به جام جهانی دست یافت.

ماردونا سال بعد همراه با تیم جوانان آرژانتین در مسابقات جهانی که در ژاپن برگزار می شد به قهرمانی دست یافت.

بازی اش در جام جهانی ۱۹۸۲ کمربند بود اما در سال ۱۹۸۶ او جایگاه



نداد.



از یک عمل جراحی درگذشت.

۵ - فرنس پوشکاش

در سال ۱۹۵۳ فرنس پوشکاش را "مرد چاق کوچک" توصیف می کردند. اما در همان ایام او یکی از بهترین فوتبالیستهای اروپا بود.

با ۸۳ گل در ۸۶ بازی با پیراهن تیم ملی مجارستان. او رکوردی به جا گذاشته که قابل شکستن نیست.

او که در سال ۱۹۲۷ به دنیا آمده در دهه ۱۹۵۰ تیم کشورش را به اوج دنیای فوتبال رساند.

این سانترفورواردر مجار. چپ پا بود اما ضربه

های سرش خوب نبود. با این حال می توانست هر توپی را با ضربه مهلک پای چپش به درون دروازه بفرستد.

دو واقعه بر فعالیت پوشکاش اثر گذاشت: شکست تیمش از سوئیس

در سال ۱۹۵۶ و فرارش به وین پس از قیام ۱۹۵۶ مجارستان. در آن زمان او

پس از ۱۸ ماه محرومیت. سرانجام به تیم رئال مادرید پیوست.

در آن تیم او به فرم سابق خود بازگشت و با ستاره دیگری به نام آلفردو

دی استفانو تیم را قهرمان اروپا کرد.

او با ۳۵ گل در ۳۹ بازی اروپایی به اوجی دست نیافتنی رسید.

اسپانیا را بعنوان میهن تازه اش انتخاب کرد و چهار بار از جمله در جام

جهانی ۱۹۶۲ به دفاع از آن پرداخت. او تا سال ۱۹۶۶ یک سال پیش از

بازنشستگی در تیم ملی اسپانیا حضور داشت.

در سال ۱۹۹۳ پوشکاش به مجارستان برگشت و اگرچه مجارها به

جام جهانی ۱۹۹۴ در آمریکا راه پیدا نکردند. او موقعیتش را بعنوان یک

قهرمان ملی بازیافت.



۶ - فرانتس بکن بائر

بکن بائر که برنده جام جهانی

است امروز هم به عنوان بازیکن

و هم به عنوان مربی که دو بار به

این افتخار دست یافته. نماد فوتبال

آلمان به شمار می آید.

او در ۱۱ سپتامبر ۱۹۴۵ در مونیخ به دنیا

آمده و از ۹ سالگی در تیم دسته نوجوانان

اس سی مونیخ ۶ بازی کرده است. در سال

۱۹۵۸ به تیم بایرن مونیخ پیوست.

اولین بار در سال ۱۹۶۵ در تیم ملی آلمان بازی

کرد و سه بار در سالهای ۱۹۶۶ (نایب قهرمان).

۱۹۷۰ (سوم) و ۱۹۷۴ (قهرمان) همراه آن به

جام جهانی رفت.

بکن بائر بخاطر پایه گذاری مفهوم دفاع آزاد در یادها خواهد ماند. او

حملات را از همانجا سازماندهی می کرد و خود را به زمین حریف می

رساند.

بکن بائر در سال ۱۹۷۷ در حالیکه کاپیتان تیم آلمان بود. بایرن را ترک کرد

و با دستمزد بیشتری به تیم کاسموس نیویورک پیوست. در سال ۱۹۸۲

بار دیگر به بوندس لیگا برگشت. مدتی مدافع هامبورگ بود و بالاخره در

سال ۱۹۸۳ بازنشسته شد و باز به نیویورک برگشت.

او در جام جهانی مکزیک در سال ۱۹۸۶ مربی آلمان بود. تیمش به فینال

رسید اما با نتیجه ۲ بر ۳ از آرژانتین شکست خورد. بکن بائر انتقامش

را در سال ۱۹۹۰ با شکست دادن آرژانتین با نتیجه یک بر صفر گرفت.

بکن بائر به ریاست باشگاه بایرن مونیخ رسید و در سال ۱۹۹۸ معاون

فدراسیون فوتبال آلمان هم شد. در همین مقام بود که آلمان را میزبان جام

جهانی ۲۰۰۶ کرد.

انگلستان ۱۹۶۶ پله بخاطر آسیب دیدگی بازیها را از جایگاه تماشاگران

دید.

او در سال ۱۹۷۴ بازنشسته شد اما یک سال بعد به میدان برگشت تا در تیم

کاسموس آمریکا بازی کند. سرانجام پله خود را در

سال ۱۹۷۷ بازنشسته کرد.



۳ - یوهان کرایف

فوتبال هلند با انقلابی که در تیم آژاکس

آمستردام صورت گرفت به روی نقشه

فوتبال آمد. آتش این انقلاب را مهاجم این

تیم یوهان کرایف شعله ور کرد.

او در سال ۱۹۴۷ در محلی بسیار نزدیک به

استادیوم آژاکس به دنیا آمد و در ده سالگی

به تیم نوجوانان آن باشگاه پیوست. در ۱۷

سالگی اولین بازی اش را در تیم دسته یک

آژاکس کرد و در همان بازی هم یک گل زد.

کرایف در سال ۱۹۶۶ به تیم ملی هلند راه یافت و در سال ۱۹۷۱ اولین

جایزه از سه جایزه فوتبالیست سال اروپا را برد. در سال ۱۹۷۳ با بارسلون

قرارداد امضا کرد و یک سال بعد در رساندن هلند به فینال جام جهانی

نقش مهمی بازی کرد.

علیرغم شکست دو بر یک در برابر آلمان. فوتبال بی نقص تیم هلند توجه

جهانیان را جلب کرد و کرایف بعنوان نیروی محرکه این سبک خاص از

بازی فوتبال شناخته شد.

کرایف فوتبال حرفه ای را با تیم آژول/گراندا آغاز کرد و در سال ۱۹۸۴ با

تیم فاینورد روتردام به پایان برد.

او بعد ها بعنوان مربی به تیم آژاکس برگشت و آن تیم را به فینال

"رکوپا"ی ۱۹۸۷ رساند. وقتی قراردادش با آژاکس تمام شد نتوانست در

برابر پیشنهاد بارسلون مقاومت کند. مربیگری آنها را به عهده گرفت

و در سال ۱۹۹۲ گولهای کاتالان را به

نخستین جام اروپایی شان رساند.

۴ - لو یاشین

لو یاشین دروازه بان دلاور روس در طول دوران

فعالیتش مقام دروازه بانی را به اوج تازه

ای رساند.

او در سال ۱۹۲۹ به دنیا آمد و در ۱۳

سالگی. هنگامی که در مسکو کارگر

کارخانه بود به تمرین با تیم دینامو مسکو پرداخت

و این تنها باشگاهی شد که او در عمرش عضو آن

بود و ۲۲ فصل پیاپی در آن بازی کرد.

یک بار زمانی که از اینکه همیشه بازیکن ذخیره

آلکسی کومیچ باشد خسته شد: تصمیم گرفت به ورزش هاکی روی

یخ روی بیاورد. اما این اتفاق نیفتاد و در عوض او بخاطر لُجَات دروازه در هر

بازی تیم. لقب پلنگ سیاه و عنکبوت سیاه گرفت.

او اولین دروازه بانی بود که منطقه پنالتی را از آن خود کرد و روحیه

ورزشکارانه اش را با شجاعت لازم برای اینکه روی پای مهاجمان شیرجه

برود درهم آمیخت.

این دروازه بان روسی که در سالهای ۱۹۵۸، ۱۹۶۲ و ۱۹۶۶ دروازه بان (شوروی

سابق) بود. پیش از هربازی مهم یک جرعه مردافکن بالا می انداخت و با

کشیدن یک سیگار برای طول بازی نفس چاق می کرد!

یاشین ۱۵۰ پنالتی را گرفت و در ۲۷۰ بازی گل نخورد. هیچیک از این

رکوردها را هنوز دروازه بان دیگری نشکسته است.

او در سال ۱۹۶۳ بازیکن سال اروپا شد و تنها دروازه بانی بود که به این

افتخار دست یافت. یاشین در ۲۰ ماه مارس ۱۹۹۰ به علت مشکلات بعد

شبهای طولانی و ستاره‌های بی پایان



دلباخته ای هستیم که به عشق آزادی وطن مان زندگی می کنیم حتی اگر عشق و عاشقی و جدایی سالهای طول بکشد ولی می دانیم که هرگز هیچ زور گویی و دیکتاتوری نمانده و نخواهد ماند و تنها صفحاتی به نام تاریخ می ماند و تاریخ سازان که به امید عشق و آزادی به همه سختی ها و مشکلات در میدان ماندند کلید رمز ما در قلبی عاشق ایرانی و ایرانی است و با تمام سم پاشی و شایعات حضور ۲۰ ساله مان با قدرت و تداوم نشانگر همین صداقت مان است که خاک در چشم حسودان و

پرسم به راستی هدفم چیست ؟ اگر همین تلاش و وقت و نیرو را در انگلستان بکار گیرم با توجه به سابقه و آشنایی و روابطم با اهالی تجارت مسلما درآمدی چند برابر و هزینه و زحمتی بسیار کمتر خواهم داشت ولی حسی در درونم پاسخ می دهد هدف رساندن پیامی است که در صفحات مجله رنگارنگ نهفته است وظیفه و تعهدی است که مبارزه ای نابرابر شده است مگر میدان را می توان خالی کرد با دست خالی و اندک بضاعت مان فضایی دشمن شکن ساخته ایم که دوست و دشمن آن را تأیید می کند آنچه می نویسیم و اعتراض می کنیم فریاد ملتی است که حداقل توقع شان از ما این است حرفهایی را می زنیم که حرف همه ایرانیان است به دنبال زر و زور نیستیم که اگر به دست نیاوریم خسته شویم یا در تلاش فروش مطاعی برای کاسبی به هر شکل و قیمت هم نیستیم

ساعت ۹ شب اتوبوس از ایستگاه ویکتوریا در لندن حرکت می کند مقصد شهر فرانکفورت در آلمان است سفری شانزده ساعته که خسته کننده و یکنواخت شده بخصوص در قسمت کنترل ورود و خروج و بازدید پاسپورت ها که گاهی اوقات به دو ساعت هم می کشد و اکثر اوقات یکی دو نفری را هم به دلیل کافی نبودن مدارک سفر یا پاسپورت شان نگاه می دارند اتوبوس در سکوت مطلق شب در جاده ها حرکت می کند مسافران در صندلیهای خود خواب هستند صدای خروپف بعضی از مسافران سکوت را می شکنند با وجود خستگی خوابم نمی برد دلم می خواهد هر چه زودتر به مقصد برسم و آخرین شماره مجله رنگارنگ را به دست خوانندگان نشریه برسانم تعداد این سفرهای طولانی به عدد ۷ رسیده است و گویی آغازی بی پایان است در سکوت مطلق نیمه شب از خود می



به مدیریت علی ولایی

آژانس هوایی پارس تراول

اگر خواهان خدماتی با کیفیت بالا و قیمت هایی استثنایی هستید .

آژانس پارس تراول با سرویسهای منحصر به فرد و غیر قابل رقابت در خدمت شماست



برخی از قیمت های استثنایی ما

لندن به تهران از ۳۳۹

یورو

آمستردام، فرانکفورت، دوسلدورف،

بروکسل و هلسینکی به تهران

از ۲۹۹ یورو

Baseler Str. 48 ,60329 Frankfurt

Tel.: +49 (0) 69 / 23 08 82 oder -83

Fax: +49 (0) 69 / 23 06 13

جهت اطلاعات بیشتر با

مشاورین فارسی زبان ما تماس

www.parstravel.net

info@parstravel.net

قالیشویی و رفوگری فرهاد خوشآر

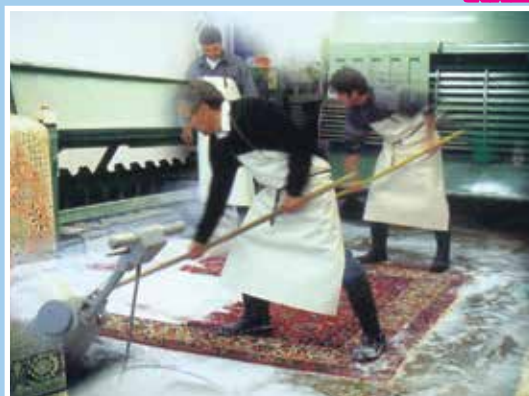


فرشهای منازل و دفاتر خود را نو ،

تمیز و دیدنی کنید

فقط کافی است با ما تماس بگیرید
و ما فرشهای شما را بصورت سنتی
همراه با استفاده از مدرنترین ماشین
آلات قالی شویی شسته و تحویلтан
می دهیم

نگذارید غبار و گرد و خاک فرشهای شما را فرسوده
کند



teppich-Service Khoshfar



HAUPTSTRASSE 200, 63110 RODGAU

WEISSKIRCHEN

TELEFON: 06106 - 28 69 28

FAX: 06106 - 28 69 29

MOBILE: 0172 - 68 40 866

WWW.KHOSHFAR.DE

E-MAIL: INFO@KHOSHFAR.DE



محل های توزیع مجله رنگارنگ در آلمان

قابل توجه کلیه سوپر مارکتهای ایرانی و افغانی در سراسر آلمان

در هر کجای آلمان که هستید با تماس
با دفتر مجله رنگارنگ می توانید
این مجله را دریافت و در دسترس
ایرانیان قرار دهید و نام محل کار
خود را به جمع دهها مرکز فروش
ایرانی و افغانی عرضه کننده مجله
رنگارنگ بیافزایید

۰۰۶۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳

سوپر آسیا	دورسلدورف	انادولوشاپ	هانور
کتابفروشی مهرگانی		سالم مارکت	گوتینگن
کلن		علیمان مارکت	گوتینگن
شور بازار	دورسلدورف	رویال مارکت	برلین
فروشگاه ایران	فرانکفورت	سیتی مارکت	بوخوم
آسیا بازار	مار بورگ	سوپر پارسا	بوخوم
مینی مارکت	لازن	پارس مارکت	دورتموند
تهران سوپر مارکت	کلن	سوپر آریا	دورسلدورف
صرافیان	کلن	سوپر تک	دورسلدورف
اقبال کاسپین خاویار	کلن	سنت بازار	اسن
آنکارا مارکت	کلن	یک و یک	فرانکفورت
سوپر ایران	کاسل	شیراز	فرانکفورت
آسیا مارکت	کاسل	سوپر نگین	فرانکفورت
اسچمای مارکت	کاسل	شرکت ایران	فرانکفورت
سوپر شیرین	هانور	مش قاسم سوپر مارکت	فرانکفورت
سارا مارکت	هانور	مینی سوپر	فرانکفورت
سیتی مارکت	هانور	کتابفروشی اقبال	کلن

AMIRI 2017



گلچینی از بهترین های
محصولات ایرانی را در
قلب فرانکفورت برای
شما تدارک دیده است.



Dusseldorfer Str. 12 ,60329 Frankfurt

Tel.: +49 (0) 69 / 24 24 9539

Fax: +49 (0) 69 / 52 27 62

هتل کالت

Rn¼ÿŠ°HoîK±œnj½znITw4Â±TÀ



HOTEL CULT

Offenbacher Land strasse 56,
60599, Frankfurt am Main

Tel.: +49 (0) 69 / 96 24 460

Fax: +49 (0) 69 / 92 44 46 666

هتل کارلتن

با بهترین سرویس و قیمت مناسب



Carlton hotel **

Karl Street 11, 60329 Frankfurt,
Frankfurt am Main

Tel.: +49 (0) 69 / 23 20 93

Fax: +49 (0) 69 / 23 36 73

قابل توجه کلیه تجار و صاحبان کسب و کار در آلمان

پیام تبلیغاتی خود را به منازل هزاران ایرانی در سراسر آلمان و اروپا برسانید
شما می توانید با حداقل هزینه حداکثر استفاده را با درج آگهی خود در مجله رنگارنگ ببرید

۰۰۴۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳



با مدیریت جعفر مهرگانی

انتشارات مهر

MEHR VERLAG

Blaubach 24

D-50676 Köln

Tel: +49(0)221 - 21 90 90

Fax: +49(0)221 - 240 16 89

در شهر کلن با سابقه دیرینه در خدمت جامعه ایرانیان

مجموعه ای از جدیدترین کتابهای منتشر شده تا کتب قدیمی

کلیه کاست ها و سی دی های و فیلمهای سینمایی قبل و بعد از انقلاب

انواع و اقسام مایحتاج روزانه خانواده ایرانی.

محل فروش نشریات معتبر ایرانی چاپ اروپا رنگارنگ ، کیهان ، نیمروز

محل فروش کنسرت، نمایش و دیسکوهای ایرانی



عکس گویای ایرانیان تبعیدی است

حکومت ها دیر یا زود تغییر می کنند ولی ملت و کشور ایران است که همواره پایدار و جاودان خواهد ماند

روز شنبه ۲۹ آوریل ما ایرانیان مقیم پاریس با یک پارچگی کامل برای ابراز نگرانی از سیاستهای ضد ایرانی در تظاهراتی آرام شرکت خواهیم کرد

ز بهر بر و بوم و پیوند خویش زن و کودک و خرد و فرزند خویش همه سربه سرتن به کشتن

سرتاسر عالم خواهد شکافت و بدون پاسخ نخواهد ماند تا زمانی که یک ایرانی در جهان باقیست هیچ دشمن و بیگانه ای نمی تواند سرنوشت ملت ایران را بازیچه امیال اهریمنی خود قرار دهد

هم میهن: امروز ما ایرانیان باید همانند گذشته های پر نشیب و فراز تاریخمان به جهان و جهانیان ثابت کنیم که با هر نوع آئین و مسلک و تفکر شخصی اعضای یک پیکریم.

از آقای راست بین پرسید:

تا کجا شتر سواری دو لا ، دو لا

دعوت به شرکت در تظاهرات آرام
چو ایران نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن

مباد

هموطن

سوابق درخشان ملت کهنسال
ایران گواه این حقیقت است
که هر گاه فرهنگ و ملیت
ما در خطر افتاده است وحدت
و یک پارچگی ایرانیان قدرت
دشمنان را در هم شکسته
است امروز ما ایرانیان در یکی
از حساس ترین لحظات تاریخی
قرار گرفته ایم و در سرتاسر
عالم نگران آینده هم میهنان و
کشور خود هستیم.

در این لحظات بحرانی به تمام
بیگانگان و دشمنان ایران و
ایرانی هشدار می دهیم :

هر عملی که جان و مال هم
میهنان ما را مورد تهدید قرار
دهد و هر نیش خاری که پیکر
هر ایرانی را بیازارد خنجرى است
که قلب یکا یک ایرانیان را در

سالهاست که در پاریس شاهد
نزدیکی و ارتباطات رژیم با چهره
هایی هستیم که هر یک زیر
پوشش های گوناگون سعی می
کنند چرخ پنجم شبکه رژیم
باشند که یکی از این افراد هم
آقای دکتر راست بین هستند که
در قالب فعالیتهای فرهنگی و
اجتماعی همه گاه در یک نقطه
مشترک با خواسته های رژیم
حرکت می کنند و گاهی این
روابط چنان نزدیک هم میشود که
در بعضی جلسات مختلف شاهد
حضور سفیر یا نمایندگان رژیم
هم هستیم که آخرین تلاشهای
آقای راست بین و همکارانشان
خیمه شب بازی بود تحت عنوان
اطلاعیه که خواهش می کنم آن
را ابتدا دوستان مطالعه کنند تا
در لا به لای کلمات از قبل تعیین
شده آن پی به ماهیت اصلی آن
ببرند هر چند نباید از قلم شیوای
غلام ژاندارم هم غافل شد.

اظهار نگرانی ایرانیان

مقیم پاریس

مرکز خرید و فروش و تعمیرات اتومبیل

Privater Auto Markt

(به مدیریت کریم سرپولکی)

مقدم هموطنان ایرانی و دوستان افغانی را گرامی می داریم

انواع اتومبیل آلمانی، اروپایی، امریکایی و ژاپنی



اتومبیل خود را در برابر مبلغی مختصر به مدت یکماه در AutoMarkt
در معرض فروش قرار دهید و شخصا با هر قیمتی که مایلید
به فروش برسانید

Tel: 069 422200 Fax: 069 421382

Diburger strasse. 14-18

60386 Frankfurt



پیوند اهالی سفارتی ها با امثال راست بین ها پی برد.

به عنوان یک ایرانی ساکن پاریس دلم می خواهد از تریبون ملی و مستقل مجله رنگارنگ استفاده کنم و هشدار به کسانی بدهم که این سالها زیر پوشش های گوناگون باعث از بین رفتن حریم هویت ایرانیان فراری شده اند اینان بدانند حالا که نشریه ای با اهداف ملی و میهنی حاضر شده است که تریبونی آزاد در اختیار دل سوختگان وطن قرار دهد بهترین فرصت برای افشای چهره هایی ضد مردمی و ضد ایرانی است کسانی مانند همین آقای راست بین که باید پاسخ گوی سوالات بسیاری باشند که هیچ گاه زمینه آن قبلا فراهم نبود.

این سود جویان دکاندار در اطلاعیه شان می نویسند هر نیش خاری که پیکر هر ایرانی را بیازارد خنجر می است که قلب یکا یک ایرانیان در سرتاسر عالم را خواهد شکافت و بدون پاسخ نخواهد ماند!! جالب است که از آقای راست بین پرسید که اگر ذره ای این ادعای شما و دوستانی از جنس شما واقعیت داشت چگونه ۲۷ سال در برابر جنایات هولناک اربابان جمهوری اسلامی خود خفه شده اید و در برابر سیل خائنانشوز



گروهی از ایرانیان و به کار بردن لغاتی ملی و میهنی چگونه دیوار تبلیغاتی برای رژیم می سازند به طوریکه سایت بازتاب متعلق به قشری ترین جناح رژیم این فعالیت ممتاز را که در پاریس بوقوع پیوسته است با آب و تاب و عکس و تفضیلات یک کلاغ و چهل کلاغ منعکس می کنند و عکس های متفاوتی از این برنامه را چاپ می کنند که در این عکس ها هم به خوبی به ماهیت این

دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
زمان: ساعت ۶ تا ۶ بعد از ظهر شنبه ۲۹
آوریل ۲۰۰۶
مکان میدان تروکادر- مترو تروکادرو

خواندید؟
متوجه شدید؟
که چگونه با خریک احساسات اندک



هتل آپولو

در قلب شهر بین المللی فرانکفورت با
بهترین سرویس و مناسب ترین قیمت و کادر
ایرانی - آلمانی مقدم شما را گرمی می دارد

هتل آپولو در مجاورت ایستگاه اروپایی قطار، اتوبوس در مرکز
شهر فرانکفورت قرار دارد. سفر خود را با آسودگی و آرامش
خیال در هتل آپولو به خاطره ای خوش مبدل سازید

تلفن: +49 (0) 69 23 12 85 / 86

فاکس: +49 (0) 69 23 29 09

MUNCHENER STR. 44
60329



خبرهایی از دنامارک

خواهانیم



چه خبر از می: می

می:می هنرمند و بازیگر تئاتر و سینما و دوبلور بسیار خوش قلب و مهربان و دوست داشتنی دوران بازیگری را در لندن طی می کند آخرین نمایش او با گروه مسعود اسداللهی و عبدالعلی همایون به نام شب عاشقی بوده که در سراسر اروپا و همچنین شهر آرهوس و کپنهاک به نمایش گذاشته شده است می:می دوبلور ننه آقا صمد بوده است حالا که صحبت از ننه آقای صمد یعنی فرخ لقا هوشمند شد اشاره کنم که این هنرمند که طی سالها بازیگری اینک سخت بیمار و در بیمارستانی در ایران بستری می باشد او گله داشت از همه هنرمندان که چرا یادی از او نمی کنند و او را فراموش کرده اند او با وجود درخواست های مکرر فیلمسازان خود را بازیگشته نموده است و می گوید دیگر وقت استراحت من است برای این دو هنرمند گرامی آرزوی سلامتی و طول عمر می کنیم

خانه و زندگی ابی در اسپانیا



به سرقت رفت

ابی خواننده نامی بعد از جدایی از همسر اول و ازدواج با مهشید که دارای فرزندی پسری به نام فرشید می باشد در سوئد زندگی می کند و در رابطه با کنسرتها به آمریکا و غیره سفر می کند چندی پیش ابی متوجه میشود که کلیه لوازم آنتیک او و حتی تابلوهای گران قیمت او در خانه ای که در اسپانیا داشته به سرقت رفته و دزد ناقل توانسته به طریقی آژیر

فاجعه عظیم آتش سوزی سینما رکس آبادان برای ایرانیان هرگز فراموش نمی گردد پرویز



صیاد طی سفری به دنامارک شهر آرهوس این نمایش را روی پرده برد هموطنان ایرانی از سراسر شهرهای دنامارک به آرهوس آمده و علاوه بر دیدن این فیلم پرویز صیاد به مدت یک ساعت در محلی به نام سیتی وست شهر آرهوس سخنرانی نمود.

دنامارک قهرمان ما را مجبور به

برگشت به کشورش

سیاوش قهرمان چندین مدال طلا و نقره که



در شماره قبل مجله رنگارنگ ملاحظه نمودید می توان او قهرمان سرگردان نام نهاد ویزای اقامت این قهرمان رزمی یکساله بوده و او فقط یک هفته فرصت داشت که خود را نجات بدهد هدف او ادامه این ورزش و رفتن به جام جهانی از اروپا بوده کشور دنامارک به او کم لطفی نموده فقط باشگاهی یک ساله در اختیارش گذاشته و نامه ای تحت عنوان اینکه باید کشور را ترک نماید سیاوش شبانه روز تلاش کرد با آمریکا و کانادا از طریق اینترنت تا اینکه کشور کانادا طی جلسه های متفاوت توانسته رضایت او را جلب کند سیاوش سعی دارد به آمریکا برود ولی باز خدا را شکر می کند که کشور کانادا او را پذیرفته است با امکانات خوبی که در اختیارش قرار خواهند داد هفته بعد او برای همیشه دنامارک را به مقصد کانادا ترک خواهد کرد دولت دنامارک قدر او را ندانست و اینکه چه گوهری را از دست می دهد

برای این قهرمان آرزوی موفقیت های بالاتری را



همکار مان فرشید محسنی از دنامارک

دکتر مهدی ذکائی سر دبیر

مجله جوانان در آلمان



پیرامون نقش مطبوعات برون مرزی در پیشبرد زبان و فرهنگ ایرانیان مسائل جامعی را مطرح نمود

آقای ذکائی سر دبیر مجله جوانان که طی سالها تلاش توانسته تیراژ مجله بین المللی جوانان را بی نهایت بالا ببرد و به سراسر جهان این مجله خانوادگی را در دسترس هموطنان قرار بدهد و البته نقش سازنده ای در رابطه با فرزندان که در غربت به دنیا آمده اند این نشریه فارسی زبان حداقل باعث فراموشی زبان مادری نمی گردد و کودکان نیز با فرهنگ کشورشان آشنا می گردند دانشگاه یوسی ال دکترای افتخار را تقدیم او کرده که الحق شایسته او است و به قولی که می گویند

اگر می خواهی بدانی که : که بودی نگاه کن که چه هستی

و اگر می خواهی بدانی که: که خواهی شد نگاه کن که چه می کنی

که این بیت شعر در رابطه با جناب ذکائی صدق میکند و همچنین ایشان ماه آینده به هامبورگ می آیند .

پرویز صیاد و سینما رکس آبادان

دستهای خود را مشت کرده اید این موضوع در ذهن خود زنده نگه دارید وقتی هوا را به درون ریه های خود می کشید دستهایتان را از حالت مشت کرده بیرون بیاورید و اندیشه تاسف را از ذهن خود دور سازید

این حرکت را یک تا دو دقیقه تکرار کنید می توانید از یک تاسف واحد یا از چند تاسف مختلف استفاده کنید

بعد از یک تا دو دقیقه تمرین به خود استراحتی بدهید

وقتی دوباره آمادگی لازم را پیدا کردید به سر وقت رنجشها می رویم

به هنگام عمل باز دم و در حالی که هوا را از ریه های خود به بیرون می دمید دستهایتان را مشت کنید اما حالا به موضوعی که اسباب رنجش شما را فراهم کرده است بیندیشید

با یاد زمانی بیافیتد که کسی شما را رنجاند و یا دروغی به شما خویلد داد اگر رنجش خاصی به ذهنتان خطور نمی کند می توانید از یک بخش عمومی استفاده کنید

در حالی که هوا را از ریه های خود به بیرون می دمید به رنجش خود فکر کنید و بعد در حالی که دستهایتان را باز می کنید سعی کنید رنجش را از ذهن خود خارج سازید حالا بگذارید هجوم هوا به درون ریه های شما آنها را پر کند

وقتی آمادگی لازم را پیدا کردید دور دیگری را شروع کنید دستهایتان را مشت کنید هوا را از ریه هایتان خارج سازید و به رنجش خود فکر کنید بعد در حالت آرمیدگی قرار بگیرید و هوا را به درون ریه های خود بکشید

این کار را چند بار تکرار کنید لحظه ای مکث کنید و استراحت نمایید

در حالی که استراحت می کنید از خود دو سوال بکنید:

آیا باید با کسی رابطه ای کلیدی برقرار سازم؟ اگر جوابتان مثبت بود آن را در جایی بنویسید تا در پایان برنامه تان از آن استفاده کنید.

امروز برای برقرار نمودن رابطه ای قلبی چه می توانم بکنم؟ نکاتی را که بعد از اجرای برنامه باید انجام دهید یادداشت نمایید

وقتی برنامه را تمام کردید فعالیت های عادی خود را از سر بگیرید

لذت بردن از روابط یکی از شادیهای زندگی است کسی با این مهارت متولد نمی شود همه باید این را بیاموزیم و گاه آموختنش کار دشواری است با این حال صرف وقت و انرژی برای این کار به زحمتش می ارزد زیرا جایزه ارزشمندی دریافت می کنید وقتی به اواخر عمر خود نزدیک می شویم معمولاً از اینکه چرا بیشتر کار نکرده ایم ناراحت می شویم و افسوس می خوریم بلکه افسوس نداشتن روابط قلبی را می خوریم

حالا نقطه شروعی وجود دارد روزی دو دقیقه به این جنبه های مهم زندگی خود توجه کنید عادت کنید که سه اقدام زیر را انجام دهید:

رنجشها و تاسف های مربوط به دیروز را از خود دور کنید

روابط کلیدی خود را به اطلاع کسی که باید آنها را بداند برسانید

چرا برای زنها حجم و اندازه مهم نیست و تناوب و تکرار مهم است؟
چرا زنها از سکوت برای مجازات کردن مردها استفاده می کنند؟
چرا زنها به شکلی غیر مستقیم به خواسته های خود اشاره می کنند؟

برنامه روزانه جهت آرامش :

تنها به دو دقیقه زمان احتیاج دارید در جایی راحت بنشینید که برای دقایقی مزاحمی نداشته باشید

دستهایتان را مشت کنید و در حالی که هوا را از ریه های خود به بیرون می دمید آنها را فشار دهید تا حد امکان هوا را از ریه های خود خارج کنید

وقتی زمان عمل دم فرا می رسد حالت آرامی به خود بگیرید دستهایتان را از حالت مشت شده در آورید در حالی که هوا را به عمق ریه های خود می فرستید سعی کنید دستهایتان را در حالت آرام تری قرار بدهید.

وقتی زمان بازدم فرا می رسد مجدداً دستهای خود را مشت کنید و در این حالت همه هوا را از ریه های خود خارج سازید توجه داشته باشید که دست حالت مشت شده دارد آن قدر با دستهای مشت شده باقی بمانید تا زمان عمل دم فرا برسد

وقتی نیاز به هوا پیدا می کنید دستهای خود را در حالت راحت قرار بدهید بازوها و شانه ها هم در حالت آرام قرار دارند در این وضعیت هوا را به عمق ریه های خود برسانید

لحظه ای مکث کنید و ببینید تا اینجا چه کار کرده اید

به لحاظ مجاری جسمانی ما آن قدر حالت تنش را حفظ کرده ایم که سرانجام آنچه را لازم بوده ابراز نشود ابراز نموده ایم و بعد با دریافت انرژی جدید به حالت آرمیدگی درآمده ایم بیرون راندن هوای درون ریه ها سببی برای به درون کشیدن هوای تازه است

اکنون مفاهیم تاسف و رنجش را به موضوع اضافه می کنیم

همان کار قبلی را تکرار کنید در حالی که هوا را از ریه های خود به بیرون می دمید دستهایتان را مشت کنید در این حال به یاد مواد و مقولاتی بیافیتد که مربوط به گذشته و حال شماست و شما از آنها ناراحت هستید مثلاً ممکن است به یاد زمانی بیافیتد که کسی را آزرديد یا دروغ گفتید و یا پشت سر کسی حرف زدید

در حالی که هوا را از ریه های خود به بیرون می دمید و مشت های خود را گره کرده اید با یاد این تاسف های خود بیافیتد وقتی از فکر تاسف بیرون آمدید مشت های خود را باز کنید بگذارید هوای تازه ریه هایتان را پر کند بگذارید حالت تاسف از ذهنتان بیرون بیاید حتی اگر برای لحظه ای این اندیشه در ذهنتان جولان می دهد آگاهانه بخواهید که آن را از ذهن خود خارج کنید

با بیرون دمیدن بعدی همین عمل را تکرار کنید به همان تاسف قبلی و به تاسفی جدید فکر کنید در حالی که بازدم را انجام می دهید و



همکارمان سارا عباسی از پاریس

تست هوش

آیا دوست دارید هوش خودتان را امتحان کنید و به روابط خود و اطرافیان بیشتر توجه کنید؟
پس به این سوالات زیر جواب داده و نسبت به جواب هر یک امتیازی به خود بدهید خواهید دید که چقدر در روابط خانوادگی شما اثر مثبت خواهد داشت

این سوالات را هم خائن ها و هم آقایان می توانند استفاده کنند بدون هیچ حساسیت و تعصبی:

چرا مردها

چرا مردها پیوسته راه حل نشان می دهند و توصیه می کنند؟

چرا مردها مرتب با دستگاه کنترل از راه دور برنامه های تلویزیون را مرور می کنند؟

چرا مردها وقتی از توالت فرنگی استفاده می کنند در پوش آن را روی کاسه توالت نمی گذارند؟
چرا مردها عاداتی شخصی زشت و نفرت انگیز دارند؟

چرا مردها از لطیفه های زشت و بی ادبانه استقبال می کنند؟

چرا مردها اطلاعات کافی در باره دوستانشان ندارند؟

چرا مردها از متعهد شدن اجتناب می کنند؟

چرا مردها می خواهند در هر موضوعی حق با آنها باشد؟

چرا مردهای بزرگ به اسباب بازیهای پسر بچه ها علاقه مندند؟

چرا مردها در هر لحظه تنها یک کار می توانند بکنند؟

چرا مردها تا این اندازه معتاد به ورزش هستند؟
مردها در توالتها بیشتر در باره چه موضوعاتی حرف می زنند؟

چرا زنها

چرا زنها این قدر حرف می زنند؟

چرا زنها همیشه می خواهند در باره مشکلات حرف بزنند؟

چرا زنان مبالغه می کنند؟

چرا به نظر می رسد که زنها به اصل مطلب نمی پردازند؟

چرا زنها می خواهند همه جزئیات را بدانند؟

چرا زنها گریه می کنند؟



(جاودانه صدای موسیقی ایران)

(قسمت دوم)

پای برج ایفل با مردی که صدایش بلند تر و رساتر و زیباتر از برج ایفل برای همه ایرانیان است

روزهای جمعه هم در منزل ادیب خوانساری مجلسی بر پا بود روزهای دوشنبه هنرمندان در منزل حاج آقا محمد ایرانی مجرد گرد می آمدند آقایان جوییدی عبدالله دوامی محمود کریمی (شاگرد عبدالله دوامی) یوسف فروتن و خیلی های دیگر به آجا می آمدند.

در مورد آقای فروتن لازم است حرفی را از استاد عبادی نقل کنم که وقتی صحبت از سه تار می شد استاد عبادی می گفت اول شما باید بگویید آقای فروتن بعد یک مدت هیچی نگویید آن وقت عبادی. مرحوم فروتن از بزرگ نوازندگان سه تار در تاریخ موسیقی ایران به شمار می آمد در بعضی مجالس فقط خودی ها می توانستند وارد شوند و کمتر غیر خودی را می شد در آجا دید در این گونه مجالس بزرگانی مانند ادیب خوانساری یوسف فروتن حاج آقا محمد ایرانی مجرد سر تپ مختاری شرکت می کردند یک سری از تیمسار هایی هم که موسیقی کار می کردند به آجا می آمدند مانند تیمسار دادار که سه تار می زد خوب شرکت در چنین جلساتی بزرگ ترین کلاس درس برای فردی مثل من بود که از وجود برترین اساتید موسیقی کشور بهره مند شود تحت نظر مرحوم صبا مرحوم طاهر زاده مرحوم اسماعیل خان قهرمانی مرحوم عبدالله دوامی دوره های متعددی را گذراندم.

رفتار این هنرمندان با یکدیگر چگونه بود؟ بسیار خوب و محبت آمیز و ملو از احترام این طور نبود که وقتی این یکی به دیگری می رسد بگوید ترا قبول ندارم یا هیچ وقت ندیدم که هیچ یک از آنها پشت سر دیگری سخنی جز به احترام بگوید ادیب خوانساری که دیگر محشر بود.

حالا به جایی رسیدید که همه می دانند که اگر نور علی خان را دعوت می کنند حتما باید کارتی هم برای گلپا بفرستند

گلپا در این روزگار چه نوع زندگی را تجربه می

نمایند یونسکو هم آجا مهمان بود به من دستور دادند بخوان. ما هم با سه تار نورعلی خان خواندیم آقای داریلو خیلی از صدای من خوشش آمد و پرسید آیا شما می توانید به یونسکو بیایید و بخوانید؟ گفتم اگر نورعلی خان باشد من هم می آیم وگرنه نه آقای پیر نیا سرپرست برنامه گلها آجا بود به من گفت یک کاری با شما دارم لطفا سری به رادیو بزن. گفتم من به رادیو نمی آیم اگر به گوش نورعلی خان برسد ناراحت می شود.

آیا نورعلی خان نسبت به اینکه به شهرت برسید حساسیت داشت ؟

نسبت به شهرت رسیدن من نه اما فکر می کرد اگر پای من به رادیو باز شود دیگر فرصت نداشته باشم مانند گذشته به او برسم. چون من هم راننده اش بودم و هم شاگردش . کس دیگری هم نبود که چنین وقتی را برای او صرف کند در این هفت هشت ساله من تمام عادات او را شناخته بودم و تا حرفی می زد می دانستم که چه می خواهد بگوید یا می خواهد چه کار کند و چون خیلی دوستش داشتم کاری نمی کردم که ناراحت شود خدا را شاهد می گیرم که اگر نصف شب می گفت برو سر کوه قاف می رفتم هیچ از حرفهایش نمی رنجید م برای همین رعایت خیلی از حساسیت های او را می کردم یک روز مرحوم پیر نیا مرا به منزلش که در خیابان لاله زار نو پشت رستوران کریستال بود دعوت کرد من با پسر ایشان داریوش پیر نیا خیلی دوست بودم بعد از ناهار آقای پیر نیا از من پرسید آقا شما که این قدر زحمت کشیدید چرا نمی خواهید کار کنید؟ گفتم والله نمی خواهم نور علی خان از من برجود او اجازه نمی دهد اجازه بدهید با خودش صحبت کنم . یک روز رفته بودم رادیو تا برنامه گلها را ببینم و اینکه برنامه گلها چه طور تهیه میشود دیدم یک اتاق محقر است که به آن استودیو شماره ۲ یا استودیو گلها می گفتند با یک میز و چند تا صندلی که آقای پیر نیا پشت آن نشسته بود استودیو محقری بود با چند تا سیخ و سه پایه اما آدم هایی که آجا هنرنمایی می کردند به آن مجموعه ارزش و اعتبار می دادند آدم هایی مانند مرتضی خان محجوبی احمد عبادی جواد معروفی پرویز یا حقی جلیل شهناز حسن کسایی اینها مهم بودند و گرنه استودیو شماره ۸ پنج برابر این استودیو بود با دم و دستک بیشتر ولی کاری که در این استودیو کوچک انجام می شد از آن استودیو بزرگ در نمی آمد ضمن اینکه پشت آن میز محقر در استودیو گلها مردی کار کشته مدب رو با وقار و مدیر نشسته بود که آن را هدایت می کرد همین طور که در رادیو رادیو قدم می زدم مشیر همایون شهردار را که رییس رادیو بود دیدم تا مرا دید حالم را پرسید ایشان مرا خوب می شناخت و می دانست که شاگرد نورعلی خان هستم .

گلپا جان اینجا چه می کنی؟ حالا دیگر برای همه گلپا جان بودم همین صمیمیت اجازه می داد که اگر می خواستند حرفی بزنند یا

کنند؟ بله همه این را پذیرفته اند ضمن اینکه خود گلپا هم دارد کم کم میشود بخشی از این جمع . یادم می آید سال اول با نورعلی خان به دعوت شازده امیر مویید به ملایر رفتیم و آجا بود که من شازده مراد را دیدم شازده مراد همان کسی بود که آهنگهای قدیمی می ساخت و نوه حسام السلطنه معروف بود ویلن هم می زد آجا که بودیم ساعت ۹ صبح تا هفت شب با نورعلی خان تمرین می کردیم بعد از آن آنها دور هم جمع می شدند خواننده جمع هم من بودم نورعلی خان می زد من هم مدام یک دیوان حافظ یا سعدی زیر بغلم بود که شعر انتخاب کنم و بخوانم.

هنوز رسما وارد عرصه خوانندگی نشده اید؟ نه فقط در همان مجالس و محافل هنرمندان می خواندم دیگر بعد از هشت سال به جایی رسیده بودم که آموزش های نور علی خان چیزی برای افزودن به آن چه که می دانستم نداشت یک روز به ایشان گفتم :نورعلی خان ما باید کارهای جدیدی بکنیم . پرسید چه طور؟ گفتم من اگر بخوام شبیه آقای بنان یا ادیب یا عبدالعلی وزیری یا آقای سلیمون بخوانم که خود آنها هستند و دارند می خوانند پس خواندن من دیگر چه لزومی دارد. کمی فکر کرد و گفت راست می گی . بالاخره یک روز از من پرسید تو چی می خواهی؟ گفتم این چهار تا گوشه و هفت دستگاه و پنج تا آواز ایرانی با سیصد و هفتاد هشتاد تا گوشه را اگر به یک ضبط هم بدهید ضبط می کند اما اینها به درد من نمی خورد. چیزی که من می خواهم اینجا نیست من اینها را با نهایت صداقت به نورعلی خان گفتم روابط ما دیگر در حدی بود که از شنیدن این گونه حرفها نمی رنجید.

چه طور وارد رادیو شدید؟

یک روز با نور علی خان و عده ای از اساتید موسیقی به گلندوک دعوت شدیم آقای داریلو

چی بدهم؟

گفت خودت یک جوری درستش بکن با هزار بیم و اضطراب رفتم سراغ نور علی خان و گفتم راستش نور علی خان من یک آواز بدون ساز خواندم شب قتل امیر المومنین بود از حافظ انتخاب کردم

گفت حالا شما باید ببینی آن خلایقی را که می خواهی در آن هست یا نه؟ راستش چون نورعلی خان خودش خیلی پولدار بود (او پسر عبدالوهاب جواهری بود) و احتیاجی به هیچ چیز نداشت فکر می کرد که بقیه هم هیچ احتیاجی ندارند

حالا وضع ما چیست خانه مان در شهپاز بود که آن موقع به دروازه دولاب می گفتند که در آن جا صیفی می کاشتند حالا که کمی ترقی کرده ایم آمده ایم آب سردار کارمند دولت هم شده ایم و یک اتومبیل دوفین خریده ایم که باید قسط آن را هم بپردازیم درست و حسابی هم که سر کار نمی رفتیم و اگر محبت دوستان که غیبت های ما را نادیده می گرفتند و یا از تاخیر های ما می زدند نبود معلوم نبود چه بشود از آن طرف هم باید مدام از اداره مرخصی بگیرم و نورعلی خان را به هنرستان ببرم که درس بدهد منتظر بمانم درسش تمام شود و مجددا او را بگردانم آن زمان نورعلی خان در هنرستان صنعتی آلمان ها که در خیابان ثبت بود درس می داد

اولین بار آواز شما کی از رادیو پخش شد؟ همان در خرابات مغان نور خدا می بینم بود که بدون ساز خوانده شد این آواز سه روز قبل از عید و تحت عنوان خواننده ناشناس پخش شد اعلام کردند یک هنرمند جوان .

بعد من با نورعلی خان و مرتضی خان محجوبی به شیراز رفتم در منزل آقای کسراییان که از متمولین شهر بود مهمان بودیم روز سوم عید بود که مرتضی خان ناگهان گاف کرد و گفت : یک و نیم بعد از ظهر رادیو را بگیرد برنامه گلهاست و گلیا می خواند دیگر قضیه بر ملا شد و آهنگ مست مستم ساقیا دستم بگیر از رادیو پخش شد

عکس العمل نورعلی خان زمانی که آن آواز را شنید چه بود؟ چه گفت ؟ فکر کردم من یواش یواش دارم فاصله می گیرم ایشان خودش می دانست من چه کارهایی کردم.

برای آن پنج تا صفحه چقدر به شما پول دادند؟ هر صفحه ای پانصد تومان یعنی برای پنج تا صفحه دو هزار و پانصد تومان یعنی تقریباً پول پنج قسط اتومبیلی را که خریده بودم تازه آن زمان که من و آقای یاحقی رویمان نمی شد بگوییم پول بدهید. چون به ما اینطور گفته بودند که هنرمند لکه دار می گردد و شما باید مجانی بخوانید

ادامه دارد

هم کارشناس بانک رهنی. یک ماشین دوفین قرمز رنگ را که تازه وارد شده بود خریدم به قیمت هشت هزار تومان هزار تومان پیش دادم و ماهی پانصد تومان قسط.

به شعر بیژن ترقی برگردیم سرانجام آن شعر چه شد؟

یک روز با همان ماشینی که تازه خریده بودم از چهار راه آب سردار که پیچیدم مرتضی خان محجوبی را منتظر ماشین دیدم او را سوار کردم به رادیو می رفت بین راه گفتم که من یک همچو چیزی را زمزمه کرده ام

به رادیو که رسیدیم گفت حالا بیا بریم تو استودیو عزیز جان این طوری بهتر معلوم میشود

داخل استودیو شدیم او شروع به زدن کرد و من خواندم هدفی جز تمرین نداشتم از استودیو که بیرون آمدم دیدم آقای پیر نیا نشسته سیگار می کشد و گریه می کند علت را پرسیدیم گفت این چی بود که تو خواندی؟



گفتم مثنوی شور.

مرا بغل کرد و بوسید و گفت آقا تو مرا دیوانه کردی گفتم این فقط تمرین بود گفت تمرین چیه اقا حالا برو فردا شب اینجا باش با تو کار دارم. فردا شب آجا بودم

گفت برو تو استودیو و بدون ساز بخوان. وارد استودیو شدم دیوان حافظ را باز کردم و در خرابات مغان نور خدا می بینم را خواندم این غزل را در بیات ترک خواندم حالا سخت می ترسیدم که مبادا این قضیه آمدن من به رادیو به گوش نور علی خان برسد و ناراحت نشود وقتی از استودیو بیرون آمدم داریوش پیرنیا رو به من کرد و گفت می دانی پدر می خواهد چکار کند؟

گفتم نه

گفت شب عید مصادف با شب قتل امیر المومنین شده و هیچ سازی از رادیو پخش نمی شود پدر می خواهد صدای بنان فاخته ای و تو را بدون ساز پخش کند گفتم کدام صدا؟ گفت همین که الان خواندی

گفتم داریوش حالا من جواب نور علی خان را

انتقادی داشته باشند صریحا مطرح کنند گفتم آقای پیر نیا دعوت کردند به اینجا بیایم پرسید یعنی می خواهی بیایی و آواز بخوانی؟ گفتم شاید گفت برو پشت سر مرده آواز بخوان پرسیدم چرا ؟ گفت امروز دیگر کسی آواز گوش نمی دهد گفتم اما گلهها؟ گفت در گلهها دو سه تا خواننده گردن کلفت مثل ادیب خوانساری بنان فاخته و عبدالعلی وزیری هستند مگر شما می خواهی ادا در بیاری؟ راستش این حرف مشیر همایون به شکل بسیار بدی در من اثر منفی گذاشت همان شب در منزل یکی از اقوام نور علی خان مهمان بودیم بین راه گفتم نور علی خان شما را به خدا کاری بکنید تا کی این عاشوراوند؟ چقدر حزين؟ چقدر تکرار مکررات؟ نمی دانم نوروز عرب : طرز و

گفت : من که نمی دانم تو چه می خواهی؟ گفتم یک چیزی که در این بساط نیست می خواهم خودم باشم

گفت من که دیگر چیزی ندارم به تو یاد بدهم همه چیزهایی را که می دانستم همین چیزهایی بود که به تو یاد دادم تو خودت باید یک فکری بکنی خواستی تو را پیش ادیب بردم پیش حاج آقا محمد ایرانی شش هفت سال هم پیش آقای دوامی اسماعیل خان قهرمانی ظاهر زاده و بقیه کار کردی حالا دیگر نمی دانم. گفتم من یک مقدار روی طاهر زاده و ادیب کار کردم و این وسط خودم را پیدا کردم اگر شما اجازه بدهید حرفم را قطع کرد و گفت حالا بگذار عید برویم رشت برگشتیم شما می گویی که چه می خواهید ببینم چه کار می توانم بکنم.

قبل از سفر به رشت یک شب جایی مهمان بودیم آقای پرویز یا حقى .تهرانى، بدیعی، منوچهر همایون پور، مرتضی خان محجوبی آقای شهناز، بیژن ترقی و خیلی های دیگر هم آجا بودند

من به آقای ترقی گفتم بیژن خان! می خواهم چیزی در مثنوی شور بخوانم که کار نویی باشد خیلی در این مورد زحمت کشیدم ببینید چکاری می توانید بکنید موقع خداحافظی هنگامی که بیژن خان رفت از جایش برخیزد افتاد و به پرویز یا حقى یا آقای تهرانی که در کنارش نشسته بودند گفت دستم را بگیر! من هم در گوشه ای فقط نظاره گر اوضاع بودم این صحنه را دیدم ناگهان متوجه شدم که بیژن خان در مقابلم ایستاده است گفت پیدا کردم پرسیدم چی ؟

گفت همین که گفتم دستم را بگیر.

فهمیدم شعری به ذهنش آمده است گفت این شعر مال تو.

پس فردا چهار پنج بیت از شعر را به من داد و گفت: هنوز تکمیل نشده است

حالا از لحاظ اداری اجتماعی در کدام موقعیت قرار دارید؟

حالا هم کارشناس سازمان برنامه هستم و



آریا پناهی از: هانیه

بی تعارف

یک ملت بی مثلث

به هر کجای ایران و ایرانی که با چشم شعور و منطق بنگری همه چیز را بد جوری کج و کوله می یابی و بوی گندی به مشام می خورد که هر آدم شرافتمند و با وجدانی را به حالت تهوع می کشاند هزار البته هنوز که هنوز است جملگی جانورهای دو پا و نا آشنا با وظیفه و مسئولیت انسانی سر در آخور جمهوری آخوندی دارند و در هر منبر و تریبون عوام فریب دم از حکومت الهی و جامعه اخلاق گرا و مهر و عطوفت اسلامی می زنند و انگاری تک ، تک سلول های چرک و کثیف اینان را بی شرمی و وقاحت ولایت فقیه انباشته است در روزگاری که آن سرزمین همیشه افسرده غرق در دروغ و فساد و فحشاء و اعتیاد و تباهی و همه رقم پلیدی و زبونی گشته است جنایتکاران و غارتگران آویزان به مذهب از تبلور فرهنگ ناب اسلامی می گویند و باز پروری عزت و شرف امت مسلمان !

در دیاری که دیگر هیچ نشانی از اعتقاد و اعتماد و اعتبار در ارتباط های اجتماعی به چشم نمی آید و آدم راست کردار محکوم به نابودی است ریاکاران دین فروش از ظهور یگانگی و یک رنگی دوباره در میان برادران و خواهران خبر می دهند و این که : زندگی بهتر از این نمیشه !!! به هر حال وای بر آن مردم همچون ما که از اساس و پایه های استوار و قابل تکیه یعنی اعتقاد و اعتماد متقابل که خود به خود اعتبار را در جامعه جاری می سازد ، دور باشند و در چنین بساطی بدون هیچ شک و تردیدی همه چیز رو به فنا می نهد. آنان که سن و سالی بالای پنجاه دارند هر چقدر هم که ناپاک و نمک شناس باشند به یاد می آورند که هیچ کس در همان حکومت لامذهب طاغوتی (به قول آخوندهای نیرنگ باز و بی همه چیز) نمی توانست مثل امروز سینه سپر کند و حقه بازی و دروغگویی و دزدی و بی شرفی را زرنگی و هنر بشمارد! تا روزی که این جانورهای جمهوری اسلامی در آن کهن دیار جولان بدهند یقین بدانیم که هیچ اعتقاد و اعتماد و اعتباری در میان نخواهد بود و فاجعه یک ملت بی مثلث را باید خواند . با شیرجه به یک استخر خالی در بیست و دوم بهمن پنجاه و هفت تیشه را با دست خود به ریشه مان زده ایم و آنگاه که انقلابی های قلابی با تاسیس بنیاد شهید پول خون فرزندان را به پدران و مادران دادند تا در سفره بگذارند و لقمه

های خونین را هر روز و هر شب در گلو و شکم فرو برند این بساط سیاه امروز را باید و باید به تماشا می نشستیم .

دردمندی که کند درد نهان پیش طبیب
درد او بی سببی قابل درمان نشود

نه به این ردیفی

اگر گمان کنیم که یک یا دو نفر و یا یک یا دو جریان در کاشتن نطفه و وضع حمل هیولایی به نام جمهوری اسلامی نقش و دست داشته اند بد جوری بی خبر و شاید هم خواب و بلا نسبت خر بوده و نمی خواهیم اضلاع و ابعاد دهها گونه این همخوابگی تاریخی را بشناسیم و پرده غفلت را پس زنیم اما چه باید کرد که با هم شناسنامه هایی طرف هستیم که مشتری پرو پا قرص فرار از بار مسئولیت و وظیفه انسانی هستند و صدها سال است که در انتظار یک منجی تا روزی از چاه غیبی بیرون آید و به لطف شمشیرش و دریای خونی که به راه می اندازد دنیا را برای همیشه پاک سازد و یاری رسان الله ناتوان و بی عرضه شود! چه زیبا خوانده آن گل بانوی آواز و ترانه : ای وای ز دردی که درمان ندارد!

گذر و نظری به تاریخ معاصر ایران گویای آن است که در جمع جک و جانورها و جریان های پر شماری که در زایش و پرورش و نگاهداری حکومت آخوندها دست داشته اند نقش وطن فروش ها بسیار پر رنگ و گسترده است و گویی این ناپاک ها و بی پدر و مادرها در هر کجا که چهار تا ایرانی باشند لوٹ وجود شان را به رخ می کشند بی آن که نیازی به پرس و جو و پرسه ای پیرامون اصل و نسب خیلی پر شمار شناسنامه دارهای ایرانی وطن فروش باشد باید یادمان نرود که وقتی یک ملت کهن بارها و بارها مورد تهاجم و تجاوز این و آن قرار می گیرد و صدها سال زیر سلطه بیگانگان و دشمنان به حیات خود ادامه می دهد یقینا دچار آتش و لاشی میشود که گروهی به ظاهر ایرانی نام مهاجمین و متجاوزین مثل اسکندر، آتیل ، چنگیز ، تیمور و را بر روی فرزندان خود بگذارند!!! اینگونه است که ما باید در قرن بیست و یکم گرفتار این حکومت ضد انسانی باشیم و به راستی اگر یک نفر در کشورهای انگلیس ، فرانسه ، هلند ، بلژیک ، لهستان و نام آدولف هیتلر را برای فرزندش برگزیند با چه واکنشی از سوی هموطنانش رو به رو خواهد شد؟ در دهه های سی و چهل شمسی ، فقری حاضر جواب و بذله گو در

اصفهان می زیست که اغلب در چهار باغ و سسی و سه پل پرسه می زد روزی چند جوان تهرانی و شوخ و شنگ با یوز باشی اصفهانی در کنار سسی و سه پل رخ به رخ می شوند و ژنده پوش خوش لهجه از آنان طلب اسکناس و سکه ای می کند یکی از تهرانی ها به یوز باشی می گوید اگر به پرسش او پاسخ بدهد اسکناسی در خور به این بذله گو خواهد دارد یوز باشی می گوید بفرمایین ! با کلامی شوخ و آرام می پرسد: آیا در شهر شما قرمساق هم پیدا میشود؟ یوزباشی لحظه ای درنگ می کند و نگاهی به صف چند جوان مسافر می اندازد و پاسخ می دهد: آره ، اما نه به این ردیفی!!! حالا حکایت بسیار تلخ و تاسف بار ما ایرانی هاست که اگر چه در هر سرزمینی وطن فروش هم می تواند وجود داشته باشد اما در باره شمار وطن فروش های ایرانی باید همچون یوز باشی بگوئیم: اما نه به این ردیفی!!! اگر از وسوسه نفس و هوا دور شوی بیشکی ره ببری در حرم دیوارش

شیر همیشه شیر است !!

در فرهنگ افراط و تفریط ما ایرانی ها که همواره از توازن و تعادل به دور و کمتر با اندیشه و تفکر همنشینی دارد و برخواسته و تحت تاثیر احساسات لغام گسسته است ضرب المثل هایی وجود دارد که آدرس بسیاری از بدبختی ها و گرفتاری و مصیبت های امروز را در اختیار ما قرار می دهد پیش از این چکیده های چندش آور در فرهنگ ایرانی مثل نان را باید به نرخ روز خورد و خواهی نشوی رسوا هم رنگ جماعت شو نوشته بودیم و این که همین جوری است که عموم ایرانی ها باروی کار آمدن آخوندها و زیر و رو شدن اوضاع یک شبه ریخت و قیافه و رنگ عوض کردند و آن هل و گلاب های چهل و پنجاه سال پیش را که در کنار مدرسه می خریدیم و می خوردیم رو سفید ساختند! در همین راستا هر گاه که در باره بی خیالی و بی تفاوتی و سکوت بیست و هشت ساله خودمان در برابر جنایت و غارت و ظلم و ستم شبانه روزی و پایان ناپذیر رژیم روضه خوانها حرفی می زنیم خیلی ها بلافاصله به این ضرب المثل دروغین و ننگ آور چنگ می زنند:

آنچه شیران را کند روبه مزاج

احتیاج است احتیاج است احتیاج

آخر پدر جان کدام شیر است که تا امروز تبدیل به روباه شده باشد و اگر چنین اتفاقی بیفتد



خبری ریوده اند گهگاه دل نگارنده بی تعارف برای آن چند درصد ایرانی که به اشتباه در ایران به دنیا آمده اند و می آیند به اندازه ای با ابرهای گریه را همراه می شود که همیشه سخن حضرت حافظ را به یاد می آورد:

ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند است
قوت دانا همه از خون جگر می بینم

زالو، مگس، لفت و لیس

هنگامی که درصد بیشتری از یک ملت گریزان از اندیشه اند و گرایش به ابتذال و جنس های بنجل دارند باید هم که دیروز یک جانانداز کاباره دارش باشد و هزاران قربانی بگیرد و امروز هم هنرش به چنان کثافتی آلوده شود که خام بیا رها در صدر بنشینند و چشم و چراغ مردمانی شوند که برای خود نیز هیچ احترام و ارزشی قائل نیستند تا چه رسد به دیگران! ما ملت هیچ علاقه ای به آگاهی و شناسایی تک و توک بزرگان و آدم های حسابی نداریم و بیش از آن که در پی پژوهش پیرامون نخبگانی چون امیر کبیر، قوام السلطنه، مصدق، نائل خانلری، حسابی و باشیم تشنه آن هستیم که بدانیم در اتاق خواب اشرف پهلوی، فائزه هاشمی رفسنجانی، گوگوش، شهره و چه گذشته است و به قولی وصل العیش نصف العیش! این چنین بساط نکبت بار و نازلی است که مرده ای به نام محمود قربانی پس از سالها ناگاه زنده میشود و با دم کثافت فرزند خلف یک آجودان کشوری و درباری محمد رضا شاه جان می گیرد تا پرده های همجنس های خود را پاره و پوره سازد صد البته اگر پرده ای باقی مانده بود زمانی که چشم بر واقعیت ها و زانوهای درشت و ریز در دور و بر آخرین

تردید نداشته باشید که آن شیر از اول قلابی بوده و از اول روباه!!

شیر چنانچه شیر باشد همیشه شیر است و هرگز و در هیچ حالی روباه نمیشود و در همین بیست و هشت سال سیاه هیچ ایرانی شیر کمتر از شیر نبوده و آنانی که روباه گذشته اند که پوست شیر بر تن داشته اند و تنها خاصیت جمهوری اسلامی نیز این بوده تا بساطی تدارک ببیند که نقاب از چهره های قلابی فرو افتد گرفتاری بزرگ آن است که شمار شیرهای ایرانی همه گاه بسیار کمتر از روباه صفت های شیر نما بوده است و اغلب نام های درشت در جامعه ما تو خالی اندو حیف از یک تف! در میان مردم هر چی گروه اهل هیاهو و شایعه پرور هیچ آدم حسابی نمی تواند به میدان آید و چنانچه اینگونه نبود اکنون چراغ به دست نمی گرفتیم تا به دنبال یک رهبر بگردیم و هیچ نیابیم! بنابر این تمام روشنفکر های دهها سال گذشته که به ناحق صاحب نام و نشانی در میان مردمی ساده لوح و تقلید مسلک شده اند همگی و بدون هیچ استثنایی بدلی و از جنس آخوندهای دروغگو و ظاهر فریب بوده و در بی شرفی و بی وجدانی کت یکدیگر را از پشت بسته اند!

به جای بهره گیری از ضرب المثل های کثیف و زیون پرور به منظور لاپوشانی و توجیه کثافت کاری ها و خود فروشی ها باید این گفتار طلائی نجات بخش را فرا راه خود قرار دهیم که می گوید: آزموده را آزمودن خطاست! لیکن درد بی درمان اینجاست که ایرانی ها بیست و هشت سال آزرگار است که هر روز جمهوری اسلامی را می آزمایند و هنوز هم سرگرم آزمایش هستند و در بلا تکلیفی گوی سبقت را از هر ملت بی

شاه ایران می دوزیم می پذیریم که آن گروه چاپلوس و نوکر سفت و بله قربان گو و لفت و لیبسی بودند که نقشی به سزا در فروپاشی پادشاهی و روی کار آمدن رژیم مذهبی با ضربی صد و شاید هزار البته بدتر از قبل داشتند هنگامی که اکثریت وزیران، امیران، وکلا، مدیران، هنرمندان، نویسندگان، روزنامه نگاران، شاعران، گویندگان، کاباره داران، خوانندگان و در دوران شاه فقط و فقط به منافع شخصی چشم دوخته بودند و لحظه ای به مصالح ملی نمی اندیشیدند سقوط را همین چند چهره ها رقم زدند تا پادشاه بیمار وقتی به هوش آید که کار از کار گذشته باشد و بداند گزینش این همه مگس بر گرد شیرینی شیپور انقلاب اسلامی ره به صدا درآورده باشد که خود کرده را تدبیر نیست!

مردکی چون محمود قربانی و جانورکی مثل امیر قاسمی هر چه دارند گو این که هیچی ندارند از جیره خواری در زمان قبل و در دوران

www.denabooks.com
Iranian online bookstore

www.ketab.nl
فروش آن لاین کتاب

حراج ویژه به مناسبت:
۱۰ سال فعالیت انتشارات دنا

۱۰٪ تخفیف برای کلیه کتابهای چاپ داخل و خارج

۱۰ جلد کتاب از ۴۰ یورو برای فقط ۱۹ یورو (بسته هدایا)

۱۰ جلد کتاب از ۹۰ یورو برای فقط ۳۹ یورو (بسته هدایا)

۱۰ جلد کتاب از ۱۲۰ یورو برای فقط ۵۹ یورو (بسته هدایا)

بهای سه مجموعه فوق (۳۰ جلد کتاب) بطور یکجا: از ۲۵۰ یورو برای فقط ۹۹ یورو

نوار کاست: یک عدد: ۵/۴ یورو، پنج عدد: ۱۱ یورو، ۱۰ عدد: فقط ۱۹ یورو

سی دی: یک عدد: ۵/۴ یورو، پنج عدد: ۲۰ یورو، ۱۰ عدد فقط ۴۹ یورو

دی وی دی: یک عدد: ۵/۴ یورو، پنج عدد: ۳۰ یورو، ۱۰ عدد فقط ۴۹ یورو

مرکز نشر دنا
DENA PUBLISHING CENTER
OOSTZEEDLJK 362, 3063 CD ROTTERDAM
TEL: (+31)-010-4141050, FAX: (+31)-010-4141088
e-mail: info@ketab.nl, dena@planet.nl

قیمتهای استثنایی فوق تا ۳۱ آگوست ۲۰۰۶

www.denabooks.com
Iranian online bookstore

www.ketab.nl
فروش آن لاین کتاب

شرکت بازرگانی کیمیا

مرکز تهیه و پخش انواع مواد غذایی ایرانی

نماینده فروش محصولات یک و یک، خانم خانما

و مهیار در هلند.

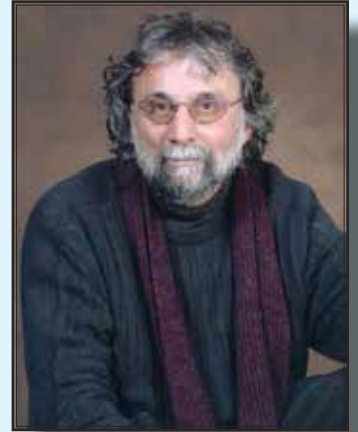
انواع شیرینی تازه، بستنی و فالوده و انواع

برجهای باسماتی درجه یک

Tel: (0031)06- 15067970

E-mail: groothanelkimia@planet.nl

گزارشی دگر گونه از اهداء جايزه قلم طلايی به گنجی قهرمان در دورانی طلايی!



بصیر نصیبی

تخفیف آزاد شد. حالا ایشان هم در این جلسه علنی ضد دولتی! افتخار حضور دارد پیام شجاعانه! مسعود بهنود در تبعید! را با چه هیجانی میخواند.

گفت: مسعود خان که خودش هم می گوید محافظه کار بوده وخواهد بود در رژیم گذشته هم فعال بود در حکومت آخوندها هم خودش را خوب حفظ کرد اما چند ماهی هم در زندان عاقبت ساز بسر برد وبعدها اینکه از زندان بیرون آمد البته ممنوع الخروج شد اما جلوی چشم مامورین که انگار به خواب مصلحتی فرورفته بودند از دارالخلافه گریخت و سفر های زنجیره ای اش را برای حفظ وتداوم حکومتی که متواریش کرده بود. همراه با شمس الواعظین آغاز کردو همزمان با خروجش از جمهوری اسلامی دستور جلبش



هم صادر شد وی در واکنش به این حکم گفت به قوانین احترام می گذارد وبرمی گردد وما را خیلی غصه دار کرد. اما خوشبختانه بعدا ترجیح داد تا اطلاع ثانوی به بخشی از قوانین جمهوری اسلامی که خودش را نشانه می گیرد احترام نگذارد وایشان با چنین موقعیتی برای جلسه رسمی وعلنی ضد دولت طالبانی! پیام میفرستد. پیامش با چه ستایشی قرائت ودر مطبوعات دوران طالبان هم نقل می شود.

گفتم: قضیه از یک طرف دیگه هم جالبه:ایا این جناب گنجی نمیدونه که اعضاء محترم انجمن صنفی چند قسم که بیشتر نیستند ؟ یا اونایی هستن که اول

وآمد هنرمندان بار دیگر برقرار می شود وهوشنگ توزیع بازیگری با سابقه ضد انقلابی! عیان اولین مسافریست که برقراری رابطه با دولت طالبانی را نوید می دهد . خاتم ژولیت بینوش بازیگر فیلم پیانو که در دوران اصلاحات اگر پایش به فرودگاه می رسید به سرنوشتی بد تر از زهرا کاظمی دچار می شد برای حضور ر سر صحنه فیلم کیارستمی با سرو وضع غیر اسلامی وارد تهران می شود همراه کارگردان جهانیشان به سفر اصفهان میرودوبدون هیچ عارضه ای به دیار کفر برمی گردد -البته دولت احمدی نژاد به مانند دولت خاتمی میگردد.می بندد. شکنجه میدهد. اعدام می کند- امام زهون حفظش کنه که به گردن دارودسته دیگر نمی اندازد. گفتم: توی همین جلسه نشست



مطبوعاتی ها چند تا اتفاق با تک دیگه هم می یفته. یکش اینه که از دو شخصیت همپراز جهانی کوفی عنان ومسعود بهنود پیام خوانده می شود: پیام مسعود بهنود را آغا جری میخواند .یادتون هست این روحانی نازنین چند ماه وسیله سرگرمی اپوزیسیون بود .می گفتند.که اوهم در برابر اجحاف های حکومت مقاومت میکند. البته ایشان مثل قهرمان خودمان منکر رهبر فرزانه نمی شد .جمهوری خواه هم نشده بود حتا دایم می گفت من مسلمانم.اینها می گفتند: نه کافر شدی هنوز خودت نمی دونی - تا پای چوبه دار هم هم رفت اما دیدیم همین آقای اعدامی خوشبختانه با صد درجه

فاشیستی. حاکم میشه پس چطوره هنوز در دوران تسلط دولت فاشیستی .طالبانی درانجمن صنفی دوران شور انگیز اصلاحات تخته نشده؟

گفتم: بله خوب اتفاقا حضور همین آقای گنجی قهرمان خودمون در این انجمن جای سؤال داره- وقتی به گفته صریح آقایان کربوبی.معین.سروش و... دولت فاشیستی حاکم شده خوب رهبریمیشود معادل هیتلر واحمدی نژاد هم پادوبیش. پس وزیر ارشادش هم می شود گوبلز. آقای گنجی قهرمان - با شجاعت تمام گفته اند هیتلر (خامنه ای) باید برود. اما چطور می شود انجمنی که با اجازه گوبلز (ضفار هرندي) فعالیت علنی می کند. به چنین قهرمانی قلم طلايی می دهد وخوشبختانه آب هم از آب تکان نمیخورد وگشتابوها (پاسداران و...)هم کسی را جلب نمی کنند. (متوجه شدید؟آقای گوبلز اجازه میدهد که جلسه جلیل ازکسی که میگوید هیتلر باید گورش را گم کند برگذار شود!)

گفت:اگه موافقی برخی ازاتفاقات دوران طالبانی رژیم را هم مرور کنیم- بعد از اصلاح طلبان برون مرزی بپرسیم فرق دولت طالبانی احمدی نژاد با دولت مترقی واصلاح طلب خاتمی جان چیه؟ فستوال های هنری دوران اصلاحات با همان وسعت وعظمت! دشمن کورکن! برگذار میشه. آقای رئیس جمهور ولایتی فرمان آزادی ورود دختران به ورزشگاهها را صادر می فرمایند) ایشان هم مثل آقای خاتمی برای کسب موقعیت فرامینی میدهد تا بخش های دیگر رژیم ونهایت مقام معظم رهبری مخالفت نکنند. اجازه ورود دختران به ورزشگاه ها از آن دست فرامین است (تیم فوتبال زنان جمهوری اسلامی تشکیل می شود وبا تیم فوتبال دختران آلمانی مسابقه می دهد ودختران فوتبالیست آلمانی به شکل وشمایل فوتبالیست های جمهوری اسلامی در می آیند: تا به مقررات دولت طالبانی. امنیتی فاشیستی احترام بگذارند. رفت

گفت :انجمن صنفی روزنامه نگاران یعنی چی؟

گفتم: مگه معنی شو نمیدونی؟خوب یعنی یک چیزی مثل سندیکا که از حقوق صنفی اعضای خودش دفاع میکنه اماچون آخوندها به واژه سندیکا حساس هستند اسمشو گذاشتن انجمن صنفی.

گفت: پس همه نویسندگان مطبوعات میتونن عضوش بشن؟ یا فقط دارو دسته خاتمی جون این افتخار رو پیدا میکنن؟

گفتم: والا هیچ جایی به شبهه عضو گیری اشاره ای نشده- قاعدتا باید هر نو یسنده که نوی مطبوعات حکومتی قلم میزنه اینجا هم عضو بشه -حالا سر سردبیر ومدير مسئول روزنامه اش توی بساط هرکدوم از باندها که بند باشه. اما انگار فقط اونا که دور باند ورشکسته خاتمی حلقه زده اند اجازه عضویت دارند. چون لیستی که بی بی سی فارسی(بنگاه سخن پراکنی جمهوری اسلامی شعبه لندن) از مدعوین ارایه داده فقط چهره این برجستگان! را اعلام می کند.

گفتم: اما روزنامه های اصلاح طلب که در دوران کیاست خودآقای خاتمی تعطیل شدند پس وجود ندارن که انجمن بخوان واگر روزنامه داران سابق دور هم جمع بشن .میشود اعضای سابق انجمن سابق روزنامه نگاران سابق . اما اینها انگار دستشون توی مطبوعات حاضر هم بنده ؟

گفت: آخه مگه همین دوم خردادی ها که میخواستن به قول نویسنده مخمل قلم آقای هاشمی رو بیارن. تهدید نمی کردند که اگه احمدی نژاد بیاد اندیشه طالبانی.امنیتی.

روز هر دست به یک سنگ نیاز دارد

مینا اسدی



- ادامه ی زمستانی ابدی -
می بافند
و می بافند

پیراهن رخ سالیان دریدری را.
از عشق
چیزی
با جهان نمانده است.

خمیده پشتانی می روند.
بسته آغوشانی
می گذرند.

اسبان نجیب ارا به هایی
در بارانند.
عبوس
و تلخ
و بی ستاره

زندگی نام می نهند
مرگ هر لحظه سخت جانی را.
نام دشتهای گسترده ی بارور را
می دانند.

و هرگز
کسی با آنان
از نبض تپنده ی عشق
سخن نمی گوید.

از عشق
چیزی با جهان
نمانده است.

شیوه ها بشود جان این جوان و این جوان ها و
جنبش حق طلبانه ی مردم ایران را نجات داد.
فقر... آوارگی... جنگ... کشتار... نابسامانی
جهان... فرودستی مردم و بالا دستی سرمایه.
محصول همین سازمان ها و نظارت هاست.
وضع موجود را همین واسطه ها ابدی کرده اند.
«فیض» که سر بر دست. به میانه ی میدان
آمده است صد البته که بر احوال خویش
مخیر است و خود می داند که چه می کند
و چرا می کند.

نگاه «فیض مهدوی» به جهان و اندیشه اش
به هستی و آزادی. - نگاه من هم که نباشد -
به شجاعتش. بی باکی اش و ایستادگی اش در
برابر واپسگرا ترین حکومت تاریخ ارج می نهد
و هم از او و جوانان مبارز پای در بند دیگر
می آموزم که دیگر اعلامیه... بیانیه... فراخوان
و امضا کار ساز نیست.

امروز هر دست به یک سنگ نیاز دارد

از عشق چیزی با جهان نمانده است.
از عشق
چیزی با جهان
نمانده است.

جرقه ای می زند
اندک

و شعله ای
در پی نیست.

از عشق
چیزی با جهان
نمانده است.

آجا
در کورسوئی

از ستاره ای
زیر آسمانی دلنگ

زنانی ایستاده اند
بر ایوانهای تنهایی
با دستانی پژمرده

...من خطاب به این سازمان ها

نامه نمی نویسم....

امضا نمی کنم...

دوستان نازنینی که از حکم اعدام «فیض
مهدوی» به جوش و خروش آمده اند و برای نجات
جان این درخت جوان ایستاده - ناچار - به هر دری
سر می زنند. مسئولیتم را در قبال این مهم
یادآور شدند و مرا به خاطر نگذاشتن نام در
پای فراخوان های خطاب به مجامع حقوق بشر
مورد سرزنش قرار دادند.

از تجربه های سال های زندگی ام در تبعید.
آموختم که این سازمان ها که به غلط
سازمان های ملل نامیده می شوند از آغاز برای
این تشکیل شده اند که مدافع منافع دولت ها
باشند و سدی باشند در برابر سیل بنیان کن
مردمی که از ستم جنایتکاران حاکم بر
کشورشان. به جان آمده اند.

نمونه ای ندیده ام که مرا در نگاهم به این
سازمان ها. دچار تردید کند.
«سکوت» را برنگزیده ام اگر که به این مجامع
توهمی ندارم.

نه... من خطاب به این سازمان ها نامه
نمی نویسم.... امضا نمی کنم و ماده ها و
تبصره های قوانین شان را که بند بند آن با
دخالت سردمداران قدر قدرت نوشته شده
است به رسمیت نمی شناسم و برای جان
جوانی که از مرگ خویش برای آیندگان زندگی
می سازد. به این درهای شکسته. دخیل
نمی بندم. و از این سازمان های ریز و درشت که
سنگ بنای آن بر پایه ی مصالحه با دولت ها
گذاشته شده است. خواسته ای ندارم. و یقین
دارم که این مجامع به اصطلاح بشری به تنها
چیزی که نمی اندیشند. جان بشر و حقوق بشر
است.

من به شیوه ی کار شما اعتراضی ندارم اما این
راه. راه من نیست و گمان نمی کنم که با این

.....

به معین دخیل بستند بعد به
عبای کربوبی وصل شدن و در آجا
وقتی دیدن که این یکی هم مالی
نمی شه خودشونو چسبونند به
ریش رفسنجانی. بخشی از اونا
وقتی کار اون را هم زار دیدن به
احمدی نژاد جون وصل شدند. بدون
حتا یک استثنا- همشون مبلغین
همین شبه انتخابات اخیر بودند
که جناب گنجی خرمش کرد.
حضور استاد اندیشمند احسان
نراقی در این جلسه هر نوع شک
و شبهه ای. نسبت به ماهیت این

مطرح کردیم بیشتر به صورت
سؤال هست اما اپوزیسیون دوست
نداره این سؤال ها که ممکنه آدمو
نسبت به قدرت تشخیص و تمیز
خودشون بد بین کنه مطرح بشه.
اینه که راه راحتو انتخاب می کنن
کاری به سؤال های طرح شده ندا
رن. فقط چند تا ناسزا بار آدمای
فضولی مثل ما می کنن و خلاص.
گفت: پس تو منو اینجا آوردی تا
واسه خودت شریک جرم پیدا کنی
انگار حجم ناسزاگویی ها خیلی
زیاد شده بود- میخواستی با کسی
که خود در بافت این حکومت بوده
نمی داند که حاج آقا مقام برجسته
امنیتی بوده و دستش به خون
صدها مبارز آلوده است. حذف. ترور
در اثر اختلافات بانوی هم بخشی از
بافت سیستم های مافیایی است؟
گفتم: خوب چندتا ضد انقلاب
و ضد مردم مثل من و تو انقلاب دوم
خرداد آقای نوری زاده و شرکارو حزب
های پیرو مواضع ضد امپریالیستی
امام و ملی / مذهبی ها و جبهه
ملی ها رو هضم نکردند. البته
حرفهایی که ما توی این مباحثه

جلسه را بر طرف می کند. چطور
کسی که دست رد به سینه ولی
فقیه میزند در چنین جلسه ای
حضور میابد؟ چطور قلم طلایی
اش را از نعلین لیسان همان ولی
فقیه میگیرد؟
گفت: تازه جالبتر اینکه قهرمان
اسطوره ای ما حاج آقا حجابیان
ایدئولوگ رژیم را به خاطر اینکه
در راه پاسداری آزادی بیان ترور شده
است شایسته قلم طلایی می
داند.
یعنی این قهرمان متحول شده ما

می توان فهمید چرا؟



گفته ترکمادا عامل همه این بی رحمی ها و کشتار و در آتش سوزاندن در زمان مرگ این بود که :

خداوندا شاهد باش که من رسالتی را که از جانب تو بعهدہ داشتم به بهترین وجه انجام دادم

ماجرای کاتارها که یکی از پاک ترین فرقه های مسیحی بودند ولی به فرمان کلیسا با وحشیانه ترین طرزی در جریان یک جنگ صلیبی در جنوب فرانسه تا آخرین نفر نابود شدند تا قانون عدل الهی حکمفرما گردد یکی دیگر از همین جلوه های زشت و خونبار حکومت مذهبی در تاریخ بشریت است همچنانکه فاجعه معروف «سن بار قلمی» که طی آن تنها در عرض یک شب (۲۴ اوت ۱۵۷۲) سیزده هزار نفر اعم از مرد و زن پیر و جوان کودک و حتی زنان باردار در شهر پاریس به نام عیسی مسیح به دست مذهبپون بصورتی فجیع قطعه: قطعه شدند مظهری دیگر از آن است می گویند: از آنجائیکه ایران همیشه طعمه جهانخواران شرق و غرب بوده طبق شواهد گویای تاریخ نویسان و محققان و دانشمندان ایرانشناس برای یادآوری تاریخ گفتار و نوشته چند تن از آنان را مروری دوباره می نماییم. «هگل» در نوشته خود تمدن آریایی را سر آغاز تمدن واقعی جهان می نامد و می گوید زیرا در این تمدن فروغ آفریننده سراسر وجد و مادی و معنوی هر فردی را در بر می گیرد تا در آن زیباییها را از زشتیها و پاکی ها را از پلیدی ها مشخص کند «کنت دو گو پنو» در باره تاریخ ایران می گوید بررسی عمیق در تاریخ این ملت به من آموخته است که آنهایی که هوای تسلط بر این سرزمین را در سر می

جهان بینی است در فرهنگ آریایی ایران کینه دشمنی دروغ نفرت تعصب جهل بد اندیشی همه و همه از مظاهر و تجلیات اهریمن است حکومت آخوند در انواع حکومتهای گوناگون و متعدد تاریخ جهان همواره زشت ترین و بد ترین حکومت بوده است زیرا حکومتی است که به خاطر حفظ و اقتدار مادی خود خداوند را مستمسک قرار می دهند و به نام او برای خویش اختیار مطلق و بر مردم قتل و حبس و زجر و شکنجه و مصادره و شلاق و سنگ قائل میشود زیرا قوانین و مقررات غالباً سخیف برای آنها جنبه ای ابدی و تغییر ناپذیر داشته است و اگر دانشمندی جرات کرده است که بگوید که کره زمین کائنات نیست یا زمین ساکن نیست و به دور خود می گردد او را به اتهام کفر و زندق در آتش می سوزانند. دوران جاهلیت اسلام عربی و دوران جهالت قرون وسطایی و چاه های متعفن امام غایب و امام زمان برای همیشه پایان یافته است و جمهوری اسلامی که در صدد آزمایشی نامعقول در جهت خلاف این واقعیت بر آمده می تواند چرخ تمدن ایرانی را به عقب برگرداند و مطمئناً فقط خودش در زیر آن خورده خواهد شد زمانیکه استادان آرموده دانشگاه ها به عنوان پاکسازی از طرف آن ستاد کذابی و ابلیس اندیشان اسلامی کنار گذاشته می شوند و دانشجویان با چماق از کلاس های درس به بیمارستانها و قبرستان فرستاده میشوند وقتی که مدیران موسسات اقتصادی یکی پس از دیگری دست از کار خود بر می دارند هنگامیکه تنها در مدت یکسال بالغ بر دو میلیون ایرانی کاردان و وطنپرست کشور را ترک می گویند آسان است که بگویند به جهنم که این مغزها فرار می کنند (گفته روح الله خمینی) انگیزیسین (دیوان تفتیش عقاید) معروف که یکی از ننگین ترین ماجراهای تاریخ بشری است و بیش از شش قرن عالم مسیحیت را اسیر وحشت و ترور کرد رسماً به نام استقرار مطلق قانون عدل الهی به وجود آمد ولی در عمل وظیفه آن تداوم حکومت مطلقه روحانیت کاتولیک بر جامعه مسیحی بود در آن دوران به بهانه اینکه تنها قانون واجب الرعايه قوانین تغییر ناپذیر آسمانی است که توسط عیسی مسیح به نوع بشر ابلاغ شده است به نام عیسی مسیح هزاران نفر را زنده : زنده در آتش سوزاندند یا شقه کردند یا در زیر شکنجه کشتند . ترکمادا فقیه اعظم اسپانیا که مقتدر ترین شخصیت تاریخ انگیزیسین بود و خود را نماینده و جانشین عیسی مسیح برای تنفیذ قوانین لا تغییر الهی می دانست کشور اسپانیا را به صورت زندان وحشتناکی در آورد که در آن صدای مخالفی خفه میشد . آخرین

حرف تازه

از: فرخ فروزین

هر فرزند ایرانی در عین همه بدبختی های خود این قدر به کشور لم یزرع خویش مغرور است . گفته اند و

می گویند انقلاب مردم ایران مسلماً انقلابی نبود که بخواهد چنین شیوه و اندیشه و چنین روش زندگی را در ایران حکمفرما سازد. انقلابی برای نابودی هویت ملی و انهدام فرهنگی کشور نبود انقلابی برای بازگرداندن جامعه ایرانی بدوران قرون وسطایی نیز نبود زیرا اصولاً هیچ انقلابی در تاریخ به منظور بازگشت به عقب صورت نگرفته است اگر هزاران دختر دانشجو و زن روشنفکر ایرانی در جریان شورش ۵۷ چادرهای سیاه بر سر کردند این چادرها را در آرزوی بازگشت به دوران زنده به گوری مادر بزرگان خود بر سر نکردند اگر هزاران پسر دانشجو و دانش آموز به خیابانها رفتند برای آن نرفتند که به فاصله کمتر از یک سال همه دانشگاهها به دست چماقداران و کور اندیشان اسلامی تعطیل شود زیرا اشکال اساسی در بطن خود اسلام نهفته است در جلوه های ناهنجار تعصب و خشونت در جلالت دائمی کینه و انتقام در دشمنی با آزادی اندیشه در خود پرستی افراطی در طرز کار دادگاه های اسلامی و عدالت سفاکانه آنها در تکرار روزانه ماجرای ضحاک مار دوش از جانب اعظم شرع در چماق تکفیری که پیایی برای سرکوبی مخالفان بلند میشود در تخطئه کلیه آثار ذوق و هنر. در بازگشت شتاب آمیز جامعه ای متعبد به دوران قرون وسطایی در ارجاع سیاهی که بر تمام شئون اجتماعی و فرهنگی ما مسلط میشود و در خرافاتی که بعنوان قوانین تغییر ناپذیر خداوند اسلام بر مردمی از قرون بیستم خمیل می گردد واقعیات انکار ناپذیر تاریخ به خلاف منطق شیون و عزا به طور قاطع حکم می کند که تمدن و فرهنگ ایرانی از بنیاد فرهنگ و تمدنی آریایی بوده است و هست و خواهد بود و این خصیصه آریایی همواره خمیر مایه جلالت فکری و فلسفی و هنری و اجتماعی ملت ایران چه در دوران قبل از اسلام و چه در عصر اسلامی آن بوده است فرهنگ آریایی ایران چنان به موجودیت و هویت ذاتی این ملت در آمیخته است که از آن جدایی نیست و این فرهنگ ایجاب می کند که آئین : آئین معنویت و محبت باشد فرهنگ آریایی فرهنگ تکامل است و نه فرهنگ خجر و قشریت فرهنگ محدود حجره و حدیث نیست فرهنگ وسیع

آغاز عمیقاً جنبه ای انسانی داشته و پيامی در حد اعلاى شکوه و زیبایی همراه آورده است چه در آئين کشور داری شاهنشاهی ایران و چه در زمینه های گوناگون اندیشه و دانش و ادب و هنر و عرفان ایرانی است . «درنه گر» می گوید ایران مشعلی است که در سپیده دم تاریخ در فلات ایران افروخته شده که دیگر خاموش نشده است و در پرتو این تا بندگی مداوم ایران توانسته است تمدن انسانی ژرفی را بیافریند که هیچگاه در اصالت آن خللی راه نیافته است در زمینه حکومت ایرانیان شاهنشاهی خود را که نخستین حکومت آرایي تاریخ جهان و در عین حال اولین امپراطوری جهان تاریخ بود بر همین اصول عدالت و بشر دوستی بنیاد نهادند که مظهر عالی آن اعلامیه معروف کوروش است . «سر پرسی سایگس» سیاستمدار انگلستان استعماری قرن گذشته با اندکی خشم و با بسیاری شگفتی مطرح کرده بود که نمی توان فهمید چرا؟ هر فرزند ایرانی در عین همه بدبختی ها و فلاکت های خود این قدر به کشور لم یزرع خویش مغرور است . «هر دوت مورخ یونانی» می نویسند ایرانیان در نیایش به درگاه پروردگار هرگز برای خود چیزی نمی خواهد بلکه فقط خیر شاه و استواری شاهنشاهی را می خواهند که خود را جزئی از آن می شمارند و تا به امروز این سنت استوار تغییری نیافته است . ننگ بر کسانی که طالب

پروراند تلاش بیهوده می کنند زیرا دیر یا زود همه آنان از میان می روند و ایران همچنان پای بر جا می ماند ممکن است با نیروی زور دست به جزیه آن بزنند چنان که بارها زده اند و ممکن است حتی اسم آن را از آن بگیرند چنانکه بارها گرفته اند اما پیروزی نهایی همیشه با ایران بوده است و همیشه نیز خواهد بود من هر وقت که به این ملت عجیب می اندیشم سنگ خاراى را به نظر می آورم که سیلاب ها و طوفان ها را از سر می گذرانند و باز سنگ خارا می ماند.

«آرترا پهام پوپ» که میشود گفت همه عمر خود را صرف پژوهش در باره فرهنگ ایران کرده می نویسد اگر واحد مقیاس را زندگی تاریخی ایران منظور داریم در این صورت شکوه یونان جز واقعه ای افتخار آمیز ولی کوتاه عظمت رم جز پرده ای از نمایشنامه جهانی تاریخ نیست اما نیرومندی و جاودانگی ملیت ایرانی آدمی را در صحنه تاریخ مبهوت می کند نه تنها تاریخ آسیا بلکه تاریخ جهان نیز . واقعیتی که در این تاریخ نهفته است به طور روشن این است که ایران فنا ناپذیر است و گویی تقدیر چنین خواسته است که سرنوشت ایران تا به پایان سرنوشت بشریت همگام باشد... «پروفسور پوپ» چنین می گوید جلوه دیگری از ارزشهای جاودانه اصالت و تمدن فرهنگی است که قوم ایرانی هم بنیانگذار و هم نگهبان تاریخی آن بوده است این فرهنگی است که از

قابل توجه ایرانیان و فارسی زبانان عزیز مقیم شمال لندن

جشن تابستانی مدرسه البرز

Tel :

020 84555314

07958962218

Address:

**Hendon School, Golders Rise
London NW4 2HP**

فرصتی برای دور هم بودن
همراه با موزیک و رقص ایرانی مسابقات مختلف ورزشی سرگرمی های گوناگون جهت کودکان و بزرگسالان
ضمناً در محل جشن غذا دسر و شیرینی های ایرانی بفروش می رسد

تاریخ شنبه ۸ جولای ۲۰۰۶

زمان ساعت ۱۶-۱۳

حضور شما موجب دلگرمی کودکان و خشنودی کارکنان مدرسه خواهد شد

سوپر مارکت زمان

بازارچه ای در قلب کنزینگتون

آجیل، تازه ترین سبزیجات و میوه های ایرانی

**ویدیو کلاب بهترین کاست ،سی دی و ویدیوهای
ایرانی را با تخفیف ویژه در اختیار شما قرار می دهد.**

Tel: 020 7603 8909

347Kensington High St. W8

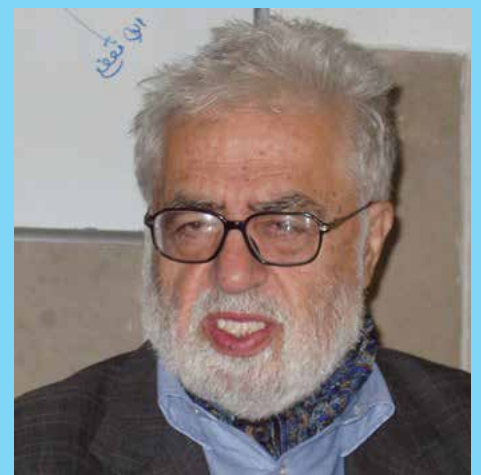


مقاله احسان نراقی و پاسخ اسماعیل نوری علا



با انعکاس عقاید و نظریات افرادی که در جامعه شناخته شده و سرشناس هستند در تربیونی آزاد و مستقل تراوشات افکار این افراد کمک کرد خوانندگان عمومی مجله رنگارنگ آشنایی بیشتری از این صاحب قلم مان داشته باشند صد البته معروفیت و شهرت این افراد دلیلی بر حقانیت صداقت و پاکی و سلامت اخلاقی این افراد نیست زیرا هر یک از این جهره های مطرح کارنامه ای دارند که طول سالیان متمادی شکل گرفته است که مسلماً بررسی و ارزیابی کلی آن نیاز به زمانی مناسب و شرایطی انقلابی دارد که هر مرحله و پروسه زندگی اجتماعی سیاسی فرهنگی این افراد گشوده شود تفاوت دغل کاران و بوقلمون صفتان هر جایی با معتقدین به اهداف انسانی ایرانی معلوم گردد. آنچه در تربیون آزاد در برابر شماست چون همیشه انعکاس ۲ دیدگاه و نظریه و نگاه که برداشت آن بعهده شماست که رنگها و نیرنگ ها را تشخیص دهید.

مقاله احسان نراقی



فرصتی که غیر خودی ها ایجاد کردند

الآن در کل ایالات آمریکا نهضت ضد جنگ به شدت در حال فعالیت است. امروز می‌طلبید که دیپلماسی ما با دقت و ظرافت موقعیت سیاسی - اجتماعی فعلی آمریکا را مورد بررسی و شناسایی قرار دهد. لابی ایرانیان امروز برای دیپلماسی ما یک فرصت استثنایی است و نظام می‌تواند روی آن حساب باز کند من اخیراً به

توجه به علاقه‌ام به کنکاش و پژوهش در امور اجتماعی و همین‌طور به دلیل داشتن عرق ملی. در صدد برآمدم تا بازخورد و انعکاس طرح موضوع حمله احتمالی آمریکا به ایران را در میان ایرانیان خارج از کشور مورد مذاقه و بررسی قرار دهم. من این کار پژوهشی را از طریق مراجعه به سایت‌های مختلف اینترنتی، رسانه‌های مکتوب خارجی و گفتگو با دوستان عزیزم در خارج از ایران انجام دادم. نتیجه بررسی‌هایم این شد که الان بدون مبالغه می‌توانم اعلام کنم بیش از ۹۰ درصد ایرانیان مقیم آمریکا با هرگونه حمله از جانب آمریکا به ایران به شدت مخالفند.

یکی از محققین ساکن آمریکا به من گفت: «شاید عجیب باشد که به شما بگویم حتی آن دسته از افرادی که به دلیل شرایط خاص اوایل انقلاب نتوانستند با اوضاع داخلی کنار بیایند و یا طی سال‌های گذشته از فرط عصبانیت ایران را ترک کرده‌اند امروز در قبال تهدیدات آمریکا برآشفته و موضع گرفته‌اند.» این محقق توضیح داد: «وضعیت یاد شده، در مورد ایرانیان نسل دومی هم که منتقد خیلی از امور ایران هستند هم شدیدتر وجود دارد به طوری که اخیراً تبلیغات وسیعی را علیه شخص جورج بوش به راه انداخته‌اند و برای دفاع از سرزمین خود اعلام آمادگی کرده‌اند.» گفته شده این مخالفت‌ها در برخی ایالات متحده به قدری گسترده و دامنه‌دار است که بر روی شهروندان آمریکایی نیز تأثیری را بر جای گذاشته به گونه‌ای که آنها را نیز به طور جدی به موضع‌گیری در قبال سیاست‌های جنگ‌طلبانه جمهوری خواهان کشانده است.

البته وقوع این گونه مسایل در سرزمین آمریکا مسبوق به سابقه و کاملاً عادی است. زیرا این کشور از اقوام مختلفی تشکیل شده که همگی آنها نسبت به ملیت، حمیت و هویت خود حساسیت خاصی دارند. در جامعه آمریکا اظهار وجود یک ایرانی - یا هر ملیت دیگری - برای یک شهروند آمریکایی کاملاً مقبول و پذیرفته شده و به عبارتی یک سنت است. اما در اروپا بروز چنین رفتاری کاملاً ناپسند تلقی می‌شود. به همین خاطر به خودشان حق می‌دهند که در مقابل این گونه اقدامات ایستادگی کنند. من خبر دقیق دارم که یک نویسنده ایرانی به نام آقای میلانی مستقیماً به اطلاع جورج بوش رسانده که فکر حمله به ایران را از کله‌اش خارج کند. الان ایرانی‌ها مدام و با شیوه‌های گوناگون به کاخ سفید پیام‌های هشدار دهنده و شدیدالحن می‌فرستند.

همه این‌ها نشان دهنده این است که حس وطن‌پرستی ایرانی‌ها بسیار قوی است. یک فعال سیاسی در آمریکا در تماسی تلفنی به من

گفت که ما از اوایل انقلاب بارها سعی کردیم که ایرانی‌های ساکن آمریکا را حول شعارهای مختلف از جمله مصدق، آزادی بیان و دموکراسی گرد هم آوریم اما این تلاش‌ها همیشه بدون پاسخ ماند و یا در نیمه راه شکست خورد. اما حالا موضوع حمله احتمالی آمریکا باعث شده که ایرانیان به طور خودجوش به یکدیگر نزدیک و یک صدا شوند. به اعتقاد من الان ایرانی‌ها در آمریکا صاحب یک لابی قوی شده‌اند به طوری که می‌تواند در هر امری به ایرانیان کمک کند. این لابی امروز می‌تواند در هر امری به ایران کمک کند. این لابی امروز می‌تواند روند رو به نگرانی موجود را تحت تأثیر قرار داده و موقعیت تخصص را به وضعیت گفتگو درآورد. پیش از این‌ها اتباع ایرلند، لهستان، ارامنه و برخی ملیت‌های دیگر با راه‌اندازی چنین لابی‌هایی فرصت‌های ارزنده‌ای را برای استقلال و آزادی سرزمین‌شان ایجاد کرده و از آن سود جستند.

الآن در کل ایالات آمریکا نهضت ضد جنگ به شدت در حال فعالیت است. امروز می‌طلبید که دیپلماسی ما با دقت و ظرافت موقعیت سیاسی - اجتماعی فعلی آمریکا را مورد بررسی و شناسایی قرار دهد. لابی ایرانیان امروز برای دیپلماسی ما یک فرصت استثنایی است و نظام می‌تواند روی آن حساب باز کند. نظام جمهوری اسلامی ایران و دستگاه دیپلماسی ما امروز باید به ایرانیان ساکن در آمریکا به عنوان خودی نگاه کند. امروز خودی کسی است که با این حمله مخالف است. ایرانیان مقیم آمریکا صراحتاً اعلام کرده‌اند که ما اصلاحاتی را که آمریکایی‌ها می‌خواهند به کشورمان ببرند، نمی‌خواهیم. جالب است بدانید دو هفته گذشته وقتی جورج بوش به منظور سخنرانی برای تبلیغات انتخابات میان دوره‌ای مجلس به کالیفرنیا رفته بود، برنامه خود را به علت اعتراض شدید ایرانیان لغو کرد و به کاخ سفید بازگشت.

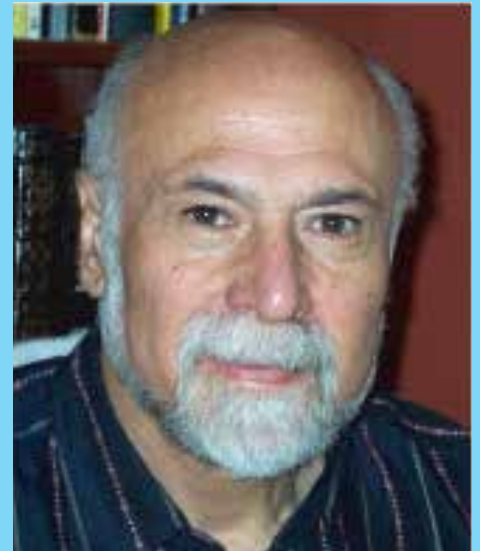
نتیجه آنکه: گاهی اوقات بروز برخی موضوعات در یک جامعه علی‌رغم ماهیت خشن و زشت آنها می‌تواند بستر ساز موقعیتی شوند که اتحاد و بالندگی و تقویت منافع ملی را به دنبال داشته باشد. البته این‌ها فرصت‌هایی هستند که باید شناسایی شوند و با درایت و دور اندیشی و وسعت نظر از آنها به نفع صلح و آزادی و دموکراسی در جامعه بهره برد.

پاسخ اسماعیل نوری علا

آقای نراقی! همین که خودتان

«خودی» شده اید پس نیست؟

آقای احسان نراقی بر من سمت استادی دارد؛ یعنی من هم. در سال‌های جوانی و دانشجویی، در موسسه تحقیقات اجتماعی که ایشان رئیس



آن بودند. در سر کلاس های ایشان حاضر شده و از درسشان فیض برده ام؛ و از آنجا که در فرهنگ ما احترام به استاد یک واجب غیرکفائی است هر کجا بوده ام سعی کرده ام - با همه خشنمی که اغلب سخنان ایشان ایجاد می کند - کاری به کارشان نداشته باشم. اما این هفته می بینم که ایشان واقعا شورش را در خدمت گذاری به حکومت (های) دیکتاتوری مسلط بر وطنمان در آورده و. با خروج از گلیم خود. همه ما آوارگانی را که بخاطر بدکاری های حکومت ولایت فقیه از وطنمان به دور افتاده ایم یکجا. مثل گوشت دم توپ. به شرم آورترین دولت تاریخ ایران فروخته اند.

صحبت از حمله آمریکا به ایران است که منظره ای شوم را در برابر ما می نشاند و هر ایرانی میهن دوستی را به اضطراب و تلواسه می کشاند. چگونه می توان قطره ای خون ایرانی در رگ داشت و آمریکا را به حمله ایران. بمبارن شهر و کشتار مردمش تشویق کرد؟ چنین آدمی نه تنها ایرانی نیست که مسلما خون اسکندر گجسته و اعراب مهاجم به ایران و مغول های چنگیزی را در بدن دارد. این را سال هاست که همه ما با پوست و گوشت خود حس کرده ایم. و از کرامات شیخ ما عجب اینکه این نکته را آقای نراقی هم «اخیرا» کشف کرده اند. ایشان در مقاله ای که در اکثر پایگاه های اینترنتی منعکس شده. می نویسند: «من اخیرا به توجه به علاقه ام به کنکاش و پژوهش در امور اجتماعی و همینطور به دلیل داشتن عرق ملی. در صدد برآمدن تا بازخورد و انعکاس طرح موضوع حمله احتمالی آمریکا به ایران را در میان ایرانیان خارج از کشور مورد مذاقه و بررسی قرار دهم.» آنگاه. در پی این مذاقه و بررسی. و همراه با کشف وجود یک جمعیت مقتدر ایرانی در آمریکا. که از آن با عنوان «لابی» یاد می کنند. به چنین فکری رسیده اند: «به اعتقاد من الان ایرانی ها در آمریکا صاحب يك لابی قوي شده اند... این لابی امروز می تواند در هر امری به ایران کمک کند.»

تا اینجای قضیه می توان ایشان را - هر چند

که دیر به این نکته بدیهی پی برده اند - تشویق هم کرد. اما در قدم بعدی است که رفتار و گفتار ایشان انسان را مبهوت می کند. فکر می کنید که ایشان بفکر افتاده که با این «لابی» (به معنی ایرانیان مخالف جنگ و ساکن آمریکا) چه کنند؟ آیا به این نتیجه رسیده است که این «لابی» می تواند خیلی کارها برای میهن دردکشیده ما انجام دهد و راه را برای خلاص شدن از «شر الحناس» هموار کند؟ آیا قصد دارد به این «لابی» سفارش کند تا نیروی خود را در راستای جلوگیری از جنگ و کمک به پایان عمر رژیم آخوندی - یکجا - بکار برد؟

نه. خطاب ایشان اصلا با این «لابی» نیست. مگر تا بحال کسی دیده است که ایشان در موردی دلشان برای هموطنانشان بسوزد و آنها را مخاطب قرار دهد و با آنان به گفتگو بنشینند؟ نه! ایشان «مشاور حاکم وقت» دنیا آمده اند و گویا خیال دارند که با همین «تشریف شریف» هم از دنیا بروند.

نکته در این است که ایشان حتی به فکر دادن مشورت «عاقلانه» به زنجیر بریدگان حکومت اسلامی هم بر نمی آیند و لاف به آنها نصیحت نمی کنند که دست از رفتارها و گفتارهای سخیف خود برداشته و با حرکاتی عاقلانه به نفع ایرانیان و همه مردم دنیا از وضعیتی که پیش آمده تنش زدائی کنند. ایشان آقای احمدی نژاد را خطاب قرار نداده و به ایشان نمی گویند که نوشتن این نامه نابخردانه و پریشان در موقعیت فعلی جز تاکتیک «عسس بیبا مرا بگیر» که منجر به نابودی ایران می شود نتیجه دیگری نمی تواند داشته باشد. ایشان نمی گویند که آقایان اول به پرونده ضخیم خودتان در کشتار و جنایت و انهدام حقوق بشر و سلب آزادی و برقراری شکنجه نگاهی کنید و بعد سنگ بردارید و به دیگران بزنید. به آنها نمی گویند که هر یک از ایرادهائی که به عملکرد آمریکا گرفته اید اول دامنگیر خود شما می شود. نمی گویند که در نامه رئیس جمهور حکومت اسلامی حتی یک مورد نیست که خود این آقایان بدترش را - آن هم نه با دیگران که با مردم خودشان - انجام نداده باشند.

ایشان. در مقام همیشگی «مشاور حاکم وقت». این بار هم برای سرکردگان حکومت اسلامی است که مزده ای دارند. به این جملات توجه کنید: «امروز می طلبید که "دیپلماسی ما" با دقت و ظرافت موقعیت سیاسی - اجتماعی فعلی آمریکا را مورد بررسی و شناسایی قرار دهد. لابی ایرانیان امروز برای "دیپلماسی ما" يك فرصت استثنایی است و نظام می تواند روی آن حساب باز کند. نظام جمهوری اسلامی ایران و دستگاه دیپلماسی ما امروز باید به ایرانیان ساکن در آمریکا به عنوان خودی نگاه کند. امروز خودی کسی است که با این حمله مخالف است.»

می بینید که ایشان مکررا از «دیپلماسی

ما» سخن می گویند و آشکار است که این «ما» عبارت است از حاصل جمع خود ایشان با مقامات جمهوری اسلامی. حالا این طرف «ما» دارد به آن طرف «ما» می گوید که موقعیت از این طلایی تر نمی شود؛ مخالفین جنگ در آمریکا در اوضاع کنونی «متحد طبیعی» ما بشمار می روند و ما می توانیم فعلا آنها را «خودی» بدانیم و «روی آنها حساب باز کنیم.»

من وقتی این اندرزه های پدارنه را خواندم لحظه ای از خشمم نمی دانستم چه کنم. اما چند دقیقه بعد ملتفت شدم که اتفاقا این بار. بجای خشمگین شدن. باید از آقای احسان نراقی کمال تشکر را داشت که به این خوبی و فصاحت حالی ما ایرانیان ساکن آمریکا و مخالف با حمله آمریکا به ایران کرده است که. به هنگام بیان و اعلام مخالفت خود با یک چنین حمله خائنانه سوزی. بشدت مواظب این نکته ایشان هم باشیم و. برای خنثی کردن این روند «خودی شدن». با صدای رسا و واضح به جهانیان بگوئیم که ما جزو متحدان این رژیم تا مفرق آغشته به خون نیستیم و. در عین مخالفت جدی با حمله به کشورمان. خواستار یاری رسانی جهانیان به ملت ایران برای نجات از دست این حکومت استبدادی هستیم.

می خواهیم بگویم که اگر این اندرز آقای نراقی خطاب به دولتمردان حکومت اسلامی همان چیزی باشد که خود آنها هم آن را در محاسباتشان منظور داشته و. در نتیجه. در این درگیری من و شمای مخالف را هم جزو متحدان و خودی های خویش قلمداد کرده اند. ما باید از این شرم و بی آبرویی سر خود را به دیوار بکوبیم. من به «لابی» سازشکاران و متحدان جمهوری اسلامی که در سراسر آمریکا پخش اند کاری ندارم. آنها از اول هم جزو خودی ها و متحدان این رژیم بوده اند. کار من با آن ایرانیان شریفی است که سال هاست درد غربت را بخود هموار کرده و حاضر نشده اند از موضع مخالفت با حکومت اسلامی پائین بیایند. از آنهاست که می پرسیم: آیا ما. با توجه به نظرات آقای نراقی. برآستی و آگاهانه می خواهیم. با مخالفت حساب نشده و نامشروط مان با جنگ احتمالی. بصورت مهره های رژیم در آمده و این. بقول ایشان. «فرصت استثنائی» را در اختیار دیپلماسی حاکمان محبوب شان قرار دهیم؟ پاسخ من یکی منفی است با یک «نه» بزرگ.

از این پس من یکی هیچ نامه اعتراضی را که در آن تقاضائی خردمندانه برای کمک به مردم وطنم در پایان دادن به عمر رژیم وجود نداشته باشد امضاء نکرده و در هیچ تظاهراتی که. همپای اعتراض به جنگ. به افشای جنایات رژیم اسلامی نپردازد شرکت نخواهم کرد.

در واقع حق این است که «لابی» مقتدر «مورد نظر آقای نراقی بتواند این «فرصت استثنائی» را نه در اختیار رژیم که در اختیار ملت دردکشیده ایران قرار دهد و با دخالت منظم و حساب شده

خط ارتباط شما با مجله رنگارنگ



نقش زن ایرانی در جامعه خارج از کشور!

به عنوان یک زن ایرانی مقیم خارج از کشور به تمام هم وطنان و بخصوص خواهران خود سلام و درود عرض می کنم.

شخصا از لحظه ای که پایم را از کشور عزیزمان ایران بیرون گذاشتم موقعیتهای جالبی در برابرم قرار گرفته (تجربیات خوب و بد تلخ و شیرین) و هر چه این تجربیات مشکل تر و پیچیده تر می شوند لجاجت من هم بیشتر می شد آخه می دانید من همیشه به ایرانی بودن خودم افتخار کرده ام و می کنم و هرگز به کسی اجازه این را نداده ام که ایرانی بودن من را به عنوان نقطه ضعف ببیند حتما می پرسید چگونه؟ در موقعیت های مختلف دیده ام که مادران ایرانی در جمع خارجی با بچه های کوچک خود فارسی صحبت نمی کنند و ترجیح می دهند به زبان خارجی هر چند دست و پا شکسته صحبت بکنند ولی به زبان شیرین فارسی صحبت نکنند چرا؟ چرا از ایرانی بودن خود خجالت می کشیم؟ مگر ما از دیگران چه کم داریم؟ زبان فارسی شیرین ترین زبان هاست زنان ایرانی جزء با هوش ترین باوقار ترین و زیبا ترین زنان دنیا هستند دیگه چه بگوییم؟ همه گی می دانیم که مادر بودن یکی از مشکل ترین مسئولیتهای زن می باشد مخصوصا وقتی که خارج از محیط وطن و دور از خانواده و دوست و آشنا و محیطی که به آن خو گرفته اید و بزرگ شده ایم هستیم ولسی این را می دانید که ما می توانیم اصالت و فرهنگ شرقی خود را با تکنولوژی و آسایش زندگی غربی هماهنگ کرده و زندگی بهتری را برای خانواده (همسر و فرزندان) خود مهیا نمائیم. بدین طریق می توانیم یک قدم از زنان دیگر جلوتر باشیم این طور فکر نمی کنید؟ چه کار باید کرد؟ چه مشکلاتی در مقابل ما قرار دارند. اول از همه در هر کجای دنیا هستید به مادر بودن خود (ایرانی بودن) افتخار کنید حتما می گوئید چگونه؟ می دانه که بعضی از ایرانیها طوری در خارج از کشور رفتار می کنند که آدم از ایرانی بودن خود خجالت می کشد این روزها باکارهای جورج بوش امریکایی ها هم دارند خجالت می کشند از امریکایی بودن خودشان ولی این دلیل نمی شود هر کی مسئول رفتار و کردار خود می باشد و بس.

امیدوارم که سال نوی خوبی را شروع کرده باشید سال نوی باستانی تازه شروع شده سوالی داشتیم عقیده شما در مورد آداب و رسوم ایرانی در خارج از کشور چیست؟ ما باید چه طور رفتار بکنیم؟ صد در صد ایرانی یا صد در صد خارجی؟ (از دل برود هر آن چه از دیده برفت) (از این جا رانده و از آنجا مانده) آیا هرگز در باره هفت سین

از گردانندگان آن یاد می کند ولی دلیل اصلی نوشتن این نامه هم تذکری به شما بود و هم پندی به بعضی به ظاهر دوستان.

آقای سرابی در جمعی که گروهی دور هم جمع بودیم حرفها کشیده شد به مجله رنگارنگ و چند نفر در جمع از مجله رنگارنگ هواداری و تعریف می کردند ولی در کمال تعجب شخصی که مدعی بود با شما سابقه دوستی هم دارد با حالتی عصبانی و دغور از دوستانی که از مجله رنگارنگ تعریف می کردند گفت که: خوب معلوم است نشریه ای که پولش را از جایی خاص تامین می کند باید خوش آب و رنگ باشد او در برابر سوال یکی از دوستان که پرسید مثلا از کجا؟ ایشان با اطمینان گفت از مجاهدین! که این حرف دوست مشترک ما و شما باعث انبساط خاطر و خنده و مزاح دوستان شد چون دوست دیگری در جواب گفت بارک الله به مجاهدین که پول هم خرج می کنند مجله ای به این زیبایی عکس و مطالبی از خانواده پهلوی را چاپ کند و آنها هم خرجش را بدهند. دوست فرهیخته ای در جمع ما بود که گفت هزاران سال پیش کوروش پادشاه بزرگ ایران از خدا خواسته بود که این سرزمین را از شر حسادت در امان دارد ولی گویی پس از ۲۵۰۰ سال متأسفانه دعای او مستجاب نشده است خانم محترمی هم که در بحث حضور داشت به این آقا گفت بدبختی جامعه ما این است که هر کس به خود اجازه می دهد برای دیگران داوری کند و توجه نکند که هر انسانی به حد و اندازه درک و شعور خود می تواند مسائل گوناگون را درک کند و بسیار زشت و زننده است که ما ایرانیان فراری هم چون مزدوران وزارت اطلاعات رژیم برای دیگران پرونده سازی می کنیم تا بخواهیم حسادت ها و کمبودها و عقده های تلنبار شده خود را جبران نمائیم. دوستی دیگر هم افزود ما به خارج از کشور آمده ایم که تمرین دموکراسی و آزادی کنیم این طبیعی ترین حق هر انسانی است که به تفکر و بینش سیاسی که علاقه مند است پیوندد مجاهدین گروه های سیاسی وابسته به افکار چپ؛ جبهه ملی ها و سلطنت طلبان در و دیوار و درخت که نیستند همین ما ها هستیم که هر یک به سیستم و طیفی علاقه داریم و نه تنها اشکالی ندارد بلکه تنوع عقاید مطلق به جوامع آزاد و پیشرفته است ولی جالب است بسیاری از دوستان این مجله را سلطنت طلب می دانند دوست مشترک مان که از جو پیش آمده دغور شده بود با گلایه از ما که چه راحت دوستی چندین ساله مان را به خاطر یک مجله از راه رسیده زیر سوال برده ایم با همسرشان مهمانی را ترک کردند و با اینکار خود باعث شدند که به همه ثابت کنند که ناراحتی و دغوری ایشان از جایی دیگر است. آقای سرابی شما هم کمی در باره بعضی به ظاهر دوستانان محتاط تر باشید.

محسن تهرانی آمستردام هلند

آقای سرابی مدیر محترم مجله رنگارنگ

مجله رنگارنگ را چند شماره است که از کتابفروشی دنا در روتردام خریداری می کنم برای تملق و چاپلوسی این حرف را نمی گویم چون می دانه شما هر روز مخاطبان فراوانی دارید که از مجله شما تعریف و تمجید می کنند ولی واقعا مجله رنگارنگ گل سر سبد تمامی نشریات ایرانی است به چند دلیل که با ارزشترین آن پایبندی به اعتقادات ملی: میهنی شماست. تنوع مطالب و پر و پیمان بودن مجله که برای هر سلیقه ای مطالبی وجود دارد از دیگر امتیازات مجله رنگارنگ است و زیبایی و کیفیت عالی صفحات مجله نیز مزید بر علت شده است که من از طرف خودم: خانواده ام و گروهی از دوستان و آشنایان به شما و همکارانتان تبریک می گویم و از صمیم قلب خسته نباشید بگوییم واقعا دست مریزاد.

رویا طلوعی افنباخ آلمان

مجله رنگارنگ هر ماهه بعنوان مهمانی جدید به خانه ما می آید و دست به دست می گردد و جالب است که هر یک از اعضای خانواده ما که شوهرم و دو پسر و دخترم هستیم هر یک هر مطلبی را که می خواند برای بقیه هم تعریف می کند خانواده ما ۲۰ سال است در آلمان زندگی می کنیم و همیشه آرزو داشتیم نشریه ای در حد شان و اعتبار ما ایرانیان داشته باشیم و فقط نشریه تبلیغاتی نباشد که خوشبختانه رنگارنگ همان گمشده ما بوده چون همه نوع مطلبی را در خود جای داده است امیدوارم همیشه سلامت و موفق باشید.

سیامک انگلستان لندن

فقط می خواستم بگویم دمتان گرم. مجله رنگارنگ هر شماره بهتر از شماره گذشته منتشر میشود و با اینکه بعضی ها شیطننت هم می کنند و یواشکی حرفهایی می زنند که جو درست کنند که رنگارنگ با همه دعوا دارد ولی مردم هم سرشان تو کتاب است و به خوبی و روشنی می دانند آنهایی که شما یقه شان را می گیرید در عمل و تجربه چند ساله ثابت شده که همه شان پالانشان کج بوده و هست بخاطر همین تیز بینی و آگاهی حرفه ای تان باید گفت دم شما گرم.

کریم: س: فرانکفورت آلمان

جناب آقای سرابی مدیر مجله رنگارنگ

از چند ماه پیش که مجله رنگارنگ در مغازه های ایرانی دیده شد به خوبی معلوم بود با نشریات دیگر تفاوتی اساسی و آشکار دارد و تا امروز که چندین شماره این مجله در این شهر توزیع شده است نشان داد که خیلی جدی و مصمم دنبال این کار هستید و هر کس که این مجله را می بیند بدون تعارف با تحسین و احترام

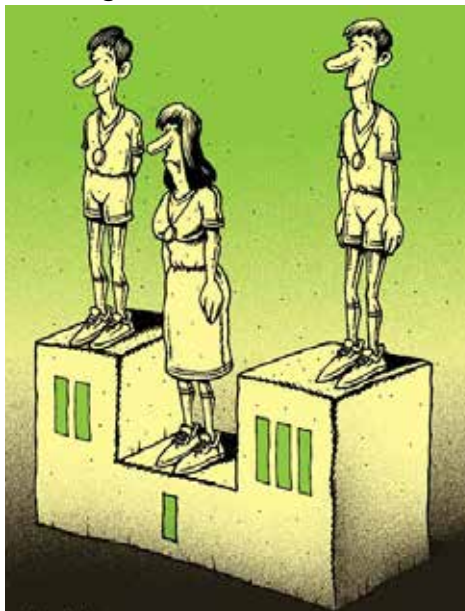
شدیدترین شکل تنبیه می شوند متأسفانه زنان ایرانی در خانه هایشان توسط همسرانشان به باد کتک گرفته میشوند و در اغلب اوقات تا سر حد مرگ پیش می روند و هیچ قانونی هم از آنها حمایت نمی کند در اغلب این موارد پاسخ زنانی که مورد این خشونت ها قرار گرفته اند فقط سکوت است و سکوت و سکوت..... و گاهی اشکی و حق هقی که نشان از درد تمام نشدنی این خشونت ها دارد اما به راستی چرا؟

چرا بسیاری از زنان در مقابل مردانی که جسم و روحشان را آزار می دهند سکوت می کنند؟ شاید یکی از دلایل این سکوت فرهنگی باشد که همواره زن خوب را زنی سر به زیر و مطیع و فرمانبر تعریف کرده اند که اگر زنی از این تعریف پا را فراتر نهد باید مجازات شود مطابق این فرهنگ اگر زن در محیط خانه مورد خشونت قرار بگیرد باید برای حفظ آبرو خانوادگی سکوت کند و خشونت مرد را به حساب خستگی او و فشار کار بیرون بگذارد و با سکوت و بزرگواری خود مرد خطا کار را شرمند کند که اغلب این شرمندگی و پشیمانی زمان طولانی را در بر نمی گیرد و بعد از گذشت مدت کوتاهی دوباره خشونت از سر گرفته میشود متأسفانه بسیاری از زنان نه تنها تسلیم این فرهنگ شده و در مقابل اعمال خشونت لب به شکایت باز نمی کنند بلکه گاه تحت تاثیر فرهنگ رایج در کشور به جای اینکه اعمال کننده خشونت را سرزنش کند خودشان را سرزنش می کنند و به دنبال خطایی می گردند که به خاطر آن مستحق این خشونت گشته اند. موقعیت فرودستی زنان و نبود حمایت اجتماعی از زنی که مورد خشونت قرار گرفته است دلیل دیگری است که زنان را مجبور به تحمل خشونت می کند در خشونت های خانگی زنان به دلیل وابستگی اقتصادی نبود حمایت مالی و عاطفی از طرف خانواده نداشتن جایی برای پناه بردن و از همه مهمتر به خاطر وجود بچه ها خشونت را تحمل می کنند و صدایشان را در گلو خفه می کنند چون در صورت اعتراض به این خشونت ها یا باید به خانواده شان پناه ببرند که خانواده های ایرانی در اغلب موارد توصیه به سوختن و ساختن می کنند و از دختران خود می خواهند که آن قدر به سکوت و صبوری ادامه دهند تا مرد سر به راه شود و یا باید به قانون پناه ببرند که متأسفانه در قوانین ما نیز موارد خاصی برای حمایت از زنان در برابر خشونت وضع نشده است و نهایت برخورد قانون با مردان گرفتن تعهد است که اغلب این تعهدات به دست فراموشی سپرده میشود و به دلیل خشم مرد از اعتراض و شکایت زن و سر به راه نبودنش پس از بازگشت به خانه اوضاع وخیم تر نیز می گردد این زنان به دلیل تکرار خشونت اعتماد به نفس خود را از دست داده اند و خود را ناتوان از تغییر شرایط موجود می بینند و لذا خشونت را به عنوان یک امر طبیعی می پذیرند و زندگی را با همان شرایط سخت قبول می کنند چرا که به آنها آموخته شده است که دنیای بعد از جدایی دنیای سیاهی و سختی است که از تحمل هر کس خارج است .

سوال این خواهد بود که در برابر این ظلم و ستم

حقوقی را که به آنها تعلق می گیرد و یا حقوقی را که در برابر دیگران دارند نمی شناسند بنابر این به علت نداشتن آگاهی و اطلاع آنچه را به آنها تعلق می گیرد مطالبه نمی کنند و به آن چه در برابر دیگران دارند ملزم نمی گردند.

فرهنگ حقوق بشر هرگز جزئی از زندگی ما و یا جزئی از عادات و فرهنگ ما در کلیه طبقات اجتماع نبوده است ما در گذران زندگی اجتماعی و سیاسی خود گرفتار یک حالت گذشت و تسلیم به واقعیت های امرار معاش هستیم و توجه ای به اینکه در این واقعیت ها چه تجاوزهایی به حقوق بشر صورت می گیرد و چه اهانت هایی به شخصیت انسان وارد میشود نداریم . برنامه ای که دانش آموزان در تمام دوران آموزش از طریق آن با حقوق خود آشنا شوند وجود ندارد و یا کارمند و کارگر نیز از کلیه حقوقی که رابطه متقابل او را با کارفرما تنظیم می کند اطلاع ندارد و یا در زندگی زناشویی هم زن و مرد بدون اطلاع از قوانین



نظام حقوقی که زندگی زناشویی را تنظیم می کند با هم زندگی می کنند در کشور ما ایران حقوق بشر یک طرفه مطرح شده است مثلاً برای جلوگیری از بی نظمی تاکید ها و توصیه های زیادی روی حقوق یک طرف و کم توجهی به حقوق طرف دیگر می شود مانند تاکید بر حقوق معلم بدون توجه به حقوق شاگردان و یا تاکید بر حقوق والدین و غافل شدن از حقوق فرزندان و یا بزرگ نمایی حقوق شوهر و از بین بردن حقوق همسر. این روش غلطی است که هرگز به توسعه حقوق بشر کمک نمی کند بلکه به تجاوز به حقوق بشر تشویق می ناید و خشونت را ترویج می دهد. یکی از بارز ترین تجاوزات : تجاوز به حقوق زنان در ایران است که خشونت علیه زنان در سراسر این کشور به وضوح دیده میشود و به طور معمول بیشترین خشونت در خانه بر زنان اعمال میشود هر روزه طبق آمار حاصل شده از هر سه زن در ایران دست کم یک زن در دوران زندگی اش کتک خورده تجاوز شده و یا از وی به لحاظ جنسی سوء استفاده شده است . خانواده اولین مکان آغاز خشونت بر علیه زنان است زنان در خانواده های ایرانی به بهانه های عدم رضایت ارزش ها و سر کشی و به بهانه حفظ آبرو به

طوری با دوستان خارجی خود صحبت کرده اند که همگی دهانشان آب بیافتد و از شما خواهش بکند که در عید با شما باشند و افتخار دیدن این مراسم را داشته باشند؟ یعنی اینکه از خدا می خواهند که عید را با شما جشن بگیرند ! آیا وقتی که مراسم سیزده بدر را انجام می دهیم خودمان لذت می بریم ؟ اگر ما نتوانیم از این مراسم اصیل باستانی خود لذت برده و ارزش واقعی آن را آن طور که باید و شاید به فرزندان خود نشان و انرژی مثبت به آنها منتقل نکنیم چگونه می توانیم از دوستان خارجی خود توقع داشته باشیم ؟ چگونه می توانیم خود را به جامعه ای که در آن زندگی می کنیم نزدیک تر کنیم ؟ اول از همه باید زبان آن کشور را که در آن زندگی می کنیم یاد بگیریم برای ایرانی ها زبان یاد گرفتن مشکل نیست در ذات ماست با فرزندان خود فارسی صحبت بکنید وقتی که ما به زبان و فرهنگ خود احترام بگذاریم خارجی ها هم خواهند گذاشت به دین طریق فرزندان ما حداقل به دو زبان صحبت می کند و به هر دو فرهنگ ایرانی و کشوری که در آن زندگی می کند آشنا می شوند به دین طریق مطمئناً از دوستان انگلیسی خود که فقط به زبان انگلیسی صحبت می کنند جلوتر هستند به دین طریق در محیط کالج و دانشگاه و حتی کاری هم شانس بهتری خواهند داشت . پس ما مادران ایرانی خارج از کشور باید خوشحال باشیم که شانس بهتری به فرزندان خود داده ایم شاید از من می پرسید که این آسان نیست می داند که آسان نیست به قول معروف (از تو حرکت از خدا هم برکت) و از همه مهمتر ما مادران ایرانی خارج از کشور وظیفه مهمی داریم باید دختران خود را که زنان ایرانی فردا هستند طوری تربیت کنیم که به ایرانی بودن خود افتخار بکنند و به ایرانی ها احترام بگذارند و بتوانند زبان شیرین فارسی را خوب صحبت کنند بدین طریق رابطه خود را با مادران و مادر بزرگ ها حفظ خواهند کرد و این زنجیر ادامه خواهد داشت برای شروع می توانیم با لالایی ها و قطعه های شیرین فارسی مادر بزرگ شروع کرده این طور فکر نمی کنید؟

سکوتی دردناک

دختر من سال دیگه میره دانشگاه ولی هنوز که هنوزه لالایی های فارسی یادشه و تکرارش می کنه و عکس العمل من چیه ؟ اشک شادی که توی چشمم حلقه می زنه !!

یک زن ایرانی ساکن برایتون هر انسانی باید مسئولیت خود را دفاع از حقوق بشر به عهده بگیرد چون این مهمترین مبارزه است . غریزه خود دوست داشتن در اعماق نهاد هر انسان وجود دارد و این باعث میشود که انسان از حقوق خود دفاع کند و مصالح خود را حفظ نماید پس انسان در این باره نیاز به دستورات و قوانین ندارد که او را وادار به این کار کند. اولین قدم در راه پیاده کردن حقوق بشر و دفاع از آن تعریف این حقوق و اشاعه فرهنگ آن است این به خاطر این است که بسیاری از مردم کشورها

Shocking or Shaking ?

کاظم ملک



به اینها.

ساده باز نیست (هرگز تابلوی من مشتعل عشق علیرضا کناس مشهیدیم چه کنم ؟ در دست دور بر گاراژهای عشق پرسه زده!) سابقه تروریستی و شکنجه گری دارد. بد دک و پوز است. بوی آن یکی را می دهد و از همه اینها مهمتر خیال دارد شکست هیتلر را در اثبات برتری نژاد آریا جبران کند! برای دومین بارست که آریا زاده ای قلابی دنیا را به چالش می خواند تا خودش را دراز ببیند و بر عقده ی کوتولگی مرهم بگذارد

گفتم این رژیم و نظام قهقهه‌ریایی آن ذاتا ماندگار نیست زیرا با طبع این روزگار نمی خواند.

مهدی قاسمی تفکر چی توده ای (سابق) ذاتا ماندگار نیست یعنی چه؟ با طبع کدام روزگار نمی خواند؟ چگونه خواهد رفت ؟ داوطلبانه؟ بسم الله القاصم القهقرائین! به اطلاع امت شریف و جان بر کف اسلام ناب محمدی می رسانیم که ما ذاتا ماندگار نبودیم و با طبع این روزگار نمی خواندیم پس رفتیم که رفتیم ! خیر آقا جان درست است که گفته اید گفتم این رژیم الخ ولی گفته تان سخت نامعقولست و پا در هوا!

من در مقام جوجه سیاسی ساده لوح هم بر ساده لوحیم معترفم و هم بر جوجه بودنم بفرمائید جیک : جیک : جیک جوجه شاخدار تاکنون دیده نشده پس هوس سر شاخ شدن با شما را ندارم. نخستین مقالاتتان را که دیدم و خواندم از فرط ساده لوحی فریب قلم سنگین و چهره متین سرکار را خوردم تا کم : کم ماهیت خود را آشکار ساختید و ناخواسته و ناآگاهانه برهوت ذهنتان را به نمایش گذاردید از خود باوری گفتید و به تکرار بدون آن که ماهیت آن «خود» را توضیح دهید

حکومت ملایان بر جا خواهد ماند مگر اینکه سرانجام قدرتهای بزرگ غربی از ماهیتش آگاهی یابند و بفهمند هیچ راه حلی جز دخالت نظامی در برابر خود ندارند.

پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و قرار گرفتن «عیران اسلام زده» در محور شرارت موجی از وطن پرستی دروغین مرداب تفکرات «توده ای» را به تلاطم انداخته که بیش از پیش رایحه عفن آن را به هر جا می پراکند جز بوی ناخوش تظاهر شعار ضد و نقیض گویی های آشکار و وسوسه ماله کشی بر گذشته ای ننگین و تمایل به ایفای مجدد نقش خاله خرسه از آن مرداب به مشام نمی رسد

گفتنی است که موجه ترین اعضا و هواداران آن حزب و شاخه های منشعب از آن را ساده لوحان کما بیش درس خوانده ای تشکیل می دادند که دوستی هایشان مشابه دوستی خاله خرسه بود.

کارشناسان غربی و شرقی اگر خود را گول بزنند یا واقعا ندانند در عیران چه می گذرد و قدرت واقعی در دست کیست بر آنان حرجی نیست «ما» که خود زادگان شرمگین آن آب و خاک آلوده به سرگین اعراب هستیم قاعدتا باید وقوفمان نسبت به عامل اصلی بیماری چهارده قرنی مان بیش از آنها باشد که هیئات نیست . حتی خمینی نیز می دانست در داخل روی کدام نیروها باید حساب کند تا بماند. اینکه روزی دست بسیجیان را می بوسد و دگر روز می گفت لاکن ایکاش منهم یک پاسدار بودم مع الاسف! برای این نبود که به ما لودگان سوژه طنزهای های خنک و هجویه پراکنی بدهد. پس از مرگ او هیچیک از ملایان دارای همان وزنه کاذبی نبود تا بتواند به اشاره ای میلیونها دستگاه گوارش متحرک را به دور خود جمع کند پس از آن انقلاب متقلبان و حتی در دوران حیات خمینی قدرت واقعی همواره در اختیار سپاه پاسداران بسیج و ساختارهای امنیتی رژیم بود ولی نوعی شرم حضور مانع از ابرازش می شد .

محمود احمدی نژاد رهبر اصلی است

خود را بیش از این فریب ندهیم گذشته های ساز زن ضربی و من مشتعل عشق نهنگعلی کناسم رویهم رفته چه کنم ؟ خامنه ای از وی آلت دستی ساخته در خدمت سپاه پاسداران و بسیجیان و نیروی های اطلاعاتی و امنیتی . فساد های اخلاقی و مالی خامنه ای و اطرافیانش آنچنان آشکارست که جایی برای محترم بودنش در نظر اکثریت افراد آن نیروها باقی نگذاشته .

در عوض محمود احمدی نژاد به همه محاسن محبوب آنان آراسته است و دست کم متظاهر

مصائب ناشی از جنگ را برایمان بر می شمرد گوئی جنگ ندیده هستیم و مشتاق ویران گشتن زادگاهمان! هر کس را که همانند امثال سرکار سالها و سالها در کنار سفره ی آماده ی کرملین لم نداده باشند متهم می سازید به خیز برداشتن به سوی سفره های آماده! و کار پریشان گویی را به آنجا می رسانید که از یک سو بر لزوم جنبیدن سریع اشاره می کنید ولی در همان نوشته ای را که حامل دلنگرانی هایتان است ماندن رژیم را ترجیح می دهید بر نابودی ایران! عجب! عجب! عجب! برای نخستین بارست در تاریخ جوامع بشری که ماندگاری یک مملکت گره خورده با رژیم حاکم بر آن آنهم از زبان و قلم یک «اپوزان»! درد واقعی شما را درک می کنیم به نقش هولناک حزب توده در فراهم آوردن اوضاعی که منجر به برقراری حکومت اسلامی گشت آگاه هستید می دانید که مقصرد و حالا که کار از کار گذشته به یاد عشق به وطن افتاده اید! غصه نخورید همدرد زیاد دارید و در این برهوت ربا و عشوه تنها شما نیستید که بر پا تاولها دارند از زیادی کجرویها. رژیم طالبان با جنگ رفت افغانستان ماند رژیم صدام همینطور هیتلر رفت آلمان ماند ژاپن به مقام شایسته اش رسید به برکت دو انفجار هسته ای که از خواب کابوس آسای خود گنده پنداری پراندش و چشمانش را به واقعیات جهان آشنا ساخت هیچ یک از آن رژیم ها با طبع روزگار نمی خواندند ولی اگر می ماندند روزگار را همسان و هم رنگ طبع خود می کردند.

این نگارنده بدون آنکه به عقده ی خود نخستین بینی مبتلا باشد به گمانش نخستین ناکسی بود که بدون واهمه از نزول تهمت ها نوشت تنها راه سرنگون ساختن حکومت ملایان دخالت نظامی کارآمد از سوی قدرت های جهانیست . سرکار مثالها می آورد از کشورها و شرایطی کاملا دور از هر گونه ارتباط با جامعه شیعی زده ی عیران. در آفریقای جنوبی آپارتاید یک دین و مذهب چهارده سده ای نبود در شیلی ژنرال پینوشه نیز مذهبی به قدرت نرسیده بود با ریشه ای به عمق چهارده قرن و باورمند به نیابت امام زمان می نویسید ما سرانجام باید بر این واقعیت بارها تجربه شده تسلیم شویم که نخستین و آخرین قدم در داروگری و غلبه بر این سرطان ایرانکشی با خود ماست . کاملا با سرکار موافقم . کاملا . شما راهش را بیان نمی کنید و در عوض به شعار پناه می برید (مانند آن خود باوری خام) ولی من تلاش می ورزم به توضیحش:

برای برانگیختن توده ها علیه رژیمی که اسلامیست و پیرو شیعیگری ناچار باید به آنان ثابت نمود اسلام واقعی چیز دیگریست



سراخام اینکه آقای رضا پهلوی وارث قانونی پادشاهی ایران حرکتی را آغاز نموده اند که آرزو دارم (و نه امید) به موفقیت انجامد امیدوار نیستم زیرا شرط نخستین موفقیت آن حرکت (با هدف دور ساختن سایه جنگ) برقراری اتحاد و همگامی است میان گرایشات گونه گون اپوزیسیون و اعلام و معرفی یک رهبری مقبول و معتبر.

متأسفانه شاهدیم که هنوز حرکت آغاز نشده فیل های بی دست و پا و خرطوم بریده به یاد هندوستان افتاده اند و به خود نمایی های مضحک دست یازیده اند به عنوان نمونه چریک های فدایی خلق ایران و سازمان سوزمانی مربوطه که بزرگداشت یک رفیق مادر را بهانه کرده اند تا بگویند ما هم هستیم ولی با هیچکس همراه نیستیم!

طبیعی است که در این اغتشاش ذهنی فراموش کنی جای چریک در کوه و جنگل و شهرهای وطن است و نه در میدان تروکادروی پاریس!!!!

راستی آقای مهدی قاسمی! پاسخ سرکار به فراخوان آقای رضا پهلوی چیست؟ سکوت؟ عارتان می آید ولو برای یک بار هم که شده شعار دادن و قیاس های مع الفارق من السارق سر دادن را کنار نهید و قدمی عملی و کوچک در راه تسکین دادن عقده های حقیقی خود

رژیم ملایان

افکار عمومی را آنچنان باز سازی نمایند تا اوضاع شوم عراق و افغانستان تکرار نگردد باید مردمان را قانع ساخت که حمله نظامی امریکا آنان را هدف نگرفته باید فهماندشان که جورج بوش شاهزاده ای نشسته بر زین اسب سپید نیست تا بیاید و ما دخیلان تی تیش مامانی شاه پریان را از قید و زنجیر دیو و اجنه و جادو گران برهاند

او منافع قابل درک و احترام کشورش را در نظر دارد و گردش وقایع چنین پیش آورده که آن منافع با سود ما بخواند امریکا هرگز در ایران منافع استعماری نداشته و هدفش نیز اشغال خاک ما و تجزیه نمودن آن نیست بلی آقای قاسمی! خود باوری سرکار می تواند کارساز باشد به شرطی که باور آوریم به موارد زیر:

رژیم حاکم جز با زوری قوی تر از نیروی خودش نخواهد افتاد

حتی یک روز وقت اضافی دادن به عمر آن جهان را سریعتر به مفاک یک جنگ تمام عیار خواهد انداخت

به خود بباورانیم که تروریست نیستیم مگر هر روز و هر ساعت نعره بر نمی داریم که این حکومت سر چشمه تروریسم جهانیست؟

پس مخالفت ورزیدن با مداخله نظامی علیه آن عملا دفاع از تروریسم معنا خواهد داد و

و این نیست وگرنه مردم شیعی زده سراخام همه ی نابسمامانی ها را به حساب ضرورت خواهند نوشت تا ظهور را تسریع کند! کدام نمونه از اسلام واقعی را دست دارید تا به آنان ارائه دهید؟ عربستان سقوطی را؟ چرکستان موسوم به پاکستان را؟

آخر کدام خراب شده ای را می توانید نمونه موفق حاکمیت اسلامی بر اذهان مردم و یا در قالب حکومتی نشان دهید؟

چنانکه خودتان اشاره کردید وقت تنگ است و باید جنبید. چگونه؟

نیروی نظامی که نداریم آیا باید پلاکارد هایی حاوی شعار ما همه خود باوریم الله اکبر فیها خاله جونتان را می دریم الله اکبر در دست به ساحل همیشه فارس! (به قول کناس) قدم نهیم و پارس سر دهیم؟

یا به لوندی های نا بخردانه مطنوازان ای تسلیم شویم از نوع خودش خشک میشه می افته؟ آیا تا این اندازه های مشمئز کننده باید از واقعیات حاکم بر جامعه مان بی خبر باشیم که به رفرا ندوم ساختار شکن دلخوش کنیم (تا مبادا ضربان قلب محسن سازگارا که سر سازگاری گذاشته دوباره ناسازگار نشود؟ باز هم به قول کناس!)

آقا جانان: جان و جهانان! هیچ گونه رژیمی به ویژه حکومتی که مدعی نیابت از جانب امام زمان و بنی والله است نه داوطلبانه کنار می رود و نه در باره ماندن و رفتنش تن به برگزاری همه پرسی خواهد داد! زیرا در این صورت حکم مردم را بر حکم الله ترجیح داده بر شکست قطعی پروژه سیاسی دینی اش حجت آورده و در یک کلام: پوک بودنش را معترف گشته یعنی مرگ خود را پذیرفته

چنین حکومتی ترجیح خواهد داد شهادتی برای مرگ خود باقی نگذارد خطر واقعی و مسلم در این نکته است اگر میگویند ایران خفه ایست ناب و متفاوت با عراق و افغانستان و فلان جیستستان!

راه اثباتش در درک این واقعیات بدیهی است تنها کار مفیدی که از دست مخالفان به ظاهر مبارز(!) در داخل و خارج ساخته است در این خلاصه میشود که در صورت مداخله نظامی امریکا و متحدان احتمالی اش علیه

پیام تجاری خود را با پشتمانه 20 ساله انتشار مجله رنگارنگ

به منازل هزاران خواننده ایرانی در سراسر اروپا ببرید و نام تجاری

خود را آشنای چشم همگان سازید

02087319333

سرگذشت‌های واقعی

سرگذشت یک فاحشه (قسمت دوم)

قبل از خواندن این داستان واقعی و دردناک این توضیح را لازم می‌دانیم که چون فرستنده این داستان واقعی از ما خواسته تا مطالبش را بدون سانسور درج کنیم، ما نیز بنا بر قولی که به نویسنده دادیم، این مطلب را بدون سانسور در اینجا می‌گذاریم.

اما پیشاپیش این توضیح را نیز لازم می‌دانیم که این داستان واقعی است و در قسمتهایی از آن کلماتی عامیانه به کار رفته که بنا بر خواسته نویسنده و شرط وی برای چاپ این مطلب، از هرگونه سانسور کلمات خودداری کردیم که از شما پوزش می‌طلبیم.

تازه اوادم سرمو برگردونم که راننده از پشت دستشو گذاشت روی سینه هام و شروع کرد به مالوندن، اصلا انتظار همچی کاری رو نداشتم که یک دفعه صدای مژگان اوامد و با داد گفت: عوضی مگه قرار نبود به اون کار نداشته باشی و راننده هم بیخیال شد، سرمو برگردوندم که دیدم مژگان و راننده به صورت لخت تو بغل هم هستند و راننده مشغوله، وقتی چشمم به چشم مژگان افتاد از خجالت سرشو برگردوند طرف دیگه، حالم داشت به هم میخورد از این که چقدر بعضی ها بی شرفن و چقدر بعضیها بد بخت.

یک نیم ساعت بعد ماشین راه افتاد، البته اینو بگم که راننده ماشینو به جاده خلوت و پرتی آورده بود، راه افتادم کم که رفتیم راننده نگه داشت و گفت که من و مژگان برم در قسمت بار و در جایی پنهان شویم، چون داشتیم به پلیس راه میرسیدیم، ما هم رفتیم در جایی که فقط برای پنهان کردن آدم ساخته شده بود مخفی شدیم، من دیگه در راه اصلا با مژگان حرف نزدیم، اون هم همین جور بیشتر تو فکر بود و یکبار به حال خودش شروع کرد به زار زار گریه کردن، واقعا حق داشت چون هیچوقت انسانی پیدا نمیشد که بدون هیچ چشمداشتی دو دختر رو از بندر عباس تا مشهد مفت ببره، شب شد و راننده ماشین رو در محلی ساکت و خلوت نگه داشت و موقع خواب مژگان بیچاره رو صدا کرد تا با هم همبستر بشن، وقتی مژگان میخواست بره برگشت و به من گفت: که به خدا از روی اجبار این کارو میکنم و رفت، دوباره صبح شد و ماشین راه افتاد دیگه به مشهد نزدیک شده بودیم و آخرین پلیس راهها بود، که گفتن باید ماشین رو بگردن، البته ما جامون جوری بود که راننده مطمئن بود دیده نمیشیم، ولی نمیدونم اون مامورها چه طوری تونستن مارو پیدا کنن، بله ماشین توقیف شد و ما هم در بازداشتگاه همون پلیس راه بازداشت شدیم، البته به اضافه راننده، نمیدونم چقدر اونجا بودیم، ولی فکر بیشتر از ۱۲ ساعت بود که در بازداشتگاه باز شد و مردی حاجی مانند با کلی ریش و و تسبیح وارد شد و اول ما رو به نگاهی کرد و گفت: دو دختر فراری در قسمت بار یک تریلی، جالبه، میدونین که ما میتونیم شما رو ببریم بدیم به کانونی جایی یا اونا شما اینقدر نگه میدارن تا به گه خوردن بیفتین و یا هم برمیگردونتون پیش خانواده هاتون، ولی یک راه حل بهتر است، که شما میتونین همین فردا آزاد بشین و تازه ما شما رو با ماشین عقیدتی سیاسی هم میبریم تا دیگه کسی جرات گیر دادن به شما دخترهای خوشگل رو نداشته باشه و هر جا هم خواستین پیادتون میکنیم.

مژگان پرسید که این راه حل دوم چیه، که اون مرده گفت یعنی شما نمیدونین، راه حل دوم اینه که شما با ما امشبو تا صبح صفا کنیم، اینو که گفت برق تمام وجود منو گرفت، اصلا نمیتونستم باور کنم که کسی با این حاضر مومن گونه تا اینقدر پست باشه، من و مژگان اولش امتناع کردیم، ولی اون حاجیه یکی تو گوش مژگان زد و گفت فکر کردین دسته خودتونه، همینکه گفتم و بعد دو تا سرباز رو صدا زد و اونا اوادم ما رو بردن، هرچی مژگان اون موقع داد زد که دوستم اینکاره نیست و اونا هر بلایی میخوان سر خود مژگان بیان، تو گوشش نرفت و من رو هم بردن، ترس عجیبی گرفته بودم، اصلا فکر نمیکردم کارم به اینجا بکشه، منی که به امید یک زندگی بهتر از خونه لعنتی فرار کرده بودم، حالا داشتیم به سمت

تباهی میرفتم، خلاصه ما رو به اتاقی دیگه ای بردن و اون دو سرباز، به اضافه خود حاجی اوادم و حاجی هم در رو قفل کرد، هر چی داد میزدیم هیچ فایده ای نداشت اون دو تا سرباز به صورت وحشیانه ای شروع کردن به در آوردن لباسهای مژگان و خود حاجی هم اوامد سراغه من، دستی به صورت کشید و روسریو در آورد، هر چی قسمش دادم که اینکارو با من نکنه، فایده نداشت، دیدم اینطوری فایده نداره به سمتش حمله ور شدم، که یکی از اون سربازها با باتوم محکم زد پشت پام و من هم افتادم زمین و از درد با خودم پیچیدم، مژگان که این صحنه رو دید، اون هم به طرف حاجی حمله ور شد و صورت حاجی رو چنگول کشید که باعث شد صورت حاجی خونی بشه، حاجی هم کمریندشو در آورد و به جون مژگان افتاد و اون یکی از سربازها هم با باتوم افتاد به جون مژگان، بعد که حسابی مژگان رو زدن، دو تا سربازها اونو کشون کشون از اون اتاق بیرون بردن، حاجی هم اوامد بالای سرم و شروع کرد به در آوردن لباسام، اصلا نمیتونستم باور کنم، ولی حالا من خودمو به صورت لخت در دستان یک آدم حیوون نما میدیدم، ولی اون اصلا عین خیالش نبود و با دست شروع کرد به مالوندن تمام بدنم، داشتم گریه میکردم و قسمش میدادم، ولی هیچ فایده نداشت، حاجی شروع کرد به درآوردن لباساش، منو تو بغل گرفت و تن پر مو و کثافتشو به تن لطیف من میمالید، داشتم حالم به هم میخورد، سرمو برگردوندم و بالا آوردم، حاجی که اینو دید منصرف شد و بدون معطلی، سوزش بدی حس کردم و فهمیدم که پرده بکارتم پاره شده و خون راه افتاد، همون موقع به سربازاش گفت که بچه ها این باکره بود و دوباره کارشو شروع کرد، دیگه گریه نمیکردم و دیگه برام فرقی نداشت که دارن باهام چی کار میکنن، چون دیگه آب از سرم گذشته بود.

اینقدر بیحال شده بودم که خوابم برده بود و وقتی چشمامو باز کردم دیدم تو بازداشتگاهم و از مژگان خبری نبود، خیلی گرسنم بود، چون از دیروز هیچی نخورده بودم، یک حس عجیبی داشتم، میدونستم که به خاطر این است که بکارت دیگه ندارم، داشتم دیوونه میشدم، دلم به حال مژگان میسوخت، چون به خاطر من اینقدر کتک خورده بود، و حالا هم هیچ اثری ازش نبود، شروع کردم به داد و فریاد زدن، که یکی از همون نگهبانهای دیشبی اوامد و در بازداشت گاه رو باز و کرد و اوامد به من گفت چه مرگته، که من هم گفتم مژگان رو کجا بردین، اولش نخواست جواب بده، ولی اینقدر قسمش دادم که بگه تا اینکه گفت همون صبح زود فرستادنش به کانون، اینو گفت و رفت، واقعا ناراحت شدم، چون همیشه می گفت که اگه سرو کارش به کانون بکشه، حتما خودکشی میکنه، مطمئن بودم که دیگه اونو نمیبینم و الان هم دیگه نمیدونم کجاست و چه بلایی سرش در اومده، واقعا وقتی ملکتی که به حق زن و دختر و حتی حق حقوق دخترهای فراری توجه نمیکنه، خب معلوم که همین جوری میشه، خلاصه اون روز هم تا شب توی اون پاسگاه بودم که فکر کنم حدود ساعتی ۱۱ شب بود که یکی اوامد در پاسگاه رو باز کرد و گفت که به خاطر قول حاجی حالا قراره منو با ماشین عقیدتی سیاسی به شهر ببرن، و همین کار رو کردن، از اونجا تا مشهد حدود یک ساعت و نیم طول کشید و بعد ماشین رو گوشه ای نگه داشت و منو مثل یک حیوون از ماشین پرت کردند بیرون و ماشین راه افتاد و رفت، هوا سرد بود و من هیچ پولی نداشتم، دوست داشتم توی خیابون داد بزنم که چه بلایی سرم آوردند و یا برم شکایت کنم، ولی میدونستم فایده نداره و توی این ملکت کی به فکره یک دختر تنها و بیچاره هست و کی دلش برای همچین دختری میسوزه.

تصمیم گرفتم برگردم به خونه و تمام ماجرا رو برای مادرم تعریف کنم و از پدرم هم معذرت خواهی کنم و با همون پسری که به خواستگارم اوامده بود اگه قبول کنه، ازدواج کنم، تو زندگی تو اون خونه از زندگی با این فلاکت بهتره، جایی که منو پیاده کرده بودن، تقریبا میشه گفت نزدیک خونه ما بود، شروع کردم به پیاده رفتن، خیلی راه رفتم، حدود ۳ ساعت در تاریکی شب پیاده روی کردم، تو اون هوای سرد تا اینکه بالاخره به خومون رسیدم، بیش از ۱ سال بود که از اون خونه فرار کرده بودم و حالا دوباره برگشته بودم، در خومون با کمی هل دادن باز شد و من رفتم تو، ولی چه صحنه ای دیدم، پدرم که نبود و مادرم هم در بستر افتاده بود و خواهرم که



فرو رفته . به کاری که میخواستیم بکنیم و اینکه چرا باید اینقدر بدبخت باشیم . حامد اومد و دستمو گرفت و با خودش به طرف اتاق خواب برد . به اتاق خواب رسیدیم . یک اتاق بزرگ با یک تخت فوق العاده زیبا و نرم . حامد دو تا لیوان رو پر از مشروب کرد و یکیشو به من تعارف کرد . اولش گفتم نمیخوام . که حامد گفت : بیا بخور . که حالش با این بیشتر . لیوان رو سر کشیدم . یک حالت بدی به هم دست داد . میخواستیم بالا بیاریم . حامد یک لیوان دیگه برام پر کرد . مثل دیوانه ها اون رو هم سر کشیدم . سرم داشت گیج میرفت . حامد اومد و شونه هامو به طرف عقب هل داد و منو رو تخت خوابوند . به کم ور رفت بلند شد و سریع لباساشو در آورد حالم اصلا سر جاش نبود . مست مست بودم . هوای خنکی به تنم خورد و فهمیدم که حامد لباسامو در آورده . تو یه عالمه دیگه ای بودم . که به دفعه چیز سنگینی رو بدنم حس کردم . حامد روم خوابیده بود . هنوز مست بودم و برام مهم نبود که دارم چه گناهی عظیمی رو مرتکب میشم .

درد عجیبی داشت . ولی داشتم لذت میبردم . خلاصه یک ۲۰ دقیقه ای حامد هر کاری خواست کرد . بعد خودشو انداخت تو بغلم . اثر مشروبها داشت از بین میرفت . حامد شروع کرد به لب گرفتن . دیگه بی حس و حال شده بود . من هم همین طور . تا اینکه همون جور خوابم برد . چشمامو که باز کردم ساعت نردیکی ۱۱ بود . حامد لباساشو پوشیده بود . ولی من همون جور تخت بودم . حامد گفت : خواب خوبی بود . من هم گفتم : بیخسید خیلی خسته بودم . بعدش منم اون همه مشروب و اون همه تقلا باعث شد خوابم ببره . حامد گفت باشو لباساتو تنت کن تا ببرم یک جایی برسونت . بلند شدم لباسامو تنم کردم . رفتم دست و صورتمو شستم . داشت حالم از خودم به هم میخورد . از اینکه چقدر پستم و چه قدر هرزه . اومدم بیرون و سوار ماشین حامد شدم . حامد منو تا جایی تقریباً نزدیکای خومون رسوند و وقتی که خواستم پیاده شم یک بسته صدتایی هزاری به من داد و گفت : قرارمون شصت هزار تا بود . ولی چون زیادی به هم حال دادی صدتا بهت دادم . بعدش گازو گرفت و رفت .

دوست داشتم اون پولهای لعنتی رو آتیش بزنم . ولی حیف که به اون پولها احتیاج داشتم . به سمت خونه راه افتادم . ساعت یک و نیم نصف شب بود که به خونه مون رسیدم . مادرم بیدار بود و با زحمت گفت که کجا بودی و بعدش سرفه امونش نداد و همون جور سرفه کرد . سریع براش یه لیوان آب آوردم و دادم خورد و گفتم . مگه دکترتون نگفته نباید حرف بزنین . خب بیرون بودم و طول کشید بیام . دوست نداشتم تو چشمهام نگاه کنم . ازش خجالت میکشیدم . میترسیدم از چشمهام بفهمه که چه گناه عظیمی کردم . بلند شدم و رفتم یک گوشه نشستم . پولها رو در آوردم و گذاشتم جلوم . چرا باید بعضیها برای رسیدن به پول دست به همه کار و بدبختی بزنن . ولی بعضیا شب میخوابن صبح بلند میشن و میبینن پولهاشو دو برابر شده . ولی کاریش نمیشد کرد . تو همون فکرها بودم که خوابم برد . صبح که بلند شدم . اولین کاری که کردم این بود که رفتم برای مادرم دوا بخرم و ۸۰ هزار تومن پول اون دواها رو دادم . واقعا چرا باید خرج دوا و درمان که یکی نیازهای مهم جامعه هست اینقدر گرون باشه . چرا باید دو تا بسته قرص با یک آمپول ۸۰ هزار تومن بشه (تازه دو سال پیش) . واقعا اونهایی که این پول رو ندارن باید چی کار بکنن . بعد میگن چرا آمار زنهای خیابونی و یا آمار دزدی و جرم و جنایت زیاده . خب معلومه دیگه وقتی کسی در فقر دست و پا بزنه . خب معلومه که دست به هر کاری میزنه تا بتونه یه کم خودشو از منجلا ب فقر و نداری بیرون بکشه . وگرنه هیچ زن و یا دختری برای لذت سکس و یا از رو شکم سیری

قبلا گفتم با مردی همسن بابام بود خونه ما بود و البته اون موقع خواب بود که از صدای در بیدار شد . و وقتی دید اومد منو بغل کرد و فقط گریه کرد و همش میگفت کجا بودی . من هم تصمیم گرفته بودم که اوضاع رو بد تر نکنم و اون ماجرای بازداشتگاه رو تعریف نکنم . که الکی گفتم تهران بودم و کار میکردم و حالا برگشتم . و گفتم که تمام پولامو رو دزدین و بعد من ازش پرسیدم که چرا مامان ایطوری شده . بابا کجاس و چطور تو تونستی از شوهرت اجازه بگیری و بیای . و اون هم گفت که بابا و یکی از داداشام رو به خاطر حمل مواد مخدر دستگیر کردن و حدود سه سال برانشون بریدن و گفت که مامانم هم هفته پیش در موقع کلفتی خونه یکی از پولدارها از بالای نردبون افتاده و به این روز در اومده و صاحبخونه هم حتی یک قرون برای خرج بیمارستان مامان نداده . و همچنین گفت که شوهرم فقط یک هفته اجازه داده تا اینجا بیام و خدا تو رو رسوند . وگرنه مجبور بودم مامان رو تنها بزارم و برگردم به اون جهنم سابقم . تو که نمیدونی تو اون خونه چه خبره . تازه این یک هفته هم که اجازه داده به خاطر اینه بوده که خود شوهرم مسافرت بوده و فردا حتما میاد دنبالم .

روز بعد شد و همون صبح شوهر خواهرم اومد خونه ما و با داد و فریاد خواهرمو برد خونشون و حالا من شده بودم تنها . خواهرم گفته بود که باید برای مادرم دوا بگیرم چون همه دواهاش تموم شده بود . ولی هیچ پولی اون موقع نداشتم . نمیدونستم باید چی کار کنم . دوست داشتم از همه چیز انتقام بگیرم . از خودم از مردم . از اینکه به این راحتی عفتم رو از دست داده بودم . دیگه نمیخواستیم کلفتی کنم . تصمیم خودمو گرفته بودم . میخواستیم از فردا برم دنباله فاحشگی . تمام راههاشو رو هم از مزگان یاد گرفته بودم . چون دیگه چیزی برای از دست دادن نداشتم .

شب شده بود و میخواستیم برم . با لوازم آرایش کمی که داشتم . آرایش مختصری کردم . ولی از اوچایی که خودم خوشگل بودم . با همون اندک آرایش خیلی خوشگلتر شدم . راه افتادم به سمت شهر . ساعت نه و نیم شب بود که بالای شهر رسیده بودم . واقعا زندگی در این منطقه از شهر یک جور دیگه ای بود . خیلی از آدمهایی که در بالای شهرها زندگی میکنند . اصلا نمیتونن تصور کنن که زاغه نشینی و زندگی درحومه شهر چقدر میتونه وحشتناک باشه . ۹۰ درصدشون هم تا حالا اون مناطق پایین شهر رو ندیدن . همین جور داشتم با خودم فکر میکردم که چرا من نباید توی یک خانواده ثروتمند به دنیا آمده باشم و یا چرا اینقدر باید بدبخت باشم . یک لحظه از تصمیمی که گرفته بودم منصرف شدم و اومدم برگردم خونه . ولی خب دیگه راهی برام نمونده بود . احتیاج وحشتناکی به پول داشتم . رفتم کنار خیابون واسنادم . استرس وحشتناکی داشتم . دو دقیقه نگذشت که چند تا ماشین جلوی پام ترمز زدن . یکیشون یک هوندا سوویک قرمز بود . از ماشینش خوشم اومد و طرفش رفتم . جوونکی ۲۰ ساله پشت نشسته بود . در جلوی ماشین رو باز کردم و سوار شدم . اون پسری که سوار ماشینش شده بودم . از اینکه بدون هیچ گونه حرفی و یا هیچ پرسششی در مورد قیمت سوار شده بودم تعجب کرد . خب حق هم داشتم . چون هنوز آماتور بودم . خلاصه قرار شد برای دو ساعت ۶۰ هزار تومن بگیرم .

پسرک جلوی یک رستوران خیلی شیک نگه داشت و گفت که پیاده شم . برم با هم غذا بخوریم . حالم اصلا خوب نبود . وای چه جایی شیکی بود . بیشتر مشترباش دختر و پسره های جوون بودن . رفتم پشت یک میز دو نفره نشستیم . گارسون اومد و پسره سفارش دو تا پیتزای مخصوص رو داد . غذا رو آوردن . اصلا میلی به خوردن نداشتم . ولی خب دلم نیامد از پیتزا بگذرم . چون همیشه آرزو داشتم هر شب شام پیتزا بخورم . شام رو خوردیم و به سمت خونه پسره راه افتادیم . اصلا با پسره حرف نمیزدم . یعنی حرفی برای گفتن نداشتم . اون هم هیچ حرفی نمیزد . به خونشون رسیدیم . یک خونه ویلایی شیک و بزرگ . دو تا بوق زد و یکی در رو براش باز کرد و رفتم تو .

خونه بسیار شیک و بزرگی بود . چراغهای ساختون خاموش بود . خلاصه رفتم تو . پسره که اسمش حامد بود گفت که مامان و باباش برای سر زدن به خواهرش رفتن به فرانسه و اون تنهاست . پسر ساده ای بود . ولی از اون پولدارها که نمیدونن پولهاشو رو چه طوری خرج کنن . از کارم پشیمون شده بودم . ولی دیگه دیر شده بود . چون حامد داشت اتاق خواب رو آماده میکرد . بغض گلو رو گرفته بود . روی یک مبل نشستیم و به فکر

دیدم دسته جمعی فرار می کردند و به سرعت خود را به محل آغاز بازی می رساندند و گروه دوم هم در تعقیب گروه اول سعی می کردند قبل از رسیدن آنان به محل شروع بازی آنان را بگیرند و هر کس می توانست از گروه اول از نفرات گروه دوم را بگیرد فرد دستگیر شده باید از همانجا تا محل آغاز بازی کسی را که او را گرفته بود کول کند و این بازی ساعت ها ادامه داشت و هر نوبت یک گروه پنهان شونده و یک گروه تعقیب کننده می شدند . البته در همین یادداشتها سعی خواهم کرد هر کدام از این بازی ها را دقیق و مفصل بنویسم برای ثبت در تاریخ خاطرات دوران بچه گی هامون.

احمد قاجاچی

در محله ما چند نفری بودند که کارشان فروش تریاک یا هروئین بود که یکی از این افراد شخصی بود به نام احمد که به او احمد قاجاچی می گفتند او مردی حدود چهل و یک ساله بود با قدی حدود یک متر و ۸۰ سانت و بسیار لاغر که همیشه در حال جولان دادن در محلات اطراف بود و در واقع به مشتریان جنس می داد و چهار چشمی هم مواظب بود گیر پاسبانهای کلانتری شش نیفتد شگرد این احمد آقا این بود که قبلا می آمد و تریاک یا هروئین تقسیم شده خود را در درزهای دیوارها یا زیر پاره آجری جا سازی می کرد که خودش می دانست در کجا قرار دارد و پس از گرفتن پول از مشتری به سراغ درز دیوار یا پاره آجری می رفت که قبلا می دانست کجا قرار دارد یکی از سرگرمی های ما بچه ها اون روزها این بود که در کمین احمد آقا می نشستیم و از دور او را تعقیب می کردیم و محل پنهان کردن جنس های او را می دیدیم وقتی او می رفت که مشتریان را ملاقات کند و به سراغ جنس ها بیاید ما فوری می رفتیم و جای آنها را عوض می کردیم و در محل های تازه ای جا می دادیم و منتظر احمد آقا می شدیم که بیاید و نتواند جنس هایش را پیدا کند حالت عصبی نگران و سر در گم احمد آقا تفریح ما بود و بعد ها به تدریج شکل باجگیری گرفت چون احمد آقا که از پیدا کردن جنس هایش ناامید می شد سراغ ما می آمد و با التماس و خواهش می خواست که بگوئیم کجا جنس های او را قایم کرده ایم و گاهی پولی هم بعنوان حق حساب به ما می داد ولی احمد آقا را پلیس دستگیر کرد و به زندان افتاد و تفریح و درآمد ما هم تعطیل شد.

که تکه گوشستی را آغشته به زهر می کردند و جلوی این حیوانات بی صاحب می انداختند و سگ ها هم که معمولا همیشه گرسنه بودند شروع به خوردن غذایی می کردند که آخرین غذای زندگی شان بود و در گوشه ای از کوچه یا همان خرابه می افتادند و شروع به قلا و جان کنند می نمودند ولی ما بچه های محل که دیدن مرگ این چینی سگها اذیت مان می کرد تلاش می کردیم که سگها را نجات بدهیم و تنها شیوه ای هم که بلد بودیم خرید ماست از بقال محله بود که آن را جلوی سگها می گذاشتیم تا بخورند چون فکر می کردیم ماست اثرات زهر را در بدن سگ ها از بین می برد و اکثرا نیز در این بازی مرگ و زندگی سگ ها هم بچه ها بازنده بودیم و شاهد مرگ سگ هایی بودیم که در آخرین لحظات دست و پا زدنهایشان با چشمانی ملتسمانه به ما نگاه می کردند و انتظار کمک بیشتری داشتند.

بازیهای آن روزها

نمی دانه امروز بچه های هم سن و سال آن روزهای نوجوانی ما چه بازیهایی می کنند ولی در آن زمان بازی هایی که رواج داشت و ما بازی می کردیم این ها بودند
شیر دیدم
هفت سنگ
چهار معلق
بیخ دیواری
گل یا پوچ
الک و دولک
چل توپ
هسته خر هندی بازی
بیست و یک کتابی
شاه و وزیر

که مثلا شیر دیدم بازی بود که بچه ها به دو دسته تقسیم می شدند و یک نفر هم قاضی یا داور می شد گروه اول به قاضی می گفتند و می رفتند در محلی قایم می شدند که گاهی به فاصله چند کوچه می شد با فرمان قاضی گروه دوم شروع به جستجو می کردند و هر لحظه قاضی محلی را نشان می داد که گروه تعقیب کننده باید می گفتند کسی هست یا نیست تا بالاخره به محلی می رسیدند که گروه اول قایم شده بودند و در این لحظه چنانچه گروه تعقیب کننده زودتر متوجه محل قایم شدن گروه اول می شدند فرصت بیشتری داشتند که فرار کننده و با فریاد زدن شیر دیدم یعنی محل پنهان شدن را



قصه های نظام آباد

مجموعه قصه های نظام آباد که در هر شماره مجله رنگارنگ به چاپ خواهد رسید روایتی ساده از زندگی همه کسانی است که به میانسالی رسیده اند و در دفتر خاطرات ایام زندگی شان در محله های مختلفی که زندگی می کرده اند ملو از این حکایتهای تلخ و شیرین است شما هم می توانید بیانگر قصه های محله های زندگی دوران گذشته خود باشید

سگ کشی

سی : چهل سال پیش که محله های تهران مثل امروز چون قوطی کبریت به هم نچسبیده بود و تکه زمین هایی خالی در آن پیدا می شد که بچه های محل در همین اندک زمین های ساخته نشده از صبح تا شب به دنبال تویی بودند و همه رویا ها و آرزوهای قهرمانی خود را در همین چند وجب خاک جستجو کنند در این زمین ها که به آن خرابه می گفتند همیشه تعدادی سگ بی صاحب هم ولو بودند که اهالی محل به آنان سگ ولگرد می گفتند این سگ ها برای خودشان عالمی داشتند زاد و ولد می کردند جفت گیری می کردند و به هم قفل می شدند و قسمت تراژدی آن زهر دادن کارمندان شهرداری به این سگ ها بود

قابل توجه کلیه تجار و صاحبان کسب و کار در آلمان

پیام تبلیغاتی خود را به منازل هزاران ایرانی در سراسر آلمان و اروپا برسانید

شما می توانید با حداقل هزینه حداکثر استفاده را با درج آگهی خود در مجله رنگارنگ ببرید ۰۰۴۴۲۰۸۷۳۱۹۳۳۳



و از تسهیلات استثنایی شرکت کاسادل سو بهره مند شوید



آب و هوای مدیترانه و سواحل رویایی
جنوب اسپانیا به شما اوج آرامش و
آسایش و لذت را هدیه می دهد
فقط با یک تلفن از مشاوره رایگان
شرکت کاسادل سو استفاده کنید

با مشاورین
فارسی زبان با
تلفنهای زیر تماس



TEL: +34 952 574040
FAX: +34 952 574043

GLOBAL INVESTMENT & MANAGEMENT LTD
URB, NUEVA TORREQUEBRADA
C.C. TORRENUEVA, LOCAL13
29630 BENALMADENA, MALAGA, SPAIN

رنگ و ارنگ از همه رنگ

هدف از چاپ پیام های دوست یابی کمک به کسانی است که در غربت زندگی می کنند و به دلایلی امکان ارتباط به مکانهای عمومی ایرانی را ندارند و تنهایی و یافتن هم زبانی می تواند کمکی در جهت بهبود و شرایط سخت تنهایی آنان باشد

مجله رنگارنگ هیچ گونه مسئولیتی در قبال چاپ پیام های دوستیابی ندارد و طریقه این ارتباط تنها از راه ارسال نامه به آدرس مجله است و مسئول این بخش نامه های رسیده را در اختیار کدهای اعلام شده قرار خواهد داد ارسال مشخصات غیر حقیقی یا هر گونه سوء استفاده از این کانال بعهده متقاضی تماس با نامه های دریافتی است که مطمئن باشد انتخاب صحیح را انجام داده است

آدرس ارسال برای بخش دوست یابی

**P.O.Box 2821
LONDON NW2 1DS**

دوستیابی



منوچهر ۵۵ ساله ۲۰ سال است در آلمان شهر نوفر زندگی می کنم قبلا دو بار ازدواج کرده ام و متارکه کرده ام دارای دو فرزند هستم که هر دو متاهل هستند امکانات مالی نسبتا خوبی دارم به دنبال آشنایی و دوستی با خانمی با میانگین سنی ۴۵-۵۵ ساله هستم

کد ۷۴۸

امیر ۳۳ ساله ۲۷ سال پیش با خانواده ام به نروژ آمده ام دارای دکترای دارو سازی هستم به دنبال دوستی و آشنایی با خانمی با میانگین سنی ۳۲-۲۵ سال هستم .

کد ۷۴۹

فربرز ۳۴ ساله ساکن شهر کلن در آلمان هستم علاقه مند به ورزش کامپیوتر و اتومبیل هستم به دنبال دوستی به قصد ازدواج با خانمی با میانگین سنی ۳۵-۲۵ سال می باشم

کد ۷۵۰

داریوش هستم ۲۶ سال دارم ۴ سال است در لندن زندگی می کنم مشغول به کار می باشم عاشق ورزش و ایران هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با خانمی با میانگین سنی ۲۶-۱۸ سال هستم

کد ۷۵۱

الهه ۲۵ ساله ساکن هلند شهر دن هاگ هستم علاقه مند به موزیک سینما و فعالیتهای اجتماعی می باشم به دنبال دوستی و آشنایی با آقایی که اهل سیگار و مشروبات الکلی و قمار نباشد می باشم.

در یک شرکت کامپیوتر کار می کنم هنوز ازدواج نکرده ام علاقه مند به ورزش موزیک کتاب و سیاست هستم به دنبال آشنایی با خانمی با میانگین سنی ۳۵-۲۵ ساله برای دوستی به قصد ازدواج هستم

کد ۷۴۴

سارا ۴۲ ساله ساکن پاریس حدود ۲۵ سال است در فرانسه زندگی می کنم یک بار ازدواج کرده ام و جدا شده ام فرزندی ندارم در یک شرکت فرانسوی مشغول به کار می باشم از نظر مالی هیچ مشکلی ندارم به دنبال آشنایی و دوستی با آقایی ایرانی با میانگین سنی ۴۵-۵۵ ساله هستم که علاقه به ادبیات و سیاست داشته باشد

کد ۷۴۵

رضا زند ۲۹ ساله ساکن شفیلد ۷ سال است در انگلستان زندگی می کنم اقامت دارم مشغول به کار می باشم قصد تغییر مکان به لندن را دارم علاقه مند به مسافرت موزیک و سینما هستم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با خانمی با میانگین سنی ۳۰-۲۰ ساله هستم

کد ۷۴۶

صبا ۳۸ ساله ۱۸ سال است در انگلستان شهر لندن زندگی می کنم صاحب یک بوتیک لباس می باشم یک بار ازدواج کرده ام و یک دختر ۱۶ ساله دارم به دنبال آشنایی به قصد ازدواج با آقایی که به دنبال یک زندگی مشترک آرام و ملو از عشق و محبت راستین و واقعی باشد .

کد ۷۴۷

بهرام ۳۸ ساله در شهر کلن آلمان زندگی می کنم صاحب شغل و درآمد خوبی هستم اقامت دائم دارم و به دنبال دوستی و آشنایی با خانمی با میانگین سنی ۳۵-۳۰ سال هستم

کد ۸۴۰

بهنام ۲۵ ساله ساکن نیوکاسل حدود ۶ سال است به انگلستان آمده ام هنوز اقامت نگرفته ام علاقه مند به موزیک رقص و ورزش هستم به دنبال دوستی و آشنایی به قصد ازدواج با دختر خانمی ایرانی با میانگین سنی ۳۰-۲۰ ساله هستم که اگر اقامت دائم هم داشته باشد بسیار عالی خواهد بود

کد ۷۴۱

شراره ۲۱ ساله عاشق موزیک و سینما و دنیای مد هستم رشته طراحی لباس را امسال به پایان می برم به دنبال دوستی و آشنایی با جوانی ایرانی با میانگین سنی ۳۰-۲۵ ساله هستم و در لندن زندگی می کنم

کد ۷۴۲

پروانه ۴۷ ساله حدود ۱۷ سال است در شهر بروکسل بلژیک زندگی می کنم یک بار ازدواج کرده ام و ۵ سال است جدا شده ام یک دختر و پسر دارم که با خودم زندگی می کنند به دنبال دوستی و آشنایی با آقایی ایرانی با میانگین سنی ۶۰-۴۵ سال هستم که چنانچه به توافق رسیدیم می توانم به کشورهای دیگر تغییر مکان دهم.

کد ۷۴۳

رحیم ۳۴ ساله ساکن لندن اقامت دائم دارم



واقعا چی می شد اگه

چی می شد اگه خدا امروز وقت نداشت به ما برکت بده چرا که دیروز ما وقت نکردیم از او تشکر کنیم

چی می شد اگه خدا فردا دیگه ما را هدایت نمی کرد چون امروز اطاعتش نکردیم

چی می شد اگه خدا امروز با ما همراه نبود چرا که امروز قادر به درکش نبودیم

چی می شد دیگه هرگز شکوفا شدن گلی را نمی دیدیم چرا که وقتی خدا بارون فرستاده بود گله کردیم

چی می شد اگه خدا عشق و مراقبتش را از ما دریغ می کرد چرا که ما از محبت ورزیدن به دیگران دریغ کردیم

چی می شد اگه خدا فردا کتاب مقدسش را از ما می گرفت چرا که امروز فرصت نکردیم آنرا بخوانیم

چی می شد اگه خدا در خانه اش را می بست چون ما در قلبهای خود را بسته ایم

چی می شد اگه خدا امروز به حرفهایمان گوش نمی داد چون دیروز به دستوراتش خوب عمل نکردیم

چی می شد اگه خدا خواسته هایمان را بی پاسخ می گذاشت چون فراموشش کردیم

و چی می شد اگه

و چی می شد اگه ما از این مطالب به سادگی بگذریم؟

عشق یعنی

عشق یعنی خاطرات بی غبار
دفتری از شعر و از عطر بهار

عشق یعنی یک تمنا، یک نیاز
زمزمه از عاشقی با سوز و ساز

عشق یعنی چشم خیس مست او
زیر باران دست تو در دست او

عشق یعنی ماتهیب از یک نگاه
غرق در گلبوسه تا وقت نگاه

عشق یعنی عطر خجلت شور عشق
گرمی دست تو در آغوش عشق

عشق یعنی "بی تو هرگز ... پس بمان"
تا سحر از عاشقی با او بخوان

عشق یعنی هر چه داری نیم کن
از برایش قلب خود تقدیم کن



زندگی

زندگی خالی است آن را پر کن

زندگی یک مشکل است با آن روبرو شو

زندگی یک معادله است موازنه کن

زندگی یک معما است آن را حل کن

زندگی یک تجربه است آن را مرور کن

زندگی یک مبارزه است قبول کن

زندگی یک کشتی است با آن دریا نوردی کن

زندگی یک سوال است آن را جواب بده

زندگی یک موفقیت است لذت ببر.

زندگی یک بازی است برنده و پیروز شو

زندگی یک هدیه است آن را دریافت کن

زندگی دعا است آن را مرتب بخوان

زندگی درد است آن را تحمل کن

زندگی یک دوربین است سعی کن با صورت

خندان و شاد با آن روبرو بشی

جدی نگیرید

واسه خندس !!

دو نفر در طول مهمانی کنار هم نشسته بودند و در طول دو ساعت یک کلمه هم با هم حرف زدند. پس از دو ساعت یکی از آنها به دیگری گفت: پیشنهاد می‌کنم حالا در مورد موضوع دیگری سکوت کنیم!

به غضنفر گفتند: ۱۷ شهریور چه روزیه؟ کمی فکر کرد و گفت: فکر می‌کنم ۱۵ خرداد باشه!

غضنفر دو تا بلوک سیمانی رو گذاشته بوده رو دوشش. داشته می‌برده بالای ساختمون. صاحب‌کارش بهش میگه: تو که فرقون داری. چرا اینا رو میگذاری رو کولت؟! غضنفر میگه: اون دفعه با فرقون بردم. اون چرخش پشتم رو ازیت می‌کرد!

بهمن و علی (اصفهانی) سرباز بودن. بهمن میمیره. علی میره برای خانواده بهمن تلگراف بزنه که بهمن مرده. مسئول تلگراف‌خونه می‌گه: هر کلمه هزار تومان. برای تاریخ و امضا هم پول نمی‌گیریم. علی می‌گه بنویس: بهمن تیر خرداد مرداد!

به غضنفر میگن چرا زن نمی‌گیری؟ میگه: ای بابا. کی میاد زنش رو بده به ما؟!

آرنولد میره آبادان. همون شب اول آبادانیه تو خیابون بهش گیر میده که: وُلک تورو جون بوات.. تو رو جون نت. فردا ما رو تو خیابون دیدی بهم سلام کن! خلاصه اونقدر التماس میکنه. تا آخر آرنولد قبول میکنه. فرداش آبادانیه داشته با دو سه تا از رفیقاش تو خیابون چرخ میزنه. بهو آرنولد میاد میگه: سلام عبود! آبادانیه میگه: آه ... باز این سیریش اومد!

در نیویورک خانم مستر اسمیت رفت پیش وکیل دادگستری و گفت: من می‌خوام از شوهرم طلاق بگیرم. وکیل گفت: بسیار خوب. مانعی ندارد... فعلاً دوهزار دلار بدهید تا ترتیب کارتان را بدهیم. خانم گفت: زکی! ۵۰۰ دلار می‌گیرند که او را بکشند. چرا دو هزار دلار بدهم؟

راستی فهمیدی دیشب خانه ما دزد آمد و الان دزده تو بیمارستانه؟ نه مگه چطور شد؟ هیچی. زخم فکر کرد. که دیر اومدم خونه!

جدول کلمات

12 13 15 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

١
٢
٣
٤
٥
٦
٧
٨
٩
١
١
١
١
١
١

,

فال این ماه شما



جدول کلمات

14 13 12 11 10 9 8 7 6 5 4 3 2 1

[illegible]

فال این ماه شما

هیچ کاری را به فردا محول نکنید زیرا بزودی مجبور به قبول کارها و مسئولیت های جدیدی خواهید شد و باید آمادگی داشته باشید. در زمینه عشق و احساسات هم چیز مطابق میل شما است ولی اگر مسایل جزئی را بی جهت بزرگ کنید این آرامش از بین خواهد رفت.

آینده نگر و خوش بین باشید. تصمیمی نگیرید که احتمال پشیمانی در آن باشد. پیوندهای محبت و عشق را میان خود و شخص مورد علاقه تان مستحکم تر سازید. بیشتر با کسانی مصاحبت کنید که عقاید مشترکی با شما دارند. در زمینه شغلی مسیر مناسبی انتخاب کرده اید.

نباید تمام اوقات فراغت خود را وقف دیگران کنید. کمی هم به فکر استراحت و تفریح باشید. در زمینه عشق و احساسات پرتوقع نباشید. کمک های معنوی شما برای افراد خانواده با ارزش خواهد بود ولی از کمک های مالی هم تا آنجا که می توانید مضایقه نکنید.

بخودتان متکی باشید و تا آنجا که می توانید شخصا کارهایتان را انجام دهید. به دیگران اعتماد صد در صد نکنید. در رفتار با شریک زندگیتان بی حوصلگی و تندی بخرج ندهید و ضمناً بکوشید تا حسادت او تحریک نشود. خبری از راه دور می شنوید که خوشحالتان می کند.

چشم خیلی ها به دنبال شماست که ببینند چقدر موفق می شوید و چقدر ناکام می مانید. اگر در صد شروع کار جدیدی هستید زمان خوبی است زیرا موقعیت های خوبی نصیب شما خواهد شد. نامه ای یا هدیه ای از راه دور دریافت خواهید کرد که شما را خوشحال می کند.

نگذارید بعضی آدم ها با حرفها و افکار مسموم خود بروی زندگی شما تاثیر بگذارند. این آدم ها در قالب دوستان، دشمنان خطرناکی هستند. در مورد بعضی مسایل عاطفی و خصوصی خود باید کمی قدرتمند و مقاوم باشید. مواظب اوضاع مالیتان باشید.



نیازمندیهای ایرانیان در لندن

07779235561	خدمات بیمه	محمد عزیزی
08452260747	شرکت های ساختمانی	امپریال
020-77274236	دارالترجمه	فریس
020-84555314	مدرسه ایرانی	البرز
020-84519996	دفتر وکالت	الاینس
020-84582242	تاکسی تلفنی	وست هیث

020-77064888
020-77242428
020-89941661
020-82039595
020-77277420
020-72669200
020-83465592
020-88896989
020-88471740
020-77363330
020-87316869
020-72892023
020-89488584
020-87408300

کلبه
کندو
لامیراز
پامچال
ساندویچ تازه
آریانا
شبهای شیراز
نیمکت
ژینو
دیزی
په به پیتزا
داریوش
زعفران
کوپس

020-76038909
020-76035083
020-88405912
020-85799500
020-74353622
020-72292243
020-84558184
020-76021090
020-82028022
0207-2583637
020-74352370
020-83433279
020-88616187
020-83478822

فروشگاه های ایرانی

زمان
بهار
مازندران
مازندران ۲
تهران
سارا
هرمز
مسعود
خزر
خیام
بیژن
سهند
فردیس
ساوالان

صرافی ها

020-74995455
020-85797878
020-75842323
020-74830012

راوندی
وکیلی
پا کپور
پریشیا

قنادی ها

020-76030924
020-85799500
020-77062905

رضا
شیرینی سرای

امور چاپی

020-76027569
020-87462241

بکا پرینت
بوش پرینت

ورزش

020-87319333
020-87319333

انجمن ورزش
مدرسه فوتبال

آرایشگاه ها

020-83460006
020-73725239
020-85673275

ونوس
پرسیس
پیام

کلینیک و دندانپزشکی

020-83460006
020-76043124
020-79120920
020-73888556
020-79379097

مازندران
عسل
کلینیک ونوس
دکتر عباس شیر افکن

جواهری

020-75890777

کوئینز پارک کلینیک

رستوران ها

020-73711919
020-72299398
020-74314546
020-84529226
020-76033696
020-76039148
020-74023331
020-84589083
020-72290416
020-77238331

شهرزاد
حافظ (۱)
حافظ (۲)
پریشیا
آبادانا
یاس
شومینه
پاپیون
آلونک
صفا

موسسه خدماتی

020-87486682
020-77700041
020-87319333
020-87401123
020-87317418

جامعه ایرانیان
کانون ایرانیان
انجمن ورزش
خانه پردیس
سازمان جشنها

کتابخانه و کتاب فروشی

020-84555550
020-89936384
020-76036936

فرهنگسرا
مطالعات ایرانی
خانه کتاب

فرم اشتراك

زمان

اینجانب.....
 مایلم مجله رنگارنگ را برای شماره
 مشترک شوم.
 مبلغ به صورت نقد یا چک
 معادل پوند انگلیس همراه این فرم
 ارسال می شود.
 آدرس من به شرح زیر می باشد:
 (لطفاً با حروف بزرگ بنویسید)

 Post Cod.....
 Tel:.....

میزان حق اشتراك

انگلستان: ۱۲ شماره ۴۰ پوند

اروپا: ۱۲ شماره ۵۰ پوند

امریکا و کانادا: ۱۲ شماره ۱۰۰ پوند

لطفاً چکهای خود را به نام M. Sarabi صادر نمایید

P.O.Box: 2821 LONDON NW2 1DS

Tel: 020 - 8731 9333



Three Centuries of Fine Art in Jewellery

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

Worldwide reputable and exclusive designers of fine quality Engagement and Wedding jewellery



The Ultimate

The largest collection of engagement and wedding rings made to your exact specification

Mozafarian Jewellers Ltd

Showroom & Head Office 88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER
Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



MEMBERS OF THE
ASSOCIATION
BRITISH JEWELLERS



Three Centuries of Fine Art in Jewellery



The Ultimate

The largest collection of engagement and wedding rings made to your exact specification

*Worldwide reputable and exclusive designers of
fine quality Engagement and Wedding jewellery*

جواهرفروشی مظفریان به هموطنان عزیز بخصوص زوجهای جوان زیباترین طرحهای انگشتری و
حلقه های نامزدی را با قیمتهایی باور نکردنی و تخفیف ویژه تقدیم میکند

Showroom
&
Head Office

88 Brompton Rd. , Knightsbridge, London SW3 1ER

Tel.: 020 - 7589 0777 Fax: 020 - 7589 0666

Email: info@mozafarian.com website: www.mozafarian.com